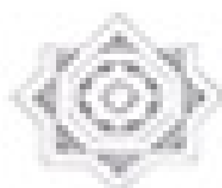


مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری اجتماعی از دیدگاه اسلام

داوود صفا



بسم الله الرحمن الرحیم

جامعه شناسی قشرها و نابرابری اجتماعی از دیدگاه اسلام

نویسنده:

داوود صفا

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

جامعه شناسی قشرها و نابرابری اجتماعی از دیدگاه اسلام

مشخصات کتاب

جامعه شناسی قشرها و نابرابری اجتماعی از دیدگاه اسلام

کد: ۷۷۸

نویسنده: داوود صفا

ناشر و تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

لیتوگرافی: سروش مهر

چاپ و صحافی: نگارش

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۳

شمارگان: ۱۵۰۰

بها: ۸۰۰ تومان

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: IRC@IRIB.COM

تلفن: ۲۹۳۵۸۰۳ و ۲۹۱۰۶۰۲ نمابر: ۲۹۳۳۸۹۲

شابک: ۷-۱۳-۸۶۰۶-۹۶۴ISBN: ۹۶۴-۸۶۰۶-۱۳-۷

ص:۱

اشاره

فهرست مطالب

ص: ۷

دیباچه

دین اسلام با از میان بردن تضادهای نژادی و طبقاتی، روابط سالم و تفاهم اجتماعی را بین طبقات گوناگون اجتماعی برقرار کرده است و جز تقوا و فضیلت معنوی هیچ چیزی را عامل برتری در انسانیت ندانسته و همگان را برابر و برادر به شمار آورده است.

بر اساس آموزه های قرآنی، تمام انسان ها فرزند یک مرد و زن اند و هیچ یک از افراد این خانواده بر دیگری رجحان و برتری ندارد؛ جز این که صلاح و پرهیزکاری در پیش گیرد. اختلاف زبان ها و رنگ ها، تنها جلوه ای از قدرت خداوند است و مایه مباهات و امتیازخواهی نمی شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با تبعیض های نژادی و قومی و قبیله ای مخالف بود و پیوند برادری را میان مسلمانان با قبایل و نژادهای مختلف برقرار ساخت.

از دیدگاه اسلام، بخشی از تفاوت های اجتماعی که از تفاوت های طبیعی سرچشمه می گیرد، نه از میان برداشتنی است و نه جای «باید و نباید» دارد، ولی بخش دیگری که از فرهنگ و نظام ارزشی مردم تأثیر می پذیرند، مشمول «باید و نباید» و توصیه و تکلیف است.

از جمله عواملی که موجب نابرابری اجتماعی انسان ها می شود، تفاوت انسان ها در استعدادها و لیاقت هاست. بنابراین، اگر زمینه برای همگان

یکسان هم فراهم شود، باز هم در میان افراد نابرابری پیش خواهد آمد. همچنین عامل دیگری که می تواند ایجاد تفاوت کند کار و تلاش است. در صورت تحقق عدالت نیز انسان ها از لحاظ قدرت بدنی، جسمی، روحی و همچنین روحیه تلاش و کوشش با یکدیگر متفاوتند و این کوشش و تلاش زمینه ای برای افزایش سرمایه می گردد؛ هرچند اسلام اهرم های دیگر همچون پرداختن واجبات و مستحبات مالی را به گونه ای برای پیشگیری از ایجاد شکاف های طبقاتی عمیق قرار داده است.

پژوهشگر ارجمند جناب آقای داوود صفا کوشیده اند در این نوشتار، جامعه شناسی قشرها و نابرابری اجتماعی را بررسی کنند و نتیجه پژوهشی را برای استفاده بهینه در اختیار برنامه سازان و تهیه کنندگان ارجمند رسانه قرار دهند. با تقدیر از تلاش پژوهشگر ارجمند، امید است این پژوهش در برنامه سازی ها به کار آید.

انّه ولیّ التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص:۱۲

پیش گفتار

ابعاد موضوع

موضوع انتخاب شده در این پژوهش، جامعه شناسی قشرها و نابرابری اجتماعی از دیدگاه اسلام است که در آن درباره ابعاد مختلف نابرابری به لحاظ نژاد، اقتصاد و... از دیدگاه اسلام، بحث می شود.

هدف های پژوهش

۱. بررسی دیدگاه اسلام درباره نابرابری اجتماعی، نژادی و جنسیتی؛

۲. تحلیل ابعاد قشربندی از نظر نژادی، اقتصادی، جنسیتی و پایگاه اجتماعی؛

۳. شناخت و بررسی نقش صدا و سیما در زمینه کاهش یا افزایش نابرابری های اجتماعی؛

۴. یافتن الگوهایی برای ارایه برنامه های صدا و سیما در راستای کاهش یا رفع نابرابری های اجتماعی؛

۵. رهنمون کردن برنامه های صدا و سیما در راستای الگوهای اسلامی، به ویژه در زمینه نابرابری های اجتماعی.

ص:۱۳

ضرورت پژوهش

جامعه ما جامعه ای اسلامی است و دین اسلام که با همه اخلاق های ناپسند مبارزه می کند، دو ویژگی کلی دارد: ۱. در نظام اسلامی قانون، بر افراد حاکم است و همه پیامبران، امامان و رهبران مذهبی، پیرو قانون الهی هستند؛ ۲. همه در برابر قانون یکسانند. در اصل سوم قانون اساسی آمده است:

رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی از وظایف دولت است.

در اصل نوزدهم نیز آمده است که:

مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این ها سبب امتیاز نخواهد بود.

هم چنین در اصل پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است که:

حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی تواند این حقوق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد... .(۱)

از آن جا که در جامعه امروزی ما، مسئله قشربندی اجتماعی و دیگر ابعاد آن در زمینه های مختلف آشکارا دیده می شود؛ یافتن دلیل این مسئله و هم چنین شفاف تر ساختن دیدگاه اسلام درباره نابرابری های اجتماعی و رسانیدن این پیام به گوش مسئولان، به ویژه برنامه ریزان صدا و سیما از

۱- ۱. محمد شریفی اشکوری، اسلام و مبارزه با تبعیضات نژادی، قم، ۱۳۸۲، چاپ اول، صص ۵ ـ ۷.

ضروریـات اصـلی این پژوهش است. از سویی دیگر، چون برنامه های صـدا و سـیما فراگیرنـد و پیام های خود را به سـرعت به مخاطبـان می رسانـد، اقـدام برای کـاهش و یا رفع معضل نابرابری اجتماعی از طریق برنامه های صـدا و سـیما بسـیار ثمربخش خواهد بود.

پرسش های اساسی پژوهش

۱. قشربندی اجتماعی چیست؟

۲. اسلام (متفکران اسلامی و رهبران اسلامی) درباره قشربندی و نابرابری های اجتماعی چه دیدگاهی دارد؟

۳. ابعاد مختلف نابرابری های اجتماعی چیست؟ یعنی منظور از نابرابری اقتصادی، نژادی، جنسیتی و پایگاه اجتماعی چیست؟

۴. نقش صدا و سیما در زمینه قشربندی اجتماعی چیست؟

۵. چه الگو یا الگوهایی برای برنامه های صدا و سیما در راستای رفع یا کاهش نابرابری های اجتماعی مناسب است؟

اهمیت پژوهش

در این پژوهش، مسـئله نابرابری، از جنبه های مختلف در دیدگاه اسلام بررسی و تحلیل شده است. برای جامعه ما که الگوها و مـذهب آن تأکیـد زیادی بر برقراری عـدالت در میان انسان ها دارد، وجود معضل نابرابری اجتماعی امری تأسف بار است. هم چنین مسـئله نـابرابری، خود عـاملی برای به وجود آمـدن مسایـل اجتمـاعی دیگر که با هنجارها و ارزش های اسـلامی مخالف است، می شود؛ پس جبران و یا دست کم کاهش شدت نابرابری، نیازمند کوشش هایی است که چنین پژوهش هایی را در هر جامعه ای الزامی

ص:۱۵

می کند. نتایج به دست آمده از این پژوهش، برای برنامه ریزان اقتصادی، فرهنگی و هم چنین مسئولان دینی با اهمیت است و می تواند کمی ها و کاستی ها را به آن ها نشان دهد تا تصمیم هایی معقول و هماهنگ با رشد همه جانبه جامعه ایران اسلامی بگیرند.

مشخص کردن کاستی ها و کمبودها و آگاه کردن خود مردم با دیدگاه اسلام و رهبران اسلامی در زمینه نابرابری های اجتماعی از موضوع های دیگر پژوهش حاضر است.

امید است که این پژوهش، به آگاهی صحیح و دقیق پژوهشگران علاقه مند بینجامد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر تألیفی ـ توصیفی است که در آن از روش کتابخانه ای و منابع جامعه شناختی، اسلامی و مذهبی استفاده شده است.

پس از جمع آوری اطلاعات، با توجه به یافته های حاصل از پژوهش و طبقه بندی آن ها، نتایجی به دست آمده و بر پایه آن ها پیشنهادهایی ارایه می شود.

دلیل انتخاب روش پژوهش

به دلیل فراوانی منابع مکتوب اسلامی که به مسئله نابرابری های اجتماعی پرداخته اند، روش توصیفی همراه با روش کتابخانه ای را مناسب یافته ایم. هم چنین عنوان موضوع مطرح شده، خود نیازمند چنین روشی است.

هم چنین، چون هدف این پژوهش پی بردن به دیدگاه اسلام (رهبران و متفکران اسلامی) درباره جنبه های مختلف نابرابری هاست، یافتن این اطلاعات در منابع مکتوب، مهم ترین دلیل انتخاب این روش است.

ص:۱۶

پیشینه تاریخی پژوهش

مسئله قشربندی و نابرابری اجتماعی، در تمامی جوامع و تمامی دوران های تاریخی وجود داشته است و در هر مکان و زمان، نوع خاصی با شدت خاصی نمایان بوده است؛ به گونه ای که در یک زمان به شکل برده داری و در زمان دیگر به شکل ارباب و رعیتی و در زمان دیگر به شکل کارگر و سرمایه دار است.

با پیدایش نابرابری در جوامع انسانی، اندیشیدن درباره تفاوت های اجتماعی آغاز شد. همگام با تکامل اندیشه بشر، اندیشه هایی درباره نابرابری، دلایل و پی آمدهای آن نیز به وجود آمد. با پیدایش جوامع نوین، به دلیل ماهیت این جوامع، مسئله قشربندی اجتماعی اهمیت ویژه ای پیدا کرد و اندیشمندان اجتماعی را بر آن داشت که به طور جدی، مسئله نابرابری و قشربندی اجتماعی را بررسی کنند، ولی در زمینه جامعه شناسی نابرابری های اجتماعی از دیدگاه اسلام، کارهای پژوهشی زیادی انجام نشده است. امید است پژوهش حاضر، زمینه ای برای انجام پژوهش های دیگر شود. البته باید گفت در کلاس های دانشگاهی در رشته جامعه شناسی، شاخه ای به نام جامعه شناسی قشرها و نابرابری های اجتماعی وجود دارد.

ص:۱۷

بخش اول: کلیّات

اشاره

ص:۱۸

تعاریف مفاهیم ضروری پژوهش

۱. تعریف قشربندی و نابرابری های اجتماعی

قشربندی اجتماعی، وضعیتی است که افراد را بر پایه برخورداری آنان از کیفیت های مطلوب، رتبه بندی می کند.

در جوامع نوین، کیفیت های مطلوب عبارتند از تحصیلات خوب، درآمد بالا، ثروت چشم گیر و دارا بودن یک شغل آبرومندانه.(۱)

در تعریف قشربندی اجتماعی از نگاه دینی می توان چنین گفت: قشربندی اجتماعی، تفاوت افراد انسانی در میزان برخورداری از ویژگی ها و الگوهای معنوی و عقیدتی مثبت، مانند ایمان، تقوا، عمل صالح و... است که به ایجاد مفاهیمی مانند شرک در مقابل توحید، خداپرستی در مقابل هواپرستی، باتقوا در مقابل گنهکار و... می انجامد.

هم چنین، در تعریفی از نابرابری اجتماعی (قشربندی) گفته شده است که نابرابری اجتماعی عبارت است از وضعیتی که در چارچوب آن، انسان ها

ص:۱۹

---

۱ - ۱. بروس کوئن، درآمدی بر جامعه شناسی، محسن ثلاثی، تهران، نشر توتیا، ۱۳۷۸، ص ۱۷۹. نک: فرامرز رفیع پور، آناتومی جامعه، تهران، نشر دانشگاه، ۱۳۸۰، ص ۳۹۵ نک: مارتین لیپست و همکاران، جامعه شناسی قشرها و نابرابری های اجتماعی، مشهد، انتشارات نیگا، ۱۳۸۱، صص ۷ _ ۹.

به منـابع بـاارزش، خـدمات و موقعیت هـای جـامعه دسترسـی دارنـد. چنین نابرابری هنگامی روی می دهـد که افراد و گروه ها یکـدیگر را درجه بنـدی و سـپس ارزیـابی کننـد، ولی از همه مهم تر این است که نـابرابری اجتماعی در رابطه با موقعیت های متفاوت در ساختار اجتماعی به وجود می آید.

نابرابری اجتماعی از تفکیک اجتماعی ناشـی می شود، از سویی به دلیل توانایی انسان در تفسـیر پدیـده ها و رویدادهاست که سرانجام به ارزیابی وی به صورت خوب، بـد و یا ترجیـح دادن می انجامد. بنابراین، ممکن است ویژگی های فردی و موقعیت هـا و یـا نقش هـای متفـاوت که به گونه ای نابرابرنـد، از بالاـدست به پـایین دست درجه بنـدی شونـد. در این زمینه، نـابرابری اجتماعی، به معنی وجهه (پرستیژ) است.

از سـوی دیگر، ممکـن اسـت تفکیـک اجتمـاعی از دیـدگاه نقش هـا و مـوقعیت هـا، برخی افراد را در موقعیـتی قرار دهـد که دسترسـی بیش تری به کالاـ یـا خـدمات باارزش داشـته باشـند؛ در این صورت، نابرابری اجتماعی به معنی دسترسـی داشـتن به امکانات مورد علاقه است و خود دسترسی به امکانات، فرد را در رده ای بالاتر قرار می دهد.(۱)

البته باید گفت نابرابری علتی است که هم پرستیژ و هم دسترسی به امکانات، را توأمان به همراه دارد.

۲. تعریف منزلت اجتماعی

منزلت، پایگـاه اجتمـاعی است که فرد در میـان یـک گروه دارد. یا به مرتبه اجتماعی یک گروه در مقایسه با گروه های دیگر گفته می شود.(۲)

ص:۲۰

۱- ۱. عبدالعلی لهسایی زاده، نابرابری و قشربندی اجتماعی، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۷۷، ص۶ .

۲- ۲. درآمدی بر جامعه شناسی، ص ۱۷۹.

به بیان دیگر، موقعیتی که یک فرد یا خانواده با ارجاع به استانداردهای میانگین رایج درباره ویژگی های فرهنگی، درآمد مؤثر، دارایی های مادی و مشارکت در فعالیت های گروهی _ اجتماعی به دست می آورد.(۱)

تعریف منزلت اجتماعی از دیدگاه وبر:

منزلت را برآوردی مثبت یا منفی از احترام یا پرستیژ پذیرفته شده از سوی افراد یا موقعیت ها تعریف کرده اند... . منزلت، بازتاب دهنده عواملی هم چون منشأ خانوادگی رفتار، تحصیلات و ویژگی های مشابه است که دست یابی به آن ها یا از دست دادنشان سخت تر از به دست آوردن یا از دست دادن ثروت اقتصادی است.(۲)

۳. تعریف پایگاه اجتماعی

به تفاوت احترام یا اعتبار گروه های اجتماعی در میان دیگران پایگاه اجتماعی گفته می شود.(۳)

۴. تعریف طبقه اجتماعی

اشاره

طبقه اجتماعی، بخشی از اعضای جامعه است که ارزش های مشترک، حیثیت، فعالیت های اجتماعی، به میزان ثروت و دارایی های مشخص دیگر

ص:۲۱

۱- ۱. جامعه شناسی قشرها و نابرابری های اجتماعی، ص ۹۸. نک: بررسی وضعیت قشربندی اجتماعی و رابطه آن با میزان دین داری و نوع قرائت های دینی در شهر قم، صفا، کرمان، انتشارات دانشگاه شهید باهنر، ۱۳۸۲، ص۴۹.
۲- ۲. جامعه شناسی قشرها و نابرابری های اجتماعی، ص ۴۵.
۳- ۳. درآمدی بر جامعه شناسی، ص ۱۷۷. نک: منصور وثوقی، مبانی جامعه شناسی، ۱۳۷۴، نشر خردمند، تهران، صص ۲۲۵ _ ۲۲۷.

و نیز آداب معاشرت آن با دیگر بخش های دیگر جامعه متفاوت باشد.(۱)

تعریف طبقه اجتماعی از نظر وبر

طبقه را می توان گروهی از مردم به شمار آورد که فرصت های زندگی همسانی دارند؛ فرصت هایی که به وسیله قدرتشان برای فروختن کالاها و مهارت های کسب درآمد تعیین می شود.(۲)

ملاک های تقسیم قشربندی اجتماعی

اشاره

برخی معتقدند براساس ارزش های جامعه، مهم ترین معیارهای طبقه بندی انسان ها در لایه ها و قشرهای اجتماعی عبارتند از:(۳)

۱. ثروت (مانند: درآمد و مالکیت)؛

۲. تحصیلات و دانش و تخصص (یعنی توانایی های واقعی علمی، و عملی و نه فقط مدرک)؛

۳. مشاغل، پایگاه بالا یا اقتدار.

از دید آنتونی گیدنز، سه پدیده اساسی مالکیت، تحصیل، مهارت و نیروی کار، طبقات اجتماعی در جوامع پیشرفته را ایجاد می کنند.

طبقه بالا مالکیت ابزارهای تولید را در اختیار دارد. طبقه متوسط بدون تملک ابزارهای تولید، صاحب مهارت ها و تحصیلات ویژه ای است که آن را در بازار مبادله می کند، طبقه پایین یا طبقه کارگر نیز تنها نیروی کار خود

۱- ۱. درآمدی بر جامعه شناسی، ص ۱۷۸. نک: مجید مساواتی آذر، مبانی جامعه شناسی، تبریز، انتشارات احرار، ۱۳۷۳، ص ۱۳۴. نک: منصور وثوقی، مبانی جامعه شناسی، ۱۳۷۴، ص ۲۳۹.

۲- ۲. جامعه شناسی قشرها و نابرابری های اجتماعی، ص ۴۲.

۳- ۳. آناتومی جامعه، ص ۴۴۵.

را به بازار می فروشد.(۱)

برخی از ابعاد قشربندی اجتماعی که با آن می توانیم پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد را بسنجیم، عبارتند از:

۱. قدرت

۲. حیثیت شغلی

۳. درآمد یا ثروت

۴. تحصیلات و دانش

۵. خلوص مذهبی و ایمان

۶ . موقعیت خانوادگی و قومی

۷. موقعیت در اجتماع محلی(۲)

طبقه اجتماعی از دید ماکس وبر چند بعدی است که عناصر بنیادی تشکیل دهنده آن عبارتند از؛ قدرت، ثروت و حیثیت.

۱. قشربندی بر مبنای نژاد

نظریه تبعیضات نژادی بر پایه فکر و ایده نویسندگان متفکر و یا فیلسوفی است که به مساوات و برابری ملت ها اعتقادی ندارند. هواداران و مروّجان برتری نژادی خواستار آنند که بهترین و نیرومندترین نژاد در جهان پیروز شود و نژادهای ضعیف و پست به پیروی و اطاعت از آن گردن نهند.

گذشته از این که چنین طرز تفکری با فلسفه حیات بشری و اصول

۱- ۱. جامعه شناسی نابرابری های اجتماعی، صص ۷۴ _ ۷۵.

۲- ۲. بررسی وضعیت قشربندی اجتماعی و رابطه آن با میزان دین داری و نوع قرائت دینی در شهر قم، ص ۳۹. نک: جامعه شناسی قشرها و نابرابری های اجتماعی، صص ۱۹ _ ۲۴.

آزادی فردی و اجتماعی به کل ناسازگار است و خود موجب انحطاط و رشـد نیافتگی ملت های ضـعیف خواهد شد. اصولاً از نظر علمی و تاریخی، بسیاری از محققان و فلاسفه معاصر برتری نژادی را امری موهوم، ساختگی و بی اساس می دانند.(۱)

در برخی از ایالات امریکا، برابر قانون، نه تنها سیاه پوستان حق ندارند با سفیدپوستان ازدواج کنند، مدرسه، دانشگاه و بیمارستان های آنان نیز از سفیدپوستان جداست. ورود آن ها به مجامع عمومی و مهمان خانه ها و سالن های غذاخوری سفیدپوستان ممنوع است و حق ندارند در اتوبوس ها و وسایل نقلیه عمومی با سفیدپوستان روی یک صندلی بنشینند. شرم آورتر آن که در برخی کلیساها، سیاهان برای انجام مراسم مذهبی حق ورود و شرکت در عبادت را ندارند.(۲)

۲. قشربندی بر مبنای ثروت

ثروت به همه دارایی هایی که افراد در تملک خود دارند، گفته می شود (موجودی سهام و اوراق بهادار، پس انداز و دارایی هایی مانند خانه و زمین و اقلامی که می تواند فروخته شود). تنها اندکی بیش از یک سوم ثروت ملت، در اختیار ۸۰ درصد جمعیت است. امروزه توزیع ثروت در میان افراد، هم چنان نابرابر است و ثروتمندان از وسایل گوناگونی برای انتقال دارایی خود از یک نسل به نسل دیگر استفاده می کنند.(۳)

ص:۲۴

۱– ۱. اسلام و مبارزه با تبعیضات نژادی، ص ۸۷ .

۲– ۲. همان، ص ۸۹ .

۳– ۳. آنتونی گیدنز، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸، صص ۲۵۲ _ ۲۵۵.

اختلافات طبقاتی در تمامی جوامع وجود داشته است و امروزه نیز از پی آمدهای جامعه سرمایه داری است. در چنین جوامعی، یک اقلیت محدود، طبقه مرفه جامعه را تشکیل می دهند که از فرط پول و ثروت، در عیاشی و تنوع طلبی و تجمل خواهی هستند و اکثریتی فقیر و محروم در آتش گرفتاری های زندگی می سوزند و حتی برخی از فقیران به عامل و آلت وسایل عیش و عشرت ثروتمندان تبدیل می شوند. البته اختلافات طبقاتی به این شکل، هرگز با اقتصاد اسلامی منطبق نیست. اسلام، مبانی اقتصادی و قوانین زندگی انسان ها را به گونه ای تنظیم کرده است که در صورت اجرای آن، فقر و محرومیت از جامعه بشری ریشه کن می شود و همه افراد جامعه از یک زندگی به نسبت هماهنگ و مرفه برخوردار می شوند. در این زمینه، نظر اسلام آن قدر روشن است که می توان صدها شاهد زنده و دلیل متقن از مدارک اسلامی ارایه کرد.(۱)

۳. قشربندی برمبنای پایگاه اجتماعی

افزون بر نظام اقتصادی، توجّه به نظام اجتماعی، یعنی موقعیت پایگاه افراد ــ پاداش ها و بهای زندگی اجتماعی که به وسیله برآوردهای مثبت و یا منفی از افتخارات اجتماعی تعیین می شود ــ قشربندی و نابرابری اجتماعی را به وجود می آورد. بدین ترتیب، برای بررسی قشربندی اجتماعی باید از

---

۱ – ۱. بررسی وضعیت قشربندی اجتماعی در شهر قم، ص ۳۷؛ اقتصاد اسلامی، آیت الله حسین نوری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳، صص ۱۴۵ ــ ۱۴۷، مهدی غلامی، مطالعه تطبیقی فقر از دیدگاه جامعه شناسی اسلام، کرمان، دانشگاه شهید باهنر (۱۳۷۶) صص ۱۱۷ و ۱۱۸.

پایگاه گروه ها و سبک زندگی افرادی که در الگوهای مصرف و منزلت اجتماعی مشابه سهیم اند، آگاه شویم. اعضای گروه های هم پایگاه، همسانی های میان خودشان را ارزیابی می کنند و می شناسند و در عمل تعامل با دیگران را که در سبک زندگی و ارزش های خودشان سهیم نیستند محدود می کنند. برای نمونه، در دانشگاه ها، متصدیان مشاغل اداری با استادان ارزش های متفاوت و متضاد دارند. اگرچه امکان دارد، درآمد مشابهی داشته باشند. هر گروهی ممکن است پایگاه گروه خودش را بالاتر از دیگر گروه ها به شمار آورد. پایگاه اجتماعی از شخصیت، منزلت و احترامی که جامعه به رفتار و ویژگی ها اعطا می کند، ناشی می شود که این خود می تواند عامل نابرابری میان افراد شود.(۱)

تفاوت ارزشی بین موقعیت ها تا آن اندازه که متناسب با اهمیت و سختی انجام نقش ها و وظایف در آن موقعیت ها باشد، از نظر علمی، عقلانی و اجتماعی یک مسئله پذیرفته شده و تأثیر آن بر کارکرد اجتماعی را می توان مثبت شمرد.

ازاین رو، منظور از نابرابری این تفاوت منطقی و پذیرفته شده نیست، بلکه منظور از نابرابری آن است که عده ای، بیش تر یا بسیار بیش تر از آن چه برای جامعه کار می کنند، بهره می برند و میزان امتیازات و تشویق هایی که از یک موقعیت اجتماعی می گیرند، بسیار بیش تر از اهمیت نقشی است که در آن موقعیت ایفا می کنند و در مقابل آن کاری که می کنند، امتیاز و حقوقی بسیار بیش تر از استحقاق خود دارند.

۱- ۱. نک: مبانی جامعه شناسی، ص ۱۳۸.

نابرابری اجتماعی زمانی رخ می دهد که در نظام قشربندی فاصله (ارزشی) بین قشرها زیاد شود یا هنگامی که تفاوت ارزشی میان موقعیت ها بدون ضوابطی که همگان پذیرفته اند بسیار زیاد باشد. این مسئله وقتی پیش می آید که ارزش موقعیت، تعریف شده و بر پایه ضوابط پذیرفته شده عموم نباشد.(۱)

نابرابری در تملک اموال می تواند سرچشمه نابرابری در اعطای امتیازهای مربوط به حیثیت باشد. به نظر ماکس وبر، تفاوت های پایگاه اجتماعی را می توان در شیوه های متفاوت زندگی به چشم دید. با تخصیص شایستگی برخی پاداش ها به خود، ادعایشان را در شیوه زندگی، رفتار و فعالیت هایی که از نظر اجتماعی انحصاری است، نهادینه می کنند. این گروه های اجتماعی بی درنگ پس از آن که، موقعیتشان را با در اختیار گرفتن بخش هایی از قدرت اقتصادی تثبیت کنند، فرصت را برای به دست آوردن امتیازهای قانونی ای که منتظرش هستند از دست نخواهند داد.(۲)

۴. نقش تحصیل و دانش در قشربندی اجتماعی

دانشی که افراد یا به طور رسمی، به وسیله تحصیل و یا به طور غیررسمی به دست آورده اند، بر شیوه عمل آنان اثرگذار است. ازاین رو، سطوح و انواع متفاوت تحصیل و دیگر تجربیات آموزشی میزان دانش را به طور متفاوتی تقسیم می کنند و ممکن است که موجب شکل گیری یک

۱- ۱. آناتومی جامعه، صص ۴۴۲ _ ۴۴۴. نک: مبانی جامعه شناسی، ص ۱۳۸؛ نک: محمد سیاه پوش و همکاران، نابرابری اجتماعی، ص ۷۷.

۲- ۲. ملوین تامین، جامعه شناسی قشربندی و نابرابری اجتماعی، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، تهران، انتشارات توتیا، ۱۳۷۳، صص ۱۱ _ ۱۲.

ساختار قشربندی شده، در میان افراد جامعه شوند. این بعد از قشربندی، تأثیراتی مستقل از تأثیرات ابعاد دیگر دارد.(۱)

۵. نقش موقعیت خانوادگی و گروه قومی در قشربندی اجتماعی

در همه جوامع، گروه های خویشاوندی و افراد منتسب به آن ها در شکل گروه های قومی، کارکردهای مهمی را محقق می کنند... خانواده ها به علت توفیقات متفاوتشان در اجرای این وظایف و نیز به علت نوسان داشتن دیگر خدماتی که برای اجتماعات ملی و محلی انجام می دهند، به طور متفاوتی ارزیابی می شوند... . این ارزیابی ها به قشربندی از خانواده ها می انجامد.(۲)

۶. نقش قدرت در قشربندی اجتماعی

گیدنز بر این باور است که قدرت به «روابط استقلال و وابستگی میان کنش گران» گفته می شود که در آن، افراد، ویژگی های ساختاری سلطه را به کار می برند و بازتولید می کنند. نظام طبقاتی بهترین مثالی است که چگونگی پیدایش تفاوت ها در قدرت و ساختارهای سلطه را در نظام اجتماعی نشان می دهد. او می گوید، تفاوت ها در مقدار قدرت، تنها عاملی نیست که افراد را در جامعه به هم پیوند می دهد، ولی یکی از این پیوندها را ایجاد می کند و تمامی کنش های متقابل اجتماعی یک عامل اساسی است.(۳)

کارکردگرایان ساختاری براین باورند که افراد قدرتمند جامعه هستند که

۱- ۱. جامعه شناسی قشرها و نابرابری های اجتماعی، ص ۲۲.

۲- ۲. همان، ص ۲۳.

۳- ۳. نابرابری های اجتماعی، ج. گر. ب. ادواردز، محمد سیاه پوش و احمدرضا غروی زاده، تهران، نشر معاصر، ۱۳۷۳، صص ۲۰۷ _ ۲۱۰.

تصمیم می گیرند، کدام پایگاه ها بیش ترین اهمیت را داشته باشند. ازاین رو، از بیش ترین حیثیت و پاداش های دیگر برخوردارند. بر مبنای این دیدگاه، دیگر تطابق میان قدرت و حیثیت و امتیازهای افراد ناشی از مشروعیت یا وفاق نخواهد بود، بلکه به طور عمده از توانایی افراد سلطه گر در تثبیت و حفظ کردن مزیت های خود، با استفاده از زور یا ابزارهای دیگر سرچشمه خواهد گرفت.(۱)

وبر، قدرت را توانایی مردم برای دست یابی به اهداف خویش (با وجود مقاومت دیگران) تعریف می کند.

پس، قدرت دربردارنده زورگویی برخی به برخی دیگر است. در همه جوامع نیز برخی افراد، در جست وجوی قدرت برای خود و یا گروه خویش هستند. در طرح کلی وبر، نظام چیرگی با دو عنصر مربوط به هم تعریف می شود:

الف) باورهایی درباره مشروعیت اقتدار؛

ب) وجود دستگاهی اجرایی.

در جوامع پیشرفته صنعتی امروز، اقتدار بر پایه قانون و سلطه قانونی ـ عقلایی است. بنا بر تعبیر وبر، چیرگی قانونی، با برتری مقام و پایگاه به وجود می آید. در درون یک نظام اقتداری و قانونی عقلایی، احزاب سیاسی، سازمان هایی هستند که در آن ها طبقه ها و گروه های هم پایگاه، برای به

۱- ۱. همان، صص ۱۴۵ ـ ۱۴۶.

دست آوردن قدرت مبارزه می کنند.(۱)

وبر معتقد است قدرت هنگامی نمایان می شود که عده ای بتوانند به دلخواه شرایط اجتماعی را در اختیار بگیرند، بدون این که برای دیدگاه های موافق و مخالف اهمیتی قائل شوند.

قدرت تسلط بر شرایط اجتماعی، به مسئله نابرابری اجتماعی مربوط می شود؛ زیرا چنین تسلطی، به طور معمول تأثیری مستقیم بر ایجاد و تقویت حقوق و فرصت ها و امتیازات نابرابر میان مردم دارد.(۲)

۱- ۱. نابرابری و قشربندی اجتماعی، ص ۳۷.

۲- ۲. نک: مفاهیم اساسی جامعه شناسی، ماکس وبر، صدراتی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۴، ص ۱۳۹.

بخش دوم: دیدگاه ها درباره قشربندی

اشاره

ص:۳۱

نظریه افلاطون

افلاطون، علت اصلی نابرابری اجتماعی را در رابطه با فطرت انسان در زمینه نیاز و ولع می بیند؛ آن هم نه به این معنا که نابرابری به طور طبیعی یک امر درست است. او حرص و آز مردم و تفنن و تجمل پرستی آنان رامنشأ مسایل می بیند (مردم به زندگی ساده قناعت نمی کنند و سودپرست و جاه طلب و رقابت جو و حسود می شوند). آن ها از آن چه خود دارند، زود سیر می شوند و در آتش حسرت آن چه ندارند، می سوزند و احساس محرومیت نسبی دارند. آن ها به ندرت چیزی را طلب می کنند که از آن دیگران نباشد. در نتیجه، طایفه ای به طایفه دیگر تجاوز می کند. از این طریق، تضاد طبقاتی به وجود می آید و هر شهری به دو قسمت تقسیم می شود؛ یکی فقرا و دیگری اغنیا و... که با هم به جنگ بر می خیزند.(۱)

ویژگی های مدینه فاضله یا جامعه آرمانی از نظر افلاطون چنین بوده است؛ جامعه ای که ساختار طبقاتی آشکار دارد و شهروندان، درون یکی از طبقات سه گانه جا دارند؛ طبقه زمامداران، طبقه نگهبانان و طبقه کارگران. طبقه اول به دو قشر رهبران و غیر رهبران تقسیم شده است. سپس به هر

۱- ۱. آناتومی جامعه، ص ۴۴۷.

یک از این قشرهای اجتماعی وظایف مشخص و معینی واگذار شده است.

افلاطون، تولد را چونان عامل تعیین کننده پایگاه اجتماعی نمی داند. او برای همه کودکان جامعه، مستقل از خاستگاه اجتماعی شان، خواستار فرصتی برابر برای شکوفایی استعدادشان است و به اقتضای آن، برای همه آن ها تربیتی متناسب با وظایف ویژه ای که باید در جامعه بر عهده گیرند تجویز می کند.(۱)

نظریه ارسطو

نظریه ارسطو در کتاب سیاست، سند جالبی برای تاریخ تفکر درباره نابرابری اجتماعی است. بر اساس نظریه ارسطو، مردم هر کشور به سه گروه یا طبقه تقسیم می شوند. آنان که بسیار توانگرند، آنان که بسیار فقیرند و آنان که میان دو گروه قرار دارند. چون ثابت شد که بهترین هر چیز در میانه یا میانگین آن است، ناگزیر باید پذیرفت که بهترین میزان بهره مندی از مواهب دارایی نیز، در اندازه نگه داشتن آن است؛ زیرا آن که به اندازه مال می اندوزد، گوش به فرمان خود دارد و حال آن که کسی که به افراط از زیبایی یا نیرو یا تبار بلند و یا دارایی استفاده می کند و هم چنین آن هایی که فقیر یا ناتوان و فرودست باشند، فرمان خود را به دشواری می پذیرند، بازتاب نابرابر در اصل و نسب و قدرت و ثروت بر حفظ حکومتی منصفانه

ص:۳۳

۱- ۱. بررسی وضعیت قشربندی اجتماعی و رابطه آن با میزان دین داری و نوع قرائت دینی در شهر قم، صص ۱۵ _ ۱۶؛ نک: جامعه شناسی قشربندی و نابرابری اجتماعی، صص ۱ _ ۲.

و ایجاد جامعه ای معقول و خردمندانه، خاطر ارسطو را به خود مشغول کرده است.(۱)

نابرابری های اجتماعی از نظر ارسطو از طریق علل طبیعی؛ یعنی تفاوت های طبیعی میان افراد تبیین می شود. به عبارت دیگر، تفاوت طبیعی و خدادادی در توانایی ها، علت نابرابری است. این تبیین، برای مشروعیت بخشیدن نابرابری بسیار مناسب است.(۲)

نظریه ابن خلدون

از نظر ابن خلدون، طبقه اجتماعی، بخشی از اعضای جامعه اند که ارزش های مشترک، حیثیت و فعالیت های اجتماعی، میزان ثروت و تعلقات شخصی و نیز آداب معاشرت آنان با بخش های دیگر جامعه متفاوت باشد.(۳)

ابن خلدون، که به حق می توان او را پدر جامعه شناسی نامید، نخستین اندیشمند اسلامی است که به صراحت از قوانین حاکم بر جامعه، مستقل از قوانین افراد یاد کرده است.

ابن خلدون نابرابری در جامعه را بیش تر ناشی از در اختیار داشتن

۱- ۱. بررسی وضعیت قشربندی اجتماعی و رابطه آن با دین داری و نوع قرائت دینی در شهر قم، ص ۱۶. نک: نابرابری و قشربندی اجتماعی، صص ۲ ــ ۳.

۲- ۲. آناتومی جامعه، ص ۴۴۶.

۳- ۳. بررسی وضعیت قشربندی اجتماعی و رابطه آن با میزان دین داری و نوع قرائت دینی در شهر قم، ص ۱۷. نک: کاظمی پور، الگویی در تعیین پایگاه اجتماعی ــ اقتصادی افراد و بخش تحرک اجتماعی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۳.

ثروت می داند که افراد را به طبقه های زیردست و بالادست تقسیم می کند، سپس بیان می کند که هر طبقه جاه مخصوص به خود دارد که آن را علیه طبقه های زیردست خود به کار می گیرد.

«جاه عبارت است از قدرتی که برای بشر حاصل می شود و آن را درباره هم نوعان زیردست خود، از راه اجازه دادن و وضع کردن و تسلط به آنان به قهر و غلبه به کار می برد تا ایشان را از روی عدالت به وسلیه احکام و قوانین شرایع یا سیاست به دفع مضار و جلب منافعشان و هم چنین، به دیگر مقاصدی که دارد، وادار کند.»(۱)

آشکار می شود که چگونه ابن خلدون واقعیت های موجود در جوامع را در نظر می گیرد و با دیدی نقادانه، نابرابری را بررسی می کند.

طبقاتی که ابن خلدون ارایه می کند، سلسله مراتبی است. او این سلسله مراتب را بدین شرح بیان می کند: «جاه و نفوذ در میان مردم به ترتیب طبقات تقسیم شده است و طبقه ای پس از طبقه دیگر دارای جاه و قدرت است؛ چنان که در طبقات برتر به پایه شاهان می رسد که هیچ قدرت و دستی، بالای توانایی آن ها نیست و طبقات فروتر به کسانی می رسد که در میان هم جنسان خود سود و زیانی ندارند و میان دو طبقه مزبور، طبقات گوناگون دیگری است.»(۲)

ابن خلدون با طرح پایگاه های اجتماعی و مقامات اداری و دیوانی، طبقه های اجتماعی

۱- ۱. نابرابری های اجتماعی، ص ۱۰۲. نک: ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ۱۳۶۲، ص ۷۷۱.

۲- ۲. مقدمه ابن خلدون، صص ۷۷۲ _ ۷۷۳.

موجود را برشمرد. وی در رأس جامعه از پادشاه و سلطان نام می برد و سرانجام وی از ده نشینان مستضعف یاد می کند که در انتهای سلسله مراتب طبقاتی قرار دارند. در دیدگاه وی آنان که کشاورزی می کنند، هم نشین مذلت و خواری هستند.(۱)

نظریه های کلاسیک و قشربندی اجتماعی

«از آن جا که پیدایش جامعه شناسی، با گسترش نظام های صنعتی و سرمایه داری، همراه بوده است، از همان اوان، جامعه شناسان کلاسیک در اندیشه تقسیم کار اجتماعی و در نتیجه، بیان نابرابری و قشربندی اجتماعی بوده اند. در میان جامعه شناسان کلاسیک، نخست کارل مارکس به ارایه یک تبیین نظری برای پیدایش جامعه سرمایه داری و طبقه های گوناگون اندیشید.

سپس نظریه های امیل دورکیم درباره تقسیم کار، طبقه ها و قشرهای اجتماعی، به گونه ای دیگر مطرح شد. با ارایه نظریه های ماکس وبر درباره طبقه های اجتماعی، روشنایی بر نظریه های مربوط به قشربندی اجتماعی در جامعه شناسی تابیده شد.»(۲)

نظریه کارل مارکس

در تاریخ اندیشه اجتماعی، هیچ متفکری به اندازه کارل مارکس، مبارزه میان طبقات اجتماعی و اقتصادی متخاصم را عامل اصلی و مسلط در تبیین

۱- ۱. همان، ص ۷۸۰.

۲- ۲. نابرابری و قشربندی اجتماعی، ص ۱۹. نک: منصور وثوقی، مبانی جامعه شناسی، ص ۲۴۷. نابرابری های اجتماعی، صص ۱۹ _ ۴۰. مبانی جامعه شناسی، ص ۱۳۵.

جامعه ندانسته و به آن بها نداده است.(۱)

چشم انـداز تحلیلی مارکسـیستی از پدیده قشـربندی اجتماعی، از سویی بر وجود عینی طبقه تأکید می کند و از سوی دیگر، بر مناسبات تولیدی که توانایی شکل دهی و تعیین وضعیت اجتماعی کل را دارد.

مارکس بـدون آن که نقش عواملی چون قدرت یا شـیوه زندگی را نفی کند، واقعیت اساسـی جامعه را مالکیت می داند و آن را زیربنا می نامد. بر روی این زیربناها مقوله های اجتماعی، فرهنگی قرار دارد که آن ها را روبنا می نامد. برای نمونه، قدرت، شیوه هـای فرهنگی به صورت های زنـدگی خانوادگی، فراینـدهای آموزشـی و پرورشـی و عواملیماننـد آن، همه این عوامل همان گونه که تجربه نیز نشان داده است، می تواند نابرابری های اولیه ناشی از تفاوت در مالکیت را تشدید کند.(۲)

«در نگـاه مـارکس، داشـتن موقعیت هـای متفـاوت در ارتبـاط بـا ابزارهـای تولیـد میان افراد جامعه تضاد منافع ایجاد می کنـد. ماهیت جامعه سـرمایه داری ایجاب می کنـد که مالک کارخانه سودش را با تملک منافع حاصل از کارگر به حـداکثر برساند. در چنین وضـعیتی، کارگر احساس می کند که از او بهره کشی می شود. از سوی دیگر، قدرت اقتصادی طبقه سرمایه داری به وی امکان می دهد تا اهرم های قدرت سیاسی را در خدمت منافع خودش به

۱- ۱. جامعه شناسی قشربندی و نابرابری اجتماعی، ص ۶ .

۲- ۲. بررسـی وضعیت قشربندی اجتماعی و رابطه آن با میزان دین داری و نوع قرائت دینی در شهر قم، صص ۱۷ ـ ۱۸. نک: جامعه شناسی قشربندی و نابرابری اجتماعی، صص ۶ - ۷ - ۸ .

دست گیرد و مبارزه حق طلبانه کارگران را سرکوب کند.»(۱)

به نظر مارکس، طبقه اجتماعی بر پایه موقعیت ها و وظایف گوناگونی که افراد در ساختار تولید جامعه دارند شکل می گیرد؛ در تشکیل طبقه اجتماعی دو عامل اصلی دخالت دارد:

۱. شیوه تولید (کشاورزی، پیشه وری و صنعتی)؛

۲. مناسبات تولید. همین عامل دوم است که لایه های اصلی مشاغل را در ساختار اقتصادی جامعه ایجاد می کند.(۲)

مارکس بر این باور است که در همه جوامعی که اساس آن، کنترل ابزارهای تولید است، نظام قشربندی به وجود می آید. چنین واقعیتی در بردارنده این نکته است که کسانی که از ابزارهای تولید موجود سود می برند، به حفظ وضع موجود علاقه مندند. مارکس چنین استدلال می کرد، بیش تر کسانی که ابزارهای تولید را در اختیار دارند، قدرت مندترین طبقه را در جامعه تشکیل می دهند؛ در نتیجه بیش ترین پاداش ها را دریافت می کنند. قدرت، حساس ترین منبع است؛ زیرا می توان از آن برای تأمین منافع دیگر استفاده کرد. ازاین رو، توزیع نابرابر قدرت بیانگر بیش ترین تضاد منافع است.(۳)

ایده های مارکس درباره نابرابری و قشربندی اجتماعی را در ۶ اصل

۱- ۱. نک: بررسی وضعیت قشربندی اجتماعی و رابطه آن با میزان دین داری و نوع قرائت دینی در شهر قم، ص ۱۸.
۲- ۲. نابرابری های اجتماعی، صص ۸ و ۹.
۳- ۳. نابرابری و قشربندی اجتماعی، ص ۲۵.

نظری به شرح زیر مرتب کرده اند:

۱. هر چه نابرابری توزیع منابع کمیاب، در یک نظام بیش تر باشد، تضاد منافع بین بخش های چیره و زیر سلطه افزون تر است.

۲. هر انـدازه که بخش های فرودست از منافع گروهی خود بیش تر آگاه شونـد، احتمال این که در مشـروعیت پراکنش نابرابر منافع کمیاب تردید کنند، بیش تراست.

۳. هر چه بخش هـای بیش تری از یک نظام، از منافع گروهی خود آگاه شونـد، تردیـد آن ها درباره مشـروعیت منابع کمیاب بیش تر خواهد بود...

۴. هر چه بخش هـای بیش تری از فرودسـتان، بـا داشـتن بـاوری مشترک، یگـانه شونـد و هر چه ساختار رهبری سیاسـی آن ها کامل تر باشد، بخش های بیش تری از افراد چیره و زیرسلطه در نظام اجتماعی، از یکدیگر جدا خواهند شد.

۵. هر چه فاصله میان افراد چیره و زیرسلطه بیش تر باشد، تضاد شدیدتر خواهد بود.

۶ . هر چه تضاد شدیدتر شود، تغییر ساختار نظام و پراکنش دوباره منابع کمیاب نیز بیش تر خواهد بود.»(۱)

نظریه ماکس وبر

جـامعه شناسـی قشـربندی اجتماعی ماکس وبر، واکنش به جامعه شناسـی مارکس است، ولی تکمیل کننـده آن نیز هست. وی نابرابری های اجتماعی را تضاد و برخورد می دانست، البته نه به معنای تضاد موجود میان مالکان

۱- ۱. نابرابری و قشربندی اجتماعی، ص ۲۶.

ابزارهای تولید و کارگران.

به نظر او گروه های متفاوت و افرادی با منافع گوناگون می توانند پایه ایجاد تضادها و برخوردهای اجتماعی باشند.

دیدگاه وبر از قشربندی اجتماعی، چند بعد دارد؛ این پیچیدگی و چندبعدی بودن نظریه وبر به دلیل گسترش نظام سرمایه داری و چارچوب های بوروکراسی در جوامع نوین است.

«وبر، تحت تأثیر مارکس، بعد اقتصادی قشربندی را در نظریه اش منظور کرده است. برای او نیز مانند مارکس، مالکیت نقش تعیین کننده ای در توزیع امکانات عرضه شده به فرد یا طبقه ایفا می کند. این وصف او، به بعد اقتصادی دو بعد دیگر اضافه می کند؛ قدرت و حیثیت.»

«او نسبت به قشربندی اجتماعی، دیدگاهی سه وجهی دارد. در نگاه او، مالکیت و قدرت و حیثیت با وجود وابستگی متقابلشان در بنیان، متمایزند که بر روی آن ها نظام قشربندی در هر جامعه ای سامان می یابد و شکل می گیرد. تفاوت در برخورداری از مالکیت اموال، منشأ طبقه بندی اجتماعی است. تقسیم نابرابر قدرت به تشکیل احزاب سیاسی می انجامد و درجات حیثیت گوناگون، منشأ پیدایش قشرهای اجتماعی است که از دارندگان پایگاه های اجتماعی مشابه تشکیل شده اند.»

«دارندگان پایگاه اجتماعی مشابه، در جامعه سهم برابری از حیثیت و احترام دارند و از درون احساس هم بستگی می کنند. البته نابرابری در تملک اموال، می تواند منشأ نابرابری در اعطای امتیازات مربوط به حیثیت گردد.»

به نظر وبر، تفاوت های پایگاه اجتماعی را در شیوه های متفاوت زندگی،

می توان به چشم دید.(۱)

هم چنین وی بر این باور بود که پیشرفت فن آوری، تکمیل کننده انتقال نظام قشربندی از تملک بر زمین به مالکیت «سرمایه» است.(۲)

نظریه دورکیم

از دیدگاه دورکیم، پرسش اساسی نظری این بود که: چه نیرویی جامعه را متحد و یکپارچه نگه می دارد؟ در پاسخ به این پرسش، دورکیم براین باور بود که ساخت های اجتماعی، عناصر نمادی (مانند ارزش ها، باورها و هنجارها) و روابط پیچیده میان این دو باید بررسی شود. وی برای مطالعه جوامع نوین، بررسی تقسیم کار را به صورت یک بایسته پایه در نظر گرفته است.

از نظر دورکیم، دو نوع نابرابری اجتماعی در جامعه وجود دارد که عبارتند از نابرابری های بیرونی و نابرابری های درونی. وی بر این باور است که نابرابری های بیرونی به دلیل وجود هم بستگی مکانیکی و نابرابری های بیرونی به طور سلسله مراتبی وجود دارند و جامعه برپایه آن سازمان دهی می شود.

منظور دورکیم از نابرابری های بیرونی، نابرابری هایی است که از شرایط اجتماعی زایش فرد سرچشمه می گیرد؛ مانند امتیاز اشرافیت وانتقال موروثی مالکیت خصوصی. ولی نابرابری های

۱- ۱. نابرابری و قشربندی اجتماعی، صص ۹ _ ۱۳. نک: نابرابری اجتماعی، صص ۶۴ _ ۶۸ ؛ نک: مبانی جامعه شناسی، ص ۱۳۷.

۲- ۲. نابرابری و قشربندی اجتماعی، ص ۴۰. نک: نابرابری اجتماعی، صص ۹۸ _ ۱۱۸.

درونی در نظر وی تنها اصلی است که بر توزیع اجتماعی و مادی پاداش ها، حاکم و با نظام اخلاقی نوین، سازگار است.

وی نابرابری های درونی را در تفاوت استعدادها و قابلیت های افراد می داند.(۱)

به طور کلی دورکیم بر این باور بود که جامعه را باید به صورت یک کل در نظر گرفت و نه به صورت یک نظام دو قطبی در حال تضاد.

با این حال دورکیم، در شرح تقسیم کار در جامعه صنعتی در حال گسترش، ناچار بود که به بررسی طبقه و تضاد طبقاتی تن در دهد. او تضاد طبقاتی را پدیده ای غیرطبیعی می دانست و بیان می داشت:

«اگر تقسیم کار، تضاد می آفریند، این یا بدان خاطر است که جامعه در مرحله توسعه انتقالی است و یا این که نظم اجتماعی در وضعیت آسیب گونه به سر می برد.»

دورکیم، با تأثیرپذیری از ژان ژاک روسو، سن سیمون و اگوست کنت، ولی در واکنشی به مارکس، نابرابری های سرچشمه گرفته از انتساب و منزلت موروثی را «نابه هنجار» می دانست. وی، از مالیات بر ارث که می تواند از بین برنده ثروت زیاد باشد، پشتیبانی می کرد. ولی برخلاف مارکس، انزجاری از گردآوری سرمایه و منزلت نداشت؛ البته هنگامی که در نتیجه کار و تلاش به دست آمده باشد و نه میراث گونه. آن چه از تقسیم کار و نابرابری های منزلتی، مورد علاقه دورکیم بود، درباره توانایی های شگرف و

۱- ۱. نابرابری و قشربندی اجتماعی، صص ۲۷ _ ۲۹. نک: مبانی جامعه شناسی، ص ۱۱۸.

پیچیده انسان ها بود.(۱)

نظریه های امروزی و قشربندی اجتماعی

دیدگاه کارکردگرایی در زمینه قشربندی اجتماعی

نظریه های کارکردگرایی، در دهه ۱۹۵۰ میلادی بر پژوهش های قشربندی اجتماعی چیره بوده اند.(۲)

در تحلیل کارکردی قشربندی، کارکردگرایان، قشربندی را ساز و کاری می دانند که جامعه، از خلال آن انسان ها را به تلاش برای به دست آوردن موقعیت های مختلف مورد نیاز در یک نظام اجتماعی پیچیده، تشویق می کند. گستره بزرگ موقعیت ها باید به وسیله افرادی پُر شود که مهارت، تحصیلات، هوش، تعهد به کار و رغبت و تمایل آن ها در به کارگیری منابع قدرت، با دیگران متفاوت است. بدین ترتیب، نظام قشربندی در نظر کارکردگرایان یک نظام انگیزش است. هم چنین نظریه کارکردی بیان می کند که منزلت وجه احترام انگیز، عمومی ترین و پایدارترین شکل قشربندی است؛ زیرا انسان ها که حیواناتی اجتماعی اند، بیش از برآوردن نیازهایشان، نیازمند شناخته شدن از سوی دیگرانند. از دیدگاهی فراتر، پاداش های اقتصادی و قدرت ارزشمندند، ولی نه به خودی خود؛ زیرا موقعیت های اقتصادی سلسله شاخص های سمبلیکی برای منزلت بالایند.(۳)

۱- ۱. نابرابری قشربندی اجتماعی، صص ۳۰ _ ۳۱. نک: نابرابری اجتماعی، صص ۱۲۸ _ ۱۴۱.

۲- ۲. نابرابری و قشربندی اجتماعی، ص ۴۴.

۳- ۳. نابرابری ها و قشربندی اجتماعی، صص ۴۵۳ _ ۴۵۶

کارکردگراها معتقدند قشربندی اجتماعی برای این وجود دارد که نیازهای جامعه بشر برآورده شود. آن ها براین باورند که پاداش هایی چون در آمد، ثروت و منزلت باید در میان اعضای جامعه نابرابرانه توزیع شود تا مهم ترین پایگاه ها در اختیار شایسته ترین افراد قرارگیرد.(۱)

نظریه پارسونز در مورد قشربندی اجتماعی

پارسونز، نظام اجتماعی را دارای جنبه های مختلفی می داند که قشربندی یکی از آن هاست. به نظر او، قشربندی اجتماعی جنبه ای عام از نظر اجتماعی است که برای سازمان اجتماعی عنصری ضروری به شمار می آید و در همه جوامع وجود دارد.(۲)

پارسونز براین باور است که دو دسته مفاهیم به ما کمک می کنند تا مفهوم قشربندی اجتماعی را درک کنیم. از دید او، پایگاه، مهم ترین بُعد قشربندی اجتماعی است. مردم با ارزیابی دیگران رده بندی می شوند. بنابراین، همیشه در جامعه رده های پایگاهی وجود دارد.

پارسونز، تفاوت های ثروتی و قدرتی را تشخیص می داد، ولی بر آن بود که اهمیت این ها در رده دوم است. پارسونز برای این که جای انسان ها را در نظام قشربندی اجتماعی مشخص کند، نقش ها را براساس احترامی که مردم در جامعه دارند، از بالا به پایین رده بندی می کند.

ص:۴۴

۱- ۱. بررسی وضعیت قشربندی اجتماعی و رابطه آن با میزان دین داری. ص ۲۲. نک: کاظمی پور، الگویی در تعیین پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی افراد، ۱۳۷۸ ص ۱۴۳.

۲- ۲. همان، ص ۲۴.

در نظریه پارسونز، آن هایی که خود را با ارزش های نهادهای اصلی (اقتصاد، دولت نظامی قانونی، مذهب، خانواده، مدرسه و نهادهای فرهنگی) هماهنگ می کنند، بالاترین پایگاه و ثروت بسیاری به دست می آورند. پس نابرابری اجتماعی، پدیده ای گریزناپذیر است؛ چون همیشه چنین وضعیتی در جامعه وجود خواهد داشت. افزون براین، نابرابری اجتماعی، سازه های تثبیت وضع موجود، دلیل کارایی نظام به شمار می رود.(۱)

استدلال های پارسونز در توجیه قشربندی اجتماعی را می توان چنین خلاصه کرد:

چون کنش اجتماعی هدفی دارد، ازاین رو، مسئله انتخاب پیش می آید. کنش را افراد ارزش یابی می کنند؛ ازاین رو، مسئله انتخاب به ارزش یابی می انجامد. بنابراین، پارسونز قشربندی را رده بندی واحدها، برحسب معیارهای نظام ارزش های مشترک در یک نظام اجتماعی می داند. در هر جامعه انسانی، ارزش های مشترک معینی وجود دارد. از آن رو که ارزش ها، از نیازهای جامعه برخاسته اند و نیازهای اصلی و نخستین همه جوامع، کم و بیش یکسان است، پس ارزش های ناشی از آن ها در سراسر جهان مشابه اند. آن چه در جوامع گوناگون مختلف است، رده بندی ارزش هاست. قشربندی در هر جامعه، ضرورتا نمایشی است از نظام ارزش های آن جامعه. پاداش ها و مزایای مادی و معنوی که هر شخص یا شغلی در هر جامعه دارد، نتیجه این است که افراد از این نظر متفاوتند. وجود نابرابری های اجتماعی

۱- ۱. نک: نابرابری و قشربندی اجتماعی، ص ۵۲.

گریزناپذیراست.(۱)

نظریه دیویس و مور در مورد قشربندی اجتماعی

نخستین نظریه فراگیر در زمینه نابرابری های اجتماعی در پارادایم کارکردگرایی، ایده معروف دیویس و مور است که در سال ۱۹۴۵ مطرح شد. این دو نظریه پرداز در پارادایم کارکردگرایی قرار دارند که قشربندی را یک پدیده عام و فراگیر و ضروری می دانند.(۲) مهم ترین نکته های نظریه دیویس و مور به شرح زیراست:

۱. برخی از موقعیت ها در جامعه از نظر کارکردی مهم تر از دیگر موقعیت ها هستند: به دیگر سخن، دست یازیدن به آن ها مهارت های ویژه می خواهد.

۲. افراد اندکی در جامعه، این استعدادها را دارند که با آموزش بتوان آن ها را برای دسترسی به این موقعیت ها آماده ساخت.

۳. تبدیل استعداد به مهارت به یک دوره آموزشی نیاز دارد که در آن افراد باید از خودگذشتگی نشان دهند.

۴. در چنین دوره ای، افراد باید بدانند که در آینده موقعیت های گوناگونی به دست خواهند آورد؛ در نتیجه هر فعالیتی، پاداشی ویژه را در

۱- ۱. بررسی وضعیت قشربندی اجتماعی و رابطه آن با میزان دین داری و نوع قرائت دینی در شهر قم، ص ۵۸.

۲- ۲. نابرابری های اجتماعی، ص ۵۰. نک: حسین ادیبی، جامعه شناسی طبقات اجتماعی، تهران، انتشارات علوم اجتماعی، ۱۳۵۴، صص ۱۵۰ _ ۱۵۸.

پی خواهد داشت؛ یعنی دسترسی نابرابر به منابع کمیاب و پاداش های مورد انتظار.

۵. این منـابع کمیـاب، کالاهـا و پـاداش هـا، حقوقی را برای افراد به وجود می آورنـد که در نتیجه آن، افراد در یک پایگاه، به گروه های متفاوتی تقسیم می شوند. بر همین اساس، وجهه اجتماعی متفاوتی نسبت به یکدیگر خواهند داشت.

۶ . بنابراین، نابرابری اجتماعی، پدیده ای ضروری برای بالا بردن سطح اجتماعی است.(۱)

دیدگاه ترکیب گرایی

هواداران این مکتب معتقدند که مکتب های مختلف جامعه شناسـی در اصل همه صحیح بوده اند و هر کدام بخشی از واقعیت ها را بیان کرده اند، ولی جوامع به اندازه ای پیچیده شده اند که باید ترکیبی از اصول را برای قشربندی اجتماعی به کار برد.

از نظر ترکیب گرایان برای شـناخت نابرابری و قشربندی اجتماعی باید با دیدی فراگیرتر و بازتر به مسئله قدرت تضاد پرداخت با شناخت تضادها و برخوردها می توان نابرابری و استثمار در جامعه را کاهش داد.

ص:۴۷

۱- ۱. نابرابری و قشربندی اجتماعی، ص ۵۰

نظریه لنسکی

لنسکی تلاش خود را در زمینه قشربندی اجتماعی گامی در راستای رسیدن به نظریه ای ترکیبی می داند. او با ترکیب دو دیدگاه کارکردی و تضاد پایه بحث خود را چنین آغاز می کند که نابرابری تا اندازه ای گریزناپذیراست؛ زیرا انسان ها از نظر کوشش، توانایی، هوش و چیزهایی مانند این با یکدیگر متفاوت اند، ولی این تفاوت ها بدان معنا نیست که افراد نتوانند گرایش های دگرخواهانه داشته باشند. انسان ها می توانند با داشتن تفاوت هایی با یکدیگر به صورت تعاون زندگی کنند.

از دید لنسکی، دسترسی متفاوت به قدرت، سبب نابرابری در امتیاز مادی می شود. قدرت و امتیاز برای افراد و یا گروه ها وجهه اجتماعی را به وجود می آورند.(۱)

ویژگی آشکار نظریه لنسکی این است که وی نابرابری را چند بعدی می بیند و افراد و گروه ها را براساس قدرت، امتیاز مادی و وجهه رده بندی می کند. و طبقه را به معنای یک بعد نابرابری به کار برده است و بیان می کند که انواعی از نظام های طبقاتی وجود دارد: طبقه های مالک، طبقه های تحصیلی، طبقه های قومی، طبقه های مذهبی و...(۲)

۱- ۱. نابرابری و قشربندی اجتماعی، ص ۷۱. نک: نابرابری اجتماعی، صص ۱۶۵ _ ۱۷۲.

۲- ۲. قشربندی اجتماعی و رابطه آن با دین داری در شهر قم، ص ۲۸.

نظریه دارندورف

رالف دارنـدورف براین باور است که کارکردگرایان اهمیتی به واقعیت های برخورد اجتماعی نـداده انـد. از دیـد دارندورف، می توان نکته های مثبت هر دیدگاه را گرفت و با هم در آمیخت. وی باور دارد که هنوز هم تضاد و برخورد، واقعیت اساسـی زنـدگی اجتمـاعی را رد می کنـد. وی بر این بـاور است که تنهـا مسئله مالکیت نیست که طبقه ها را از هم جـدا می کنـد. در جوامع سـرمایه داری این مـدیران هسـتند که قـدرت واقعی را در دست دارنـد. در اصـل، روابـط اقتـداری رو به گسترش را در شرایط گوناگون و پیچیـده تعیین کننـده می دانـد. پس طبقه ای براساس اقتدار و برخورد در نتیجه داشـتن اقتدار در زمینه های گونـاگون به وجود می آینـد و نه تنها در چارچوب مسایل اقتصادی. در هر نهاد و یا مؤسـسه دارای پایگاه، روابط اقتـداری در نتیجه روابط برخوردی وجود دارد.(۱)

دارندورف به چهار نوع نابرابری در جامعه اشاره می کند:

۱. تفاوت های طبیعی، چهره ظاهری، شخصیت، علائق؛

۲. تفاوت های طبیعی، هوش، استعداد و نیرو (قدرت بدنی) و... ؛

۳. تمایز میان موقعیت های هم ارزش (برای نمونه، راننده تاکسی، بقال، نجار، آهنگر و...)؛

۴. قشربندی براساس منزلت و ثروت برای درجه بندی پایگاه اجتماعی.

دارندورف تأکید می کند که منظور از نابرابری، بیش تر نکته چهارم است.

ص:۴۹

۱- ۱. همان، ص ۲۰. نک: نابرابری اجتماعی،صص ۱۵۰ _ ۱۶۳. نک: آناتومی جامعه، ص ۴۴۲.

دارنـدورف به درستی تأکید می کند که از آغاز پیدایش جوامع تاکنون، هیچ جامعه ای را نمی توان یافت که در آن انسان ها از نظر نیاز و امکاناتشان برای ارضای نیازها، برابر بوده باشند.

این برابری و تساوی اساسا امکان ندارد؛ زیرا انسان ها به طور طبیعی از نظر توانایی های جسـمی و فکری باهم متفاوتند و حتی در شرایط یکسان از محیط و طبیعت به طور متفاوت بهره برداری می کنند.(۱)

دارنـدورف به آینـده نـابرابری خوش بین است. وی بـاور دارد که نابرابری به صورت جزء نهادی جامعه در آمـده، ولی دولت نقش اساسـی در کاهش نابرابری خواهد داشت. فرصت های تحصیلی نیز سبب کاهش نابرابری های اجتماعی می شود. به نظر او به جای تلاش برای توزیع عادلانه ثروت باید افراد را برای به دست آوردن فرصت های مناسب آزاد گذاشت.(۲)

نظریه گیدنز

آنتونی گیـدنز بـا آگـاهی از نظریه هـای کـارل مـارکس، مـاکس وبر و دورکیم، نظریه سـاختی شـدن خود دربـاره طبقه هـای اجتماعی را به شـیوه ای عرضه کرده که یک دیدگاه جامع ترکیبی از آن به وجود می آید. از دید او، نظام طبقاتی دو طبقه ای (بورژوا در برابر پرولتاریا) شـیوه ای کاملاً انتزاعی است؛ به گونه ای که بسیاری از طبقه های بینابینی را به فراموشی می سپارد. وی باور دارد که پایه تفاوت های طبقاتی، داشتن و یا نداشتن ابزارهای تولید است.

۱- ۱. آناتومی جامعه، ص ۴۴۲.

۲- ۲. نابرابری و قشربندی اجتماعی، ص ۷۰.

هم چنین باور دارد که طبقه ها در اثر و تفاوت های قدرتی گروه ها در بازار سرمایه داری نیز پدید می آیند.

در چارچوب اقتصادی، سرمایه داران نسبت به کارگران قدرت بیش تری دارند؛ زیرا دارای حق مالکیت ابزارهای تولیدند؛ در حالی که کارگران تنها حق دارنـد نیروی کار خود را بفروشند. در این جا گیـدنز، حق سومی را نیز یادآور می شود و آن حق تملک مهارت ها و صلاحیت تحصیلی است. از دید آنتونی گیـدنز، این سه حق؛ یعنی مالکیت، تحصیل یا مهارت و نیروی کار، سه پدیده اساسی در ارتباط با ساخت سه گانه طبقاتی در جوامع پیشرفته هستند. طبقه بالا کنترل کننده مالکیت ابزارهای تولید است. طبقه متوسط، بدون تملک ابزارهای تولید، صاحب مهارت ها و تحصیلات ویژه ای است که آن را در بازار مبادله می کند.

طبقه پایین یا طبقه کارگر نیز تنها نیروی کار خود را در بازار می فروشد.(۱)

از دید گیدنز، روابط طبقاتی سرمایه داری، تنها نمونه سلطه یا استثمار در جامعه نیست. بسیاری از شکل های استثمار ارتباطی با سرمایه داری یا تقسیم طبقاتی ندارند.

سلطه و استثمار را می توان در دیگر روابط متقارن (میان کشورها، گروه های قومی و جنس های مخالف) دید.

ص:۵۱

۱– ۱. بررسی وضعیت قشر بندی اجتماعی و رابطه آن با میزان دین داری و نوع قرائت دینی در شهر قم، صص ۲۸ _ ۲۹. نک: نابرابری اجتماعی، صص ۲۰۳ _ ۲۱۵.

به دیگر سخن، در جوامع امروزی، می توان گستره ای پهناور از نابرابری ها را دید. از دید وی، هرچه می گذرد، با گسترش نظام اقتصاد جهانی، هم شناخت و هم از میان بردن نابرابری، دشوارتر خواهد بود.(۱)

نتیجه گیری

در این فصل، نخست قشربندی اجتماعی تعریف شده است و سپس ابعاد و شاخص های نابرابری اجتماعی ارایه شده و در پایان نیز نظریه های مارکسیستی، وبری و نظریه های مربوط به مکتب های کارکردگرایی و تضاد بیان شده است. هدف از این بخش، آشنایی مختصری با دیدگاه های مختلف جامعه شناسان در زمینه قشربندی اجتماعی بوده است.

نظریه هایی که تاکنون عنوان شده اند، هر کدام به نوعی کمبود داشته اند. به همین دلیل، ما نمی توانیم هیچ یک از آن ها را به طور کامل بپذیریم. برای نمونه، کارکردگرایی که وجود هرگونه نابرابری را توجیه می کند؛ یا در دیدگاه مارکس وجود نابرابری را به علت تضاد میان کارگر و کارفرما می داند، هر کدام به گونه ای نقص دارند. ازاین رو، بحث اصلی ما بررسی وضعیت قشربندی اجتماعی از دیدگاه اسلام است که در مورد آن مباحث کاملی مطرح خواهد شد.

۱- ۱. نابرابری و قشربندی اجتماعی، ص ۷۴.

بخش سوم: قشربندی اجتماعی از دیدگاه اسلام

اشاره

ص:۵۳

پرسش ها

۱. رابطه دین و دین داری و قشربندی اجتماعی چیست؟

۲. دیدگاه قرآن، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام و روایات درباره قشربندی اجتماعی و عدالت چیست؟

۳. دیدگاه متفکران اسلامی مانند شهید مطهری، دکتر شریعتی و... در زمینه قشربندی اجتماعی چیست؟

رابطه دین و قشربندی اجتماعی

اشاره

مقصود از این بحث، بررسی چگونگی وضعیت افراد دین دار و غیر دین دار است؛ یعنی نخست بررسی این که دین و دین داری در ثروتمند شدن و پس از آن در عدالت و عدالت پروری چه نقشی دارند و آیا ثروتمند شدن از طریق پای بندی به اصول دینی، به نابرابری های اجتماعی می انجامد یا خیر؟

صرف نظر از تفسیرهای ماتریالیستی و یک سویه که دین را زاییده ناتوانی انسان در فهم تاریخ و فرایندهای آن، لنگرگاهی برای فرار از دنیای خشن و بی احساس زندگی روزمره، توجیهی برای نابرابری های ثروت و قدرت، جلوه ای از روح جمعی و... معرفی می کند، گرایشی در جامعه شناسان دین وجود دارد که بین تفسیرها و باورهای دینی با عقاید

دنیایی، الگوهای فرهنگی، نظام اجتماعی، قشربندی اجتماعی، شرایط زندگی و... در زندگی پیوند و ارتباط متقابل برقرار کنند.

اُدی در زمینه گرایش های دینی و قشربندی اجتماعی می نویسد:

«شرایط زندگی بر گرایش های دینی انسان ها اثر می گذارد و شرایط زندگی نیز به طور قابل توجهی با واقعیات قشربندی در تمام جوامع مرتبط است.»

اتیزن به گرایش اقشار پایین جامعه به دین اشاره کرده و معتقد است که تمایل دینی طبقات پایین کم تر «این دنیایی» است و بیش تر دینی و قدسی است. از طبقات پایین، آنان که دینی اند، دین قسمت بیش تری از زندگی آن ها را در مقایسه با اشخاص مرفه تر پر می کند.(۱)

وبر معتقد به ارتباط میان تعیّن دینی سلوک زندگی و اخلاق اقتصادی، تأثیر گرفتن شیوه زندگی دینی از عوامل اقتصادی و سیاسی و تفاسیر مجدد از دین منطبق با نیازهای اجتماعات دینی است و اظهار می کند که تعیّن دینی سلوک زندگی، تنها یکی از عوامل تعیین کننده اقتصادی است. شیوه زندگی دینی نیز به نوبه خود عمیقا متأثر از عوامل اقتصادی و سیاسی است که در یک محدوده جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی و ملی عمل می کند. وبر معتقد است ما نمی توانیم تمام این وابستگی ها را نشان دهیم؛ تنها می توانیم عناصر جهت دهنده ای از سلوک زندگی آن اقشار اجتماعی را که اخلاق

۱- ۱. راهبرد، فصل نامه سیاسی اقتصادی اجتماعی، سال دوم، شماره ۲، زمستان، ۱۳۷۲، ص ۱۱۴.

عملی ادیان خود را به شدت متأثر می کنند، نشان دهیم.(۱)

الف) وجود احساسات و التهابات شدید دینی، به ویژه در مراسم گوناگون.

ب) در میان توده های مذهبی، دین قسمت زیادی از زندگی آن ها را اشغال می کند.

ج) دین این قشر، ماوراءالطبیعی تر و قدسی تر است.

در تمایل قشر پایین به پیوستن به دسته ها و شرکت در مراسم غیررسمی دینی است که به تفسیر بعضی از جامعه شناسان دین، نوعی تقابل با دین خواص است.

د) تمایل به دین نجات.

ه) گرایش به تجربه ملموس از دنیای قدسی به صورت معجزات، کرامات، جادو و افسون گری و...(۲)

در مجموع می توان تمایلات دینی اقشار پایین جامعه را در موارد زیر جمع بندی کرد:

در مطالعات جامعه شناختی دینی، به طور کلی عقیده بر آن است که بین وضعیت و پایگاه اقتصادی، اجتماعی و گرایش های دینی رابطه ای وجود دارد، همان گونه که بین خرده فرهنگ ها و گروه های مختلف جامعه رابطه وجود دارد. ازاین رو پیوندی بین گرایش های دینی و خرده فرهنگ های

۱- ۱. همان، ص ۱۱۵.

۲- ۲. راهبرد، ۱۳۸۲، صص ۱۱۷ _ ۱۱۸.

جامعه برقرار است.(۱)

دیدگاه اسلام درباره نابرابری های اجتماعی

در این قسمت نخست یک شمای کلّی از دیدگاه اسلام درباره نابرابری های اجتماعی مطرح شود، تا در آغاز خواننده با مباحث کلی آشنا شود. سپس دیدگاه رهبران و متفکران اسلامی بررسی خواهد شد.

اسلام دینی است که با از میان بردن تضادهای نژادی، روابط و تفاهم را میان طبقات اجتماعی برقرار کرده و جز تقوا و فضیلت معنوی هیچ چیز را عامل تقدم و برتری به شمار نیاورده است. تعلیمات اسلام طوری است که مزیت و امتیازی میان مسلمانان قرار نداده است، همه و همه با یکدیگر برادر و برابرند.

امام رضا علیه السلام در برابر مبالغه گویی های «زیدالنار» که برای سادات موقعیت استثنایی اثبات می کرد فرمود:

پسر نوح، فرزند حقیقی نوح بود، چون بدکار شد و امر خدا را عصیان کرد، پیوند معنویش با نوح بریده شد. به نوح گفته شد، این فرزند تو ناصالح است، ازاین رو، نمی تواند در ردیف صالحان قرار گیرد، موضوع ما خانواده چنین است، اساس کار پیوند معنوی و عمل صالح است. هر کس خدا را اطاعت کند از اهل بیت است، گو این که هیچ گونه نسبت و رابطه نسبی و جسمانی به ما نداشته باشد و هرکسی گنه کار باشد، از ما نیست گو این که از اولاد حقیقی و صحیح حضرت زهرا علیهاالسلام بوده

ص:۵۷

۱- ۱. همان، ۱۳۷۳، ص ۱۰۹.

باشد.(۱)

از نظر اسلام، بشر خانواده ای بزرگ است. تنها یک خانواده که آن را خدا از جان واحدی پدید آورده، از آن جان زوجش را آفرید و پس از آن دو، این همه مرد و زن در سراسر زمین پراکنده شدند.

وَ مِنْ آیاتِهِ خَلْقُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلافُ أَلْسِنَتِکُمْ وَ أَلْوانِکُمْ إِنَّ فی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْعالِمینَ. (روم: ۲۲)

و از نشانه های خداوند خلقت آسمان و زمین و اختلاف زبان ها و رنگ های شماست؛ بی گمان در این امور نشانه هایی برای عالمیان است.

اختلاف زبان ها و رنگ ها تنها جلوه ای از قدرت خداست و مایه برتری یا امتیاز نمی شود. از دیدگاه اسلام این گونه برتری یا امتیاز، منافی با فرمان خداست؛ زیرا او ما را به عشق و برادری همگانی فراخوانده است... در مقام عبادت همه افراد در پیشگاه خدا یکسانند و عرب بر عجم، هیچ برتری ندارد و تنها ملاک برتری، پاکی و تقواست... در جامعه نیز با همه افراد به طور یکسان رفتار می شود، قانون اسلام همگانی است و همه را به یک چشم می نگرد و فرصت های کار و کوشش و تأمین نیازمندی های شخصی نیز برای همه یکسان در نظر گرفته می شود.

«آن چه قرآن درباره اختلاف موجود میان افراد گفته، بر این اساس است که هر فردی را می باید، نخست از فرصت عادلانه و به جایی بهره مند

۱- ۱. اسلام و مبارزه با تبعیضات نژادی، صص ۱۰۵ _ ۱۰۶. نک: علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰، چاپ کمپانی، ص ۶۵ .

ساخت. از آن پس، اگر اختلافی بین افراد مشاهده شد بازگشت به اموری طبیعی دارد نه آن که ناشی از محرومیت های ظالمانه اجتماع باشد. اسلام به هیچ وجه نمی پذیرد که موضوع استعدادهای افراد یا موقعیت های اجتماعی شان تشکیل دژی دهد که این افراد در آن براساس نژادگرایی یا هر گونه امتیاز دیگری برای خود گروه هایی تشکیل دهند، آن گاه به ستمگری علیه بقیه افراد جامعه دست بیالایند و این پراکندگی عمیق را چون میراث به نسل های آینده انتقال دهند.»(۱)

اسلام برای ایجاد وحدت اسلامی میان تمام مسلمانان از سیاه و سفید، عقد اخوت و برادری برقرار کرد: «اِنَّما المُؤمِنُونَ اِخْوَهَ؛ همانا مؤمنان برادرند» (حجرات: ۱۰).

تمام انسان ها، در قرآن فرزند یک مرد و زن معرفی شده اند که به صورت قبیله ها و خانواده های زیادی در می آیند، هیچ یک از افراد این خانواده بر دیگری ترجیحی ندارد، جز آن که نیکویی کند و صلاح و پرهیزکاری از خود نشان دهد.(۲)

یا أَیُّهَا النّاسُ إِنّا خَلَقْناکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَ أُنْثی وَ جَعَلْناکُمْ شُعُوبًا وَ قَبائِلَ لِتَعارَفُوا إِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللّهِ أَتْقاکُمْ. (مؤمنون: ۵۲)

ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و به شکل دسته ها و قبیله هایتان درآوردیم تا همدیگر را بشناسید، همانا گرامی ترین شما در نزد خدا باتقواترین

ص:۵۹

۱- ۱. اسلام و مبارزه با تبعیضات نژادی، صص ۸۱ _ ۸۶ .
۲- ۲. نک: مبانی جامعه شناسی، ص ۱۵۶. اسلام و مبارزه با تبعیضات نژادی، ص ۶۸ .

شماست.

یکی از دلایل گوناگونی انسان ها، آزمایش است. قرآن می فرماید:

وَ لَوْشاءَاللّهُ لَجَعَلَکُمْ اُمَهً وَ لکَنْ لِیَبْلُوَکُمْ فیما آتاکُمْ فَاسْتَبِقُوا الخَیْراتِ. (مائده: ۴۸)

و اگر خدا می خواست شما را یک ملت تنها قرار می داد، ولی می خواهد شما را بر آن چه داده آزمایش کند. پس در نیکی ها سبقت بگیرید.

با در رسیدن وحی آسمانی قرآن و جنبش اجتماعی اسلام، اوضاع به کلی دگرگون شد.

آفریدگار، اراده کرده بود که با این نهضت، به طبقات محکوم، محروم و ستم زده نعمت گران بخشد و آنان را به این مایه هدایت کند و حق حاکمیت و مالکیت و دین پذیری آزادانه عطا کند.(۱)

وَ نُریدُ اَنْ نَمُنَّ عَلَی اَلَّذینَ اسْتُضعِفُوا فِی الاَرْضِ وَ نَجعَلَهُم اَئمَهً وَ نَجعَلَهُم الوارِثین. (قصص: ۵)

اراده کرده ایم به طبقات محکوم و محروم و ستم زده، نعمتی گران بخشیم و ایشان را به حق حاکمیت و پیشوایی نائل آوریم و از حق مالکیت و میراث بری بهره مند سازیم و به منزلت و مقامی شایسته بنشانیم.

متفکران اسلامی معتقدند جامعه تبعیض، جامعه ای است که در آن رابطه انسان ها براساس استعمار و استثمار است؛ یعنی بهره کشی جبری و زندگی افرادی به حساب کار و زحمت افراد دیگر.

«انسان با تحمیل اراده و بسط سلطه خود، دیگری را در راه برطرف

۱- ۱. اسلام و مبارزه با تبعیضات نژادی، صص ۷۳ _ ۷۴.

کردن نیازمندی های خویش به کار اندخته و از محصول کار او به نفع خویش استفاده می کند.»(۱)

«به نظر متفکران اسلامی، یک جامعه ظالم (تبعیضی) نظامی است که همه ابعادش در غیر مواضعی باشد که برای رشد، بهره وری و رستگاری انسان ها، دارای کارآمدی است و یک فرد ظالم، کسی است که استعدادها و امکانات خود را در جهتی که خدا تعیین کرده، یعنی برای رسیدن خود و جامعه به کمال، به جریان نمی اندازد و برعکس، در جهتی که خدا نفی کرده و بر خلاف رشد فردی و جمعی، امکانات خود را بسیج می کند.»(۲)

چنین بیان شده که توزیع نابرابری ثروت و قدرت در جوامع، سبب اختلاف در کارکرد جامعه می شود. ثروتی که در راه بهروزی خلق به جریان نیفتد، در دست ستمگر، خود به خود، بی ثمر می شود.

افزون براین که این ثروت کارایی خود را در رستگاری و بهروزی همگان از دست می دهد، ستمگران نیز با جریان انداختن قدرت مادی خود، برای استضعاف مردم، از رشد و ثمربخشی آن ها جلوگیری می کنند. چنین ادعا شده که این توزیع نابرابر ثروت و قدرت، به پیدایش رحمت می انجامد. پس نابرابری قدرت و ثروت، تا گامه ای مشخص دارای عملکرد است و سبب درهم ریختن نظام و انتقال جامعه به گامه ای فراتر می شود. به دیگر سخن، کارکرد جبری تقسیم نابرابر ثروت و قدرت در جامعه، نابودی

۱- ۱. سیدمحمدحسین طباطبایی، تفسیرالمیزان، تهران، ج ۴، ص ۱۵۸.

۲- ۲. نابرابری و قشربندی اجتماعی، صص ۹۹ _ ۱۰۳.

نظام ظلم و انتقال جامعه به گامه ای فراتراست.(۱)

در جامعه شناسی اسلامی، اسلام آن بخشی از تفاوت های طبیعی و جبری که اراده آدمیان در پیدایش، تقویت، تضعیف و نابودی آن ها تأثیری ندارد را به عنوان اموری می پذیرد که نه تنها وجود دارند، بلکه باید وجود داشته باشند.

اسلام، تفاوت های فرهنگی، اختیاری و اجتماعی که مستند به تلاش و توزیع عادلانه نباشد را نپذیرفته است و آن ها را نتیجه اختیار خود انسان ها می داند. اسلام، تفاوت های اجتماعی را _ که در عوامل طبیعی و جبری ریشه دارند و از فرهنگ و نظام ارزشی مردم تأثیر می پذیرند و خارج از اراده خود فرد و خواست جامعه _ قابل رفع نمی داند، ولی برای تضعیف و کاهش آن ها توصیه هایی ارایه می کند.

به دیگر سخن، از دیدگاه اسلامی، بخشی از تفاوت های اجتماعی که از تفاوت های طبیعی و جبری سرچشمه می گیرد، نه از میان برداشتنی است و نه جای «باید و نباید» دارد. و بخشی دیگر که زاییده نظام ارزشی و فرهنگ مردم است و از اختیار خود فرد و گرایش ها و خواسته های جامعه نیز تأثیر می پذیرد، مشمول «باید و نباید» و توصیه و تکلیف است. اسلام وجود تفاوت های اجتماعی را کمابیش می پذیرد و بر آن نیست که همه آن ها را از میان بردارد و تمامی آدمیان را از نظر مادی و اقتصادی یکسان کند، ولی نمی پذیرد که محرومان، روز به روز محروم تر شوند و متنعّمان دم به دم

ص:۶۲

۱- ۱. همان، صص ۹۹ _ ۱۰۴.

متنعّم تر، بلکه در پی رفع اختلافات فاحش موجود نیز برمی آید.(۱)

اسلام، نابرابری در جوامع را نمی پذیرد؛ (البته تفاوت هایی را که به اراده انسان مربوط است و حد و بقای آن به اختیارات انسان است) زیرا آیینی است که بدون کوچک ترین تبعیضی همه افراد را به یک راه فرا خوانده و تمامی اقشار جامعه اعم از حاکم و محکوم، امیر و مأمور، رییس و مرئوس، آزاده و بنده، زن و مرد، غنی و فقیر و کوچک و بزرگ در اسلام دارای یک موقعیت اند که قانون در حق همگان یکسان اجرا می شود.به طوری که متناسب با اختیارات افراد و توانایی های آن ها قانون اجرا می شود. البته برابر موازین اسلامی باید شرایط و زمینه برای تمامی اقشار جامعه مهیا باشد و معیار قانون در اسلام حق می باشد.

جامعه شناسان اسلامی، معتقدند که در جوامع غیر اسلامی دارای تبعیض، پدیده هایی وجود دارند که سبب نابرابری اجتماعی شده اند. در جوامعی که آموزه ها و ارزش های اسلامی حاکم است، هرچه تفاوت های اجتماعی وجود دارد، نابرابری اجتماعی که ناشی از استثمار انسان ها به وسیله گروه های خاصی است، بی رنگ خواهد شد.(۲)

کسی که تنها بُعد زیاده طلبی وی فعال شده، در هر شرایطی به تجاوز و انزواطلبی دست خواهد زد. چنین کسی، چه غنی باشد، چه فقیر، از تجاوز

۱- ۱. بررسی وضعیت قشربندی اجتماعی و رابطه آن با میزان دین داری، و نوع قرائت دینی در شهر قم، صص ۳۰ _ ۳۱.
۲- ۲. نابرابری و قشربندی اجتماعی، صص ۹۸ _ ۹۹. نک: محمدتقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، قم، نشر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۲۶۸.

کردن پروایی نخواهد داشت. در برابر، کسی که بُعد عدم تجاوز در او شکوفا شده باشد، اگر ابزار تجاوز را هم داشته باشد، به تجاوز دست نمی یازد. پس ریشه تجاوز در ابزار نیست، بلکه در گرایش انسان است.

هواداران جامعه شناسی جدید اسلامی، با تکیه بر آیه های قرآنی معتقدند روش استیلای زراندوزان، زورگویان و مزدورها بر انسان های ضعیف این است که با تحقیر، شخصیت آن ها، روحیه خود کم بینی را به آنان تزریق می کنند. مردم در برابر آن ها به دو دسته تقسیم می شوند: نخست، انسان های سالمی که در برابر آن ها موضع می گیرند و براساس طبیعت نخستین خود رفتار می کنند؛ زیرا انسان یک موجود ضد فشار است. دیگر آن دسته از افراد که برخورد نمی کنند و خود را با خواری وفق می دهند. این گروه انسان ها، ناسالم و فاسق هستند. واکاوی قرآن این است که حتی در نظام های استکباری، مردم مقصّرند. باید بر روی انسان های ضعیف کار کرد، آن ها را باید آگاه کرد تا از فسق خارج شوند و قیام کنند.

اسلام هرگز انحصارگری را تجویز نکرده و حتی با آن سخت مخالفت ورزیده است. به دور ماندن از انحصارطلبی، شرط تحقق عدل و قسط است؛ زیرا با منحصر شدن قدرت و ثروت در دست یک عده، جامعه به سمت منافع آن جمع حرکت می کند و از مسیر قسط و عدل خارج خواهد شد؛ در حالی که اگر از پیدایش هر گونه انحصار پیش گیری شود، قدرت موجود در انسان ها به سمت حدّ وسط و روابط منصفانه سیر می کند. جامعه شناسان جدید اسلامی، براین باورند که انسان ها به طور طبیعی نابرابری را به وجود می آورند، ولی این نابرابری، همیشگی نیست. آن چه در

مورد همه دیدگاه های جامعه شناسی اسلامی یکسان است، این است که همگی از وجود نابرابری در جوامع آگاهند و آن را اگر در حد تفاوت های میان افراد باشد امری طبیعی می دانند، ولی چنانچه به شکل سلطه گروهی بر گروه دیگر باشد آن را روا نمی دانند.(۱)

«جامعه شناسان اسلامی با توجه به نظام اجتماعی ظالم، چندین طبقه و قشراجتماعی برگرفته از آیه های قرآنی فهرست می کنند. نخست «مترفان» یا قدرتمندان اقتصادی هستند که دارای امکانات مالی و کارگزاران زیادی می باشند که مجری اوامر و تابع آن ها هستند، ملاک طبقه ای آنان مال (ثروت) و اولاد (فرزندان) یعنی ابزار به دست آوردن ثروت و عوامل ایجاد و حفاظت از ثروت و وسیله تفاخر می باشد. این طبقه در بهره وری از ثروت، شیوه هایی خودکامه را به کار می بندند.»(۲)

این ها با حفظ پایگاه ثروت، به ساختار سیاسی هم وارد می شوند و گروه سیاست مداران را در دامان خود و برای حفظ منابع خود می پرورند. در هر جامعه منحط، هر اندازه سقوط شدیدتر می شود، مترفان نیز بال و پر بیش تری می گیرند.

طبقه بعدی «مبلغان مذهبی» هستند که خود به دو قشر تقسیم می شوند: ۱. مذهبیان طاغوت گرا؛ ۲. مجریان واقعی دین.

۱. قدرتمندان فاسد مذهبی یا «رهبان» و «احبار» که قرآن آنان را به

۱- ۱. نابرابری و قشربندی اجتماعی، صص ۹۷ _ ۱۰۳ .

۲- ۲. همان، صص ۹۷ _ ۱۰۰.

غارت و چپاول مردم و طرح باورها و ارزش های فاسد بازدارنده از راه حق و تخدیر توده ها متهم می کند. اینان را مذهبیان طاغوت گرا هم نامیده اند.

۲. مجریان و مبلغان واقعی دین خدا. این ها فقیهان، عالمان و پیکارگران راه خدا هستند که باید در جایگاه اسلامی قرار گیرند و تحت تسلط قوانین و ارزش های توحیدی، جامعه را به هدف وجودی خود، رهبری کنند. هرچند این ها در درون نظام اجتماعی فاسد جایگاه نداشتند، خود نظام ساز بودند.

طبقه بعدی، برگزیدگان سیاسی هستند که ساخت سیاسی جامعه را تشکیل می دهند. این گروه، دارای قدرت تصمیم گیری و برنامه ریزی برای دیگر مردم هستند و قدرت اجرایی را نیز در دست دارند. اینان را مستکبران یا ملأنیز نامیده اند.

«مفهومی که در بحث قشربندی در دیدگاه جامعه شناسان اسلامی به کار رفته واژه مستضعف است. این ها براین باورند که قرآن کریم، برای واژه مستضعف بار عاطفی و ارزشی مثبتی قائل نیست و هرگز مستضعفان را از این نظر که مستضعف هستند نمی ستاید. از دیدگاه قرآن کریم، مستضعفان ممکن است کافر، ظالم، گمراه، بزهکار و جهنمی باشند و یا ممکن است مؤمن، عادل و دادگر باشند. تنها گروه دوم (مؤمن، عادل و...) مورد ستایش قرآن کریم هستند. به عبارت دیگر، از دیدگاه قرآن، مستضعف بودن دارای ارزش مثبتی نیست، بلکه مؤمن و عادل بودن ارزش مثبت دارد. مستضعف از نظر بار معنایی برابر با فقیر، مسکین و محروم نیست. مستضعف مفهومی در چارچوب مسایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است، اما فقیر، مسکین و

ص:۶۶

محروم مفاهیمی در زمینه اقتصادی و معیشتی هستند».(۱)

در برابر مستضعفان، گروه مستکبران قرار دارند که عبارتند از خودبین ها، نژادگرایان و خودبزرگ بین ها. هنگامی که در یک نظام اجتماعی فساد اخلاقی و اعتقادی، نابرابری طبقاتی و سلطه قدرت های سیاسی به وجود آمده باشد و همه نهادهای آن کارایی خود را در رشد مردم از دست داده باشند، «نذیر» ظهور می کند. نذیر، رهبری است که ادامه دهنده رسالت تاریخی انبیاست. او در شرایط نابهنجار اجتماعی ظهور و مردم را از موقعیت خودشان آگاه می کند. گروهی از جامعه شناسان اسلامی براین باورند که با استفاده از کلام قرآن و احادیث می توان مشخص کرد که افراد انسانی در جوامع به چند گروه و قشر تقسیم می شوند؛ برای نمونه، بیان می کند که آزادی انسان بر سر دو راهی، احساس مسئولیت و خودخواهی او را در یک گروه ویژه دسته بندی می کند. هر انسانی که احساس مسئولیت اختیار کرد، قرآن او را مؤمن می خواهند و اگر خودخواهی را برگزینند، او را فاسق و کافر می نامد. «مفاهیمی چون «قوم یعقلون»، «قوم یتفقهون» و «اولی الالباب» به احساس مسئولیت برمی گردد و تعبیراتی مانند فاسقان، کافران و ظالمان همه ناشی از این است که انسان در برابر احساس مسئولیت «خودپسندی» را برمی گزیند».(۲)

در یک تقسیم بندی دیگر، با استفاده از کلام حضرت علی علیه السلام در

ص:۶۷

۱- ۱. نابرابری و قشربندی اجتماعی، صص ۱۰۴ _ ۱۰۵.

۲- ۲. همان، ص ۱۰۷.

نهج البلاغه، انسان ها از نظر مرام و هدف و بینش فکری و اخلاص در زندگی به ۴ طبقه تقسیم شده اند:

۱. اشرار، یعنی آن هایی که در برابر آز و شهوت برای نخستین بار به زانو در می آیند و به آسانی تسلیم هوا و هوس خود می شوند، به هیچ چیز پای بند نیستند و عمرشان نیز به عمر انقلاب و آشوب وابسته است.

۲. متکبران، یعنی کسانی که به منظور حفظ آبرو و حیثیت موهوم، شرارت و درندگی را در خود مانند شیر به زنجیر می کشند، ولی اگر روزگار ایجاب کند، این گرگان میش منظر خود فاقد فضیلت و اخلاق هستند، به بینوایان حمله ور می شوند.

۳. مؤمن نمایان، یعنی آن دسته که ظاهری آراسته و پرهیزکارانه دارند و بسیار مقدس مآب و ملایم هستند، ولی بازوی شرارت آن ها به رشته فقر و بینوایی بسته شده است.

۴. پرهیزکاران، یعنی آنانی که در همه حال پروردگار خود را به یاد دارند و یک لحظه از آیین انسانیت و مقررات دین غفلت نمی کنند.

از نظر جامعه شناسان اسلامی، معنا و مفهوم قرار گرفتن در یک پایگاه طبقاتی این نیست که انسان یک شیوه تفکر و سلیقه ثابت داشته باشد. هم چنین اگر شیوه تفکر و سلیقه خاصی برای افراد وجود داشته باشد، بدان معنا نیست که حتما در پایگاه اجتماعی ویژه ای قرار خواهد گرفت. به دیگر سخن، در پیچیدگی های جامعه و روابط افراد با یکدیگر، پایگاه طبقاتی،

شیوه تفکر و سلیقه، تأثیراتی رویارویی بر یکدیگر می گذارند.(۱)

دیدگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره نابرابری های اجتماعی

۱۴۰۰ سال قبل، یعنی در قرن ششم میلادی، ندایی از درون شبه جزیره عربستان بلند شد که تمام دنیا را متوجه خود کرد. این ندا، نـدای محمّد صلی الله علیه و آله پیغمبر گرامی اسلام بود که مردم را به راستی و درستی، برادری و صلح جهانی فرا می خواند و آن ها را از پراکندگی ها و تشتت های خانمان برانداز برحذر می داشت.

جهان آن روز، در تاریک ترین قرون به سر می برد. اختلافات طبقاتی و برتری های نژادی شکاف های عمیقی در میان اجتماع به وجود آورده و مردم را در فاصله زیادی ازهم نگه داشته بود.

در آیه ۱۵ سوره شوری، به صراحت هدف مأموریت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، برقراری عدالت در بین مردم بیان شده است.

«اُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَیْنَكُم؛ من مأمورم در میان شما. به عدل و داد رفتار کنم».

هم چنین در آیه ۱۳۵ سوره نساء نیز بر مأموریت مؤمنان برای برپایی قسط تأکید شده است:

ای کسانی که ایمان آورده اید، کاملاً به عدالت قیام کنید.

«ندای حضرت محمّد صلی الله علیه و آله، که در حقیقت جوهر تعلیمات اسلام بوده، جهانیان را به فرو گذاردن تشتت هایی که باعث جنگ و اختلاف بود دعوت نمود و از عصبیت های قبیلگی و تفوق نژادی باز داشت و آن ها را به

۱- ۱. نابرابری و قشربندی اجتماعی، صص ۱۰۴ ـ ۱۰۸، نک: تجدید حیات معنوی جامعه، ص ۲۵۵.

سوی یک وحدت جامع انسانی سوق داد. مقیاس های باطلی را که میزان سنجش عظمت و شرافت قرار گرفته بود، بر هم زد و مقیاس عظمت و میزان برتری را تنها علم و تقوا قرار داد و با این اصلاح روحی و فرهنگی، اختلاف طبقاتی و امتیازات نژادی و حکومت های ملوک الطوایفی و تفوق غنی بر فقیر و سفیدپوست بر سیاه پوست را باطل ساخت و هیچ گونه فرقی بین سیاه پوست و سفیدپوست نگذاشت و همه را با یک چشم نگریسته و در مقابل قانون یکسان دید...»(۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حجه الوداع خطاب به مردم فرمود:

«ایها الناس! پروردگار همه مردم یکی است، پدر همه مردم یکی است، همه تان فرزند آدم هستید، آدم هم از خاک آفریده شده است، جایی باقی نمی ماند که کسی به نژاد خویش به نسبت خودش، قومیت خودش افتخار بکند. همه از خاک هستیم، خاک که افتخار ندارد، پس افتخار به فضیلت های روحی و معنوی است، به تقواست، ملاک فضیلت فقط تقوا است و غیر از این چیز دیگری نیست.»(۲)

هم چنین امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

لَنْ تُقَدَّسَ اُمَّةٌ حتی یُؤخَذَ لِلضّعیف فیها حَقّهُ مِنَ القَوِّیَ غَیْرَمُتَع.(۳)

هیچ ملتی به مقام قداست نمی رسد، مگر آن گاه که افراد ضعیفش بتوانند بدون

۱- ۱. علی حجتی کرمانی، اسلام و تبعیضات نژادی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۱، صص ۲۰۴ و ۲۰۷.

۲- ۲. ابومحمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه الحرّانی، تحف العقول، ترجمه: جعفر بهراد، ۱۳۷۷، تهران، نشر صدوق، صص ۵۶ _ ۵۷.

۳- ۳. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

لکنت زبان حقوقشان را از اقویا مطالبه کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید:

اِنَّ اللّه یَکرهُ مِن عبدهِ اَن یَراهُ مُتَمیَّزا بَینَ أصحابِه.(۱)

خداوند دوست نمی دارد که بنده ای را ببیند در میان بندگان دیگر که برای خود امتیاز قائل شده است.

«پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با تبعیضات نژادی و قومی و قبیله ای مخالف بود و این مسئله را در عمل نیز نشان داد. برای نمونه بلال را که سیاه پوست بود، برای اذان گفتن فرستاد، یا روزی دستور داد که دختری را به یکی از موالی دهند.

باید توجه کرد که در عربستان سه چیز نشان ضعف منزلت اجتماعی به شمار می آمد؛ یکی عجم بودن، دوم غلام بودن و سوم سیاه بودن و بلال هر سه را داشت.

در عین حال حضرت محمّد صلی الله علیه و آله بلال را مؤذن خود کرد. مؤذن در اسلام یعنی کسی که با صدای بلند دیگران را به عبادت دعوت کند. وقتی طبقه محروم جامعه دیدند که یک فرد سیاه پوست مردم را به سوی اسلام می خواند، نیرو گرفتند.»(۲)

«این موضوع برای این بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خواست عملاً کاخ پوشالی برتری های قومی را واژگون کند و به این معنا بود که بلال سیاه

۱- ۱. اسلام و مبارزه با تبعیضات، ص ۶۵ .

۲- ۲. نک: اسلام و تبعیضات نژادی، ص ۲۱۴.

پوست باید پا بر فرق اشراف مکه گذارد و باد کبر و نخوت را از دماغ آن ها بیرون کند. همین بلال سیاه پوست در اثر ایمان و تقوا به مقامی رسید که به فرمان پیغمبر صلی الله علیه و آله گردنکشان متخلف از قانون را مجازات می کرد و زمانی که آن حضرت شنید ابوذر غفاری، بلال را به عنوان مادر سرخ خطاب کرده است بر آشفت و به او فرمود: بدان تو جز با عملت از سیاه پوست و سرخ پوست برتر نیستی.»(۱)

حضرت محمّد صلی الله علیه و آله در مکه خطبه ای خواندند که گواه این مطلب است که در آیین اسلام، نژاد پرستی و نابرابری های ناعادلانه محکوم است:

«ای مردم! خداوند از شما ننگ جاهلیت و تفاخر به پدران و نیاکان را زدود. مردم دو گروه بیش نیستند، نیکوکار و با تقوا و ارزشمند نزد خدا و یا بدکار و شقاوتمند و سپس در پیشگاه حق، همه مردم فرزند آدمند و خداوند آدم را از خاک آفریده...»(۲)

و نیز در حدیث دیگری، از آن حضرت آمده است:

«خداوند نه به وضع خانوادگی و نه به نسب و نه به اجسام و نه به اموالتان می نگرد، بلکه نگاه به دل های شما می کند. کسی که قلب صالحی دارد، خدا به او لطف و محبت می کند، شما همگی فرزندان آدمید و محبوب ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست.»(۳)

اسلام با «عصبیت جاهلیت» در هر شکل و صورت مبارزه کرده است تا

ص:۷۲

۱- ۱. نک: کتاب ابوذر غفاری، تالیف عبدالحمید جوده الصحار، ترجمه: دکتر علی شریعتی، چاپ دوم، ص ۹۷. نک: اسلام و تبعیضات نژادی، ص ۲۱۴.

۲- ۲. نک: همان، ص ۹۹.

۳- ۳. همان، ص ۱۰۱.

مسلمانان جهان را، از هر نژاد و قوم و قبیله به زیر پرچم واحدی گرد آورد. نه پرچم قومیت و نژاد و نه پرچم غیر آن؛ زیرا اسلام هرگز این دیدگاه های تنگ و محدود را نمی پذیرد و همه را موهوم و بی اساس می شمرد.(۱)

و هم چنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«والناسُ کاسْنانِ المشط؛ مردم مثل دندانه های شانه هستند و همه با هم برادرند».(۲)

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ صحبت های سلمان، رو به جماعتی که همه از قریش بودند، فرمود:

ای گروه قریش خون یعنی چه؟ نژاد یعنی چه؟

در سیره نبوی، هرگونه کوشش و عادتی که بتواند منشأ تفاوت های بیجا در حقوق شود، باطل به شمار می آید. که سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهگویای این مطلب است. ایشان فرمود:

اِنَّ رَبَّکُمْ واحِدَهٌ و اِنَّ اَباکُمْ واحِدٌ، کُلُّکُم مِنْ آدَمَ و آدَمُ مِن تُراب.

همانا پروردگار شما یکتاست. هم چنین پدر شما یکی است و همه شما از آدم و آدم از خاک است.

«نسب افتخارآمیز هر کس، دین اوست. مردانگی هر کس عبارت است از خلق و خو و شخصیت او. اصل و ریشه هر کس، عبارت است از عقل و فهم و ادراک او، چه ریشه و اصل و نژادی بالاتر از عقل!

یعنی به جای افتخار به استخوان های پوسیده، به دین و اخلاق و عقل و

۱- ۱. همان، صص ۱۰۱ و ۱۰۲.

۲- ۲. همان، ص ۶۲ .

فهم خود افتخار کنید.»(۱)

دیدگاه امام علی علیه السلام در زمینه نابرابری های اجتماعی و اقتصادی

یکی از نقاط محوری اندیشه عدالت حضرت امیر علیه السلام، مسئله برابری حقوق است.

حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید:

ثُمَّ جَعَلَ سُبحانَه مِنْ حُقوقِهِ حُقُوقا افْتَرَضَهَا لِبَعْضِ النَّاسِ عَلَی بَعْضٍ فَجَعَلَها تَتَکافَأُ فی وُجُوهِهَا.(۲)

پس خدای سبحان بعضی از حقوق را برای بعضی از مردم واجب کرده و آن حقوق را در برابر هم گذاشت...

بر این اساس، تناسب حقوق در همه وجوه و حالات مختلفش مورد نظر است. هیچ یک از حقوق، پس از اثبات حق و ذی حق نباید بر پایه ناعدالتی باشد. به بیان دیگر، باید هر کسی به اندازه زحمت و تلاش خود حقوق دریافت کند.

حضرت علی علیه السلام مسئله برابری را یک اصل کلی و اساسی می داند و می فرماید:

عدالت بیش از هر چیز دیگر گنجایش دارد که همه را راضی کند. یگانه ظرفیت وسیعی که می تواند همه را در خودجمع کند و زمینه رضایت عموم واقع شود، عدالت است. اگر کسی در اثر انحراف طبیعی و در اثر حرص و آز به حقّ خود و حد خود

۱- ۱. همان، ص ۶۱ . بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۲۰.

۲- ۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

قانع نباشد و قناعت به حق بر او فشار بیاورد، جور و ظلم به او بیش تر فشار خواهد آورد.(۱)

«انسان نمی تواند حق حیات دیگران، ولو جانداران دیگر را، برای آسایش بهتر خودش سلب کند و حقوق آن ها را ضایع کند و یا به کیفیتی زندگی کند که محیط زیست را به این بهانه که استفاده از طبیعت حق اوست، تخریب کند.

امام علی علیه السلام از بین بردن فقر و محرومیت را از بهترین دستاوردهای عدالت اجتماعی می دانست.»(۲)

اختلال در عدالت اجتماعی در حوزه اقتصاد و تمرکز ثروت در دست عده ای خاص، در بیش تر موارد موجب شکل گیری قدرت های سیاسی نیز می شود. در یک نظام اقتصادی که نابرابری های اقتصادی وجود داشته و نظام اقتصادی بیمار باشد، شخصیت انسان به راحتی شکسته می شود. چنانچه حضرت امیر علیه السلاممی فرماید:

تهی دست کوچک شمرده می شود، سخن وی را نمی شنوند و جایگاه او را نمی شناسند و یا اگر فقیر راستگو باشد، او را دروغگو می پندارند.(۳)

امام علی علیه السلام بر شناخت اقشار و طبقه های مختلف اجتماعی و ناروا دانستن نژادپرستی و تبعیض و نابرابری های اجتماعی تأکید زیادی کرده اند. از نظر ایشان، در جامعه، قشرهای مختلف مردم زندگی می کنند که هر کدام

۱- ۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۵.

۲- ۲. حسن حاجی حسینی، عدالت اجتماعی از دیدگاه امام علی علیه السلام، پایان نامه، ۱۳۸۱، ص ۱۸۶.

۳- ۳. عدالت اجتماعی از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام ، ص ۱۸۸. نک: الحیاه، ج ۴، صص ۳۰۱ و ۳۸۶.

نیازمند یکدیگرند. هم چنین هر کدام از این قشرها حقی دارند که از سوی خداوند متعال مشخص شده است و همه مردم باید برای اجرای عدالت و حق تلاش کنند.

امام علی علیه السلام در بخشی از نامه خود به مالک می فرماید:

ای مالک، بدان که مردم از گروه های گوناگونی می باشند که اصلاح هر یک جز با دیگری امکان ندارد، و هیچ یک از گروه ها از گروه دیگر بی نیاز نیست. از آن قشرها لشکریان خدا و نویسندگان عمومی و خصوصی، قضات دادگستر، کارگزاران عدل و نظم اجتماعی، جزیه دهندگان، پرداخت کنندگان مالیات، تجّار و بازرگانان، صاحبان صنعت و پیشه وران و نیز طبقه پایین جامعه، یعنی نیازمندان و مستمندان می باشند که برای هر یک خداوند مهمی مقرر داشته و مقدار واجب آن را در قرآن یا سنت پیامبر صلی الله علیه و آله تعیین کرده که بیانی از طرف خداست و نگهداری آن بر ما لازم است...

قشر دیگر، طبقه پایین از نیازمندان و مستمندانند که باید به آن ها بخشش و یاری کرد.

برای تمام اقشار گوناگون یاد شده، در پیشگاه خدا گشایشی است و همه آنان به مقداری که امورشان اصلاح شود بر زمامدار حقّی مشخص دارند و زمامدار از انجام آن چه خدا بر او واجب کرده است نمی تواند موفق باشد جز آن که تلاش فراوان کند و از خدا یاری بطلبد و خود را برای انجام حق آماده سازد و در همه کارها، آسان باشد یا دشوار، شکیبایی ورزد.(۱)

امام علی علیه السلام از سیمای محرومان و مستضعفان و وضعیت اموال آن ها

ص:۷۶

۱- ۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

آگـاه است و برابری انسـان هـا در حقوق و بهره منـدی از مواهب الهی را یک اصل اساسـی می دانـد و همواره این موضوع را یادآوری می کند.

آن حضرت در این باره می فرماید:

پس خـدا را در خصـوص طبقـات پـایین و محروم جـامعه، کـه هیـچ چـاره ای ندارنـد [و عبارتنـد از زمیـن گیران، نیازمنـدان، گرفتاران و دردمندان]، همانا در این طبقه محروم گروهی خویشتن داری می کنند و گروهی به گدایی دست نیاز برمی دارند.

پس برای خـدا، پاسـدار حقّی باشـی که خداونـد برای این طبقه معین فرموده است. بخشـی از بیت المـال و بخشـی از غله های زمین های غنیمتی اسـلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده، زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک ترین آنان سهمی مساوی وجود دارد و تو مسئول رعایت آن باش».(۱)

برخی از علل نابرابری و فقر از دیدگاه امام علی علیه السلام عبارتند از:

۱. ظلم:

امام علی علیه السلام می فرماید:

و ما اَخَذَ اللّه علی العلماءِ أنْ لایُقاروا علی كِظَّه ظالم و لاسَغَبِ مظلومٍ.(۲)

خداونـد متعـال از دانشــمندان پیمـان گرفتـه اسـت کـه در برابر برخـورداری و پرخـوری ظالمـان و سـتمگران و رنـج و محنت ستمدیدگان و مظلومان ساکت ننشینند.

در این بیـان نـورانی دو گـونه ویژگی دیـده می شـود: پرخـور و برخوردار؛ گرسـنه و محروم. اولی ظـالم است و دومی مظلوم. بنابراین، از تقارن این دو آشکار می شود که فقر دسته دوم (مظلومین) به علت ظلم دسته اول است.

۱- ۱. نهج البلاغه نامه ۵۳، ص ۵۸۳.

۲- ۲. نهج البلاغه، خطبه ۵۲.

ظلم اقتصادی افراد برخوردار و سرمایه دار به افراد محروم، این است که آن ها را از حقوقشان محروم کنند. امام علی علیه السلام در روایت دیگر در این زمینه می فرماید:

ان اللّه سبحانه فرض فی اموال الاغنیاء اقوات الفقراء فماجاع فقیر الابما منع غَنیٌّ و اللّه _ تعالی جده _ سائلهم عن ذلک.(۱)

خداوند سبحان قوت فقیران را در اموال افراد غنی و بی نیاز قرار داده است، پس هیچ فقیری گرسنه نمانده است، مگر این که غنی ای او را از حق خودش محروم کرده است. البته که خدای متعال از توانگری بازخواست خواهد کرد.

در این روایت نورانی به خوبی رابطه ظالمانه را به عنوان علت محرومیت و نابرابری ذکر می کند.(۲)

۲. مدیریت بی تعهد و بی تخصص:

سررشته مسایل مدیریتی در جامعه، به ویژه تصمیم گیری های اقتصادی، باید در دست افرادی باشد که دو شرط مهم تعهد و تخصص را داشته باشند. به تعبیر حضرت علی علیه السلام اهل تجربه و «بیوتات صالحه» باشند.

حضرت علی علیه السلام، در یکی دیگر از سخنانش در نهج البلاغه این مسئله را بیان می کند که در صورت حاکمیت افراد فاسق (بی تعهد) و سفیه (کسی که عقلانیت اقتصادی ندارد) سرمایه ها هدر داده شده و امکانات و مواهب الهی وسیله استثمار و برخورداری خاص می شود.(۳)

۱- ۱. نهج البلاغه، کلمات قصار ۳۲۰.

۲- ۲. عدالت اجتماعی از دیدگاه امام علی علیه السلام، ص ۲۰۳.

۳- ۳. نهج البلاغه، ص ۱۰۵.

۳. حاکمیت معیارهای غیردینی:

در جامعه ای که ایثار، انفاق، قرض الحسنه و مانند این ها نباشد، فقر و نابرابری و تضاد طبقاتی بالطبع بیش تر خواهد شد.

برای نمونه، در نظام اسلامی اموال در دست انسان عاریه هستند. هر کس به این امر توجه کند و در پی زیاده طلبی نباشد و دلبسته سرمایه و دنیا نباشد، به طبع، ارزش های والای اخلاقی مانند گذشت، ایثار، انسان دوستی و انفاق در دل و ذهن او روشن خواهد شد. امام علی علیه السلام در این باره می فرمایند: «المال عاریه؛ مال، عاریه است نه ملک حقیقی».(۱)

۴. توزیع ناعادلانه:

یکی از دغدغه های حضرت علی علیه السلام پس از به دست گرفتن حکومت، همین مسئله بود؛ به ویژه با توجه به این که توزیع منابع مالی مسلمانان در حکومت های فاسد قبلی ناعادلانه بوده است.

ایشان در این باره می فرماید:

آیا به من دستور می دهید برای پیروزی خود از جور و ستم درباره امّت اسلامی که بر آن ها ولایت دارم استفاده کنم؟ به خدا سوگند تا عمر دارم و شب و روز برقرار است و ستارگان از پی هم طلوع و غروب می کنند، هرگز چنین کاری نخواهم کرد! اگر این اموال از خودم بود به گونه ای مساوی در میان مردم تقسیم می کردم تا چه رسد که جزو اموال خداست.(۲)

۱- ۱. عدالت اجتماعی از دیدگاه امام علی علیه السلام، ص ۲۰۵.

۲- ۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶.

آن حضـرت همواره پیرو عدالت اقتصادی بود و همیشه از امتیازخواهی پرهیز می کرد. ماجرای عقیل نیز گواه این مطلب است. حضرت علی علیه السلام در خطبه ۲۲۵ می فرماید:

به خدا سوگند، برادرم عقیل را دیدم که به شدّت تهی دست شده بود و از من می خواست تا یک مَن از گندم های بیت المال را به او ببخشم. کودکانش را دیـدم که از گرسـنگی موهایشان ژولیـده و رنگشان تیره شده بود، گویا با نیل رنگ شده بودند. پی درپی مرا دیـدار و درخـواست خـود را تکرار می کرد. چـون به گفته هـای او گـوش دادم، پنـداشت که دین خـود را به او واگـذار می کنم... روزی آهنی را در آتش گـداختم و به بـدنش نزدیـک کردم تـا او را بیازمـایم... به او گفتم: ای عقیل... از حرارت آهن می نـالی که انسانی به بازیچه آن را گرم کرده است، ولی مرا در آتش دوزخی می خواهی که خـدای جبّارش با خشم خود آن را گداخته است؟(۱)

بی شک از نظر حضـرت علی علیه السـلام، جز در سایه دین و باورهای اسلامی در جای دیگر نمی توان به جامعیت اصلاحات برای رفع تبعیضـات و نـابرابری هـای اجتمـاعی و اقتصادی دست یافت و تـداوم آن را تضـمین کرد؛ زیرا تا انسان به این باور و اعتقاد نرسـد و ایمان پیدا نکند که همه انسان ها، در خلقت و آفرینش با او برابرند و یا در دین با او برادرند،(۲) چگونه ممکن است از مصلحت اندیشی های نفس مدارانه و خودخواهانه دست بردارد و دست به تبعیضات و تضییع حقوق دیگران نزند.

به باور حضرت، جامعه وقتی می تواند به اصلاحات دست یابد و سامان

۱- ۱. همان، خطبه ۲۲۵.

۲- ۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

اقتصـادی مفیـد و ثمربخشـی بیابـد که بین اقتصاد و دین، اقتصاد و اخلاق، اقتصاد و ارزش ها و فضایل انسانی رابطه تنگاتنگی وجود داشته باشد.

براساس چنین باوری است که «اللّه اللّه فی الطبقه السـفلی»(۱) معنا و مفهوم می یابـد و پیش از آن که حاکم خود را جوابگوی طبقـات محروم بدانـد، خود را جوابگوی خـدای سـبحان می دانـد و پیش از آن که منـافع خواص محور حرکت سـیاست هـا و برنـامه هـای نظـام باشـد، منـافع عموم و مصالـح عـامه مورد توجه و دقت قرار می گیرد و در سایه این باورهاست که جامعه در دوران رشـد و شـکوفایی اقتصـادی از بحران هـای بی نظمی عمومی و تبهکاری به جهت تکاثر و بخل و حسـد و حرص و ولع محفوظ می ماند و جامعه گرفتار شکاف طبقاتی و تجمل پرستی نمی گردد.(۲)

از نگاه حضـرت امیر علیه السـلام از عوامل مهمی که می توانـد عدالت اجتماعی را در جامعه خدشه دار و زمینه فساد اجتماعی را فراهم کنـد، زنـدگی اشـرافی و تجملاتی مسـئولان و متصـدیان نظام اجتماعی جامعه است؛ زیرا بی گمان این گونه زندگی مسـئولان نه تنها موجب بروز انحرافات در عامه مردم می شود، بلکه سـبب می شود تا رده های پایین تر مسئولان که از آن نوع زندگی برخوردار نیسـتند، برای دست یابی به آن نوع زندگی که نداشتن آن، نوعی حقارت و کمبود شخصیت برای آن ها به دنبال دارد، به سرقت،

ص:۸۱

۱- ۱. همان.

۲- ۲. نـک: «مـدیریت اقتصـادی حضـرت علی علیه السـلام تحقق بخش عـدالت اجتماعی»، انـدیشه حوزه، سال هفتم، ۱۳۸۰، شماره ۳ و ۴، ص ۹۲.

اختلاس و کارهایی مانند آن دست زنند.(۱)

«نتیجه آن که، [بنا بر] بینش علوی، اصلاحات در راستای بهره گیری صحیح از منابع و سرمایه های مادی و معنوی در جهت تحقق منافع عمومی و ایجاد امنیت اجتماعی و اقتصادی (برابری و دفع تبعیض) صرفا به خاطر مطالبات مردمی نیست، که اگر کسی توانست به گونه ای مردم را قانع سازد یا اگر مردم خود متوجه حق خود نبوده، شخص بتواند از زیر بار اصلاحات شانه خالی بکند، بلکه انجام این گونه اصلاحات به عنوان یک باور دینی و وظیفه ای الهی و تحقق حق و عدالت مطرح است. از نگاه حضرت امیر علیه السلام خداوند برای انجام آن از عالمان عهد و پیمان گرفته است.»(۲)

آن گونه که شهید مطهری به زیبایی بیان کرده اند، (امام علی علیه السلام) فلسفه پذیرفتن خلافت را پس از عثمان، به هم خوردن عدالت اجتماعی و تقسیم شدن مردم به سیر و گرسنه ذکر می کند.

اگر نبود که عده ای به عنوان یار و یاور به در خانه ام آمدند و بر من اتمام حجت شد، دیگر این که خداوند از دانایان و روشن ضمیران عهد و پیمان گرفته که هر وقت اوضاعی پیش آید که گروهی آن قدر اموال و موهبت های الهی را به خودشان اختصاص بدهند و آن قدر بخورند که از پرخوری بیمار شوند. و عده ای آن قدر حقوقشان پای مال بشود که مایه سد جوعی هم نداشته باشند؛ در چنین اوضاع و احوال، این دانایان و روشن ضمیران نمی توانند بنشینند و تماشاچی و حداکثر متأسف باشند. اگر چنین وظیفه ای را در حال حاضر احساس نمی کردم، کنار می رفتم و افسار

۱- ۱. همان، ص ۱۰۱.

۲- ۲. همان، ص ۱۰۲. نک: نهج البلاغه، خطبه ۳.

خلافت را در دست نمی گرفتم و مانند روز اول پهلو تهی می کردم.»(۱)

امام علی علیه السلام در حکومتش که الگوی حکومت الهی است، بر ارزش های اخلاقی، به ویژه اجرای عدالت و برابری و به ویژه در مسایل اقتصادی و در ارتباط با بیت المال اصرار و پافشاری می کرد. چون بر او خرده گرفتند که چرا بیت المال را مساوی بخشیده است، فرمود:

مرا فرمان می دهید تا پیروزی را بجویم به ستم کردن درباره آن که والی اویم؛ به خدا که، نپذیرم تا جهان سرآید و ستاره ای در آسمان پیِ ستاره ای برآید. بدانید که بخشیدن مال به کسی که متعلق آن نیست، با تبذیر و اسراف یکی است. قدر بخشنده را در دنیا بالا بَرد و در آخرت فرود آرد. او را در دیده مردمان گرامی کند و نزدِ خدا خوار گرداند. هیچ کس مال خود را آن جا که نباید نداد و به نامستحق نبخشود، جز آن که خدا او را از سپاس آنان محروم فرمود و دوستیشان از آنِ دیگری بود. پس اگر روزی پای او لغزید و به یاری آنان نیازمند شد، در دیده ایشان بدترین یار است و لئیم ترین دوستدار.(۲)

عدالت امام علی علیه السلام در تقسیم بیت المال را می توان در موارد متعددی آشکارا دید.

نخست آن که، امام علی علیه السلام پیش از روی کار آمدن به صراحت نزد مردم اعلام کرد که اگر من زمام حکومت را به دست بگیرم، آن چه را که پیش از این افراد خاصی بیش از سهم خود دریافت کرده اند و از این طریق ثروت انباشته اند، پس خواهم گرفت.

ص:۸۳

۱- ۱. مرتضی مطهری، بیست گفتار، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۵۸، ص ۱۲.

۲- ۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶.

دوم آن که، در تقسیم آن در میان افراد به شدت بر عدالت و برابری پای می فشرد تا آن جا که موجب بغض و دشمنی عده ای و مخالفت و جنگ افروزی آنان و خطاب دوستان خود قرار گرفت که چرا برای فرونشاندن مخالفت اشراف و سر فرود آوردن آن ها در برابر حکومت، سهم بیش تری به آنان نمی دهد.(۱)

سوم آن که، در زندگی شخصی خود، نه تنها این برابری و عدالت را رعایت می کرد، بلکه در این مورد بیش تر سخت گیری می فرمود.(۲)

امام علی علیه السلام در این باره زمامداران را ملزم به برابری با فقیرترین مردم می دانست و فرمود: خدا به پیشوایان دادگر فرموده است که خود را با مردم ناتوان برابر نهند تا فقر، تنگ دست را به طغیان واندارد.(۳)

یکی دیگر از ویژگی های امام علی علیه السلام، توجه به قشر ضعیف و ناتوان و پایین جامعه بوده است. او تا آن جا به این مسئله حساس بود که برای کاستی از رنج و تلخی زندگی فقرا، همانند آن ها زندگی می کرد.

امام علی علیه السلام در این باره فرموده اند:

همانا این نفس من است که آن را با پرهیزکاری رام کرده ام تا در قیامت ایمن باشد، در لبه پرتگاه نلغزد. اگر می خواستم به عصاره عسل و مغز گندم و بافته های ابریشمی دست می یافتم، ولی هیچ گاه اجازه نخواهم داد که خواسته هایم بر من پیروز شوند و حرصم مرا به گزینش غذاها رهنمون گردد. شاید در حجاز یا یمامه کسی

۱- ۱. نک: نهج البلاغه، نامه ۷۰.

۲- ۲. همان، خطبه ۲۲۴.

۳- ۳. نک: فصلنامه حوزه و دانشگاه، عدالت اقتصادی از دیدگاه امام علی علیه السلام، ص ۱۱۲.

باشد که امید دست یابی به یک گرده نان داشته و هیچ گاه از غذا سیر نشده باشد. آیا من با شکم پر بخوابم و در اطراف من شکم های گرسنه و جگرهای تشنه وجود داشته باشد؟(۱)

این مبحث را با سخن زیبای امام علی علیه السلام می آراییم که راه و رسم عدالت را در رویارویی با امتیاز طلبان و بیچارگان و مأیوسان ترسیم می کند:

وَ آسَ بَيْنَهُمْ فِي اللَحْظَه وَالنَّظَرِه حَتّی لاَيَطْمَعَ الْعُظَمَاءُ فِی حَيْفِکَ لَهُمْ وَ لاَتيأسَ الضُّعَفَاءُ مِن عَدْلِکَ عَلَيْهِمْ.(۲)

به یک چشم به همگان بنگر، خواه به گوشه چشم نگری و خواه خیره شوی؛ تا بزرگان در تو طمع ستم بر ناتوانان نبندند و ناتوانان از عدالتت مأیوس نگردند.

ملاک هاوعوامل قشربندی و نابرابری های اجتماعی از دیدگاه اسلام

اشاره

پرسشی که در این جا مطرح می شود این است که آیا قرآن طبقه را به رسمیت می شناسد؟ و در این صورت، به چه طریقی جامعه را تقسیم بندی و طبقه بندی می کند؟

برخی با توجه به آیات ۳۱ تا ۳۵ سوره زخرف، تصور کرده اند که خداوند بعضی را برتر و متنعم قرار داده و گروهی را کارفرما و مسلط و گروه دیگری را فرودست. بنابراین، وجود طبقات در جوامع انسانی از دیدگاه قرآن امری جبری است.

۱- ۱. نک: نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۲- ۲. همان، نامه ۲۷.

ولی با دقت در آیه و شأن نزول آن، روشن می شود که مضمون آن به ظاهر این است که مشرکان بنابر خصلت استکباری و معیار بهره وری از نعمت های مادی، بر رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله خرده می گرفتند.

در قرآن ملاک برتری و ارزش در نزد خدا همانا بعد معنوی است، نه مادی؛ زیرا قرآن می فرماید: «و رحمت پروردگار بهتر است از اموالی که اینان جمع کرده اند.» (زخرف: ۳۲) پس آیه نه تنها در پی مشروعیت بخشیدن به اختلاف طبقاتی و برخورداری ناحق از مزایای مادی نیست، بلکه متنعم بودن از مزایای مادی را بی ارزش نشان می دهد و تقرب به خدا و برخورداری از رحمت الهی را ارزش می شمارد.(۱)

از دیدگاه اسلام، عواملی موجب نابرابری بین انسان ها می شوند که یکی از آن ها، تفاوت انسان ها در استعداد و لیاقت است که اگر زمینه برای همه یکسان و مهیا شود (عدالت) باز هم در بین افراد نابرابری پیش می آید.(۲)

هم چنین، عامل مهم دیگر کار و تلاش و کوشش افراد است که در صورت تحقق عدالت نیز انسان ها طبق گرایش ها و قدرت بدنی، جسمی، روحی و هم چنین روحیه تلاش و کوشش با یکدیگر متفاوتند.

ریشه اختلافات و نابرابری های اجتماعی از دیدگاه اسلام

كانَ النّاسُ أُمَّةً واحِدَةً فَبَعَثَ اللّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرينَ وَ مُنْذِرينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتابَ

۱- ۱. علی اختر شهر، «گونه شناسی طبقات اجتماعی در قرآن»، علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۵، ۱۳۸۰، صص ۲۲۶ _ ۲۲۷.

۲- ۲. نک: بیست گفتار، ص ۸۹.

بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النّاسِ فيمَا اخْتَلَفُوا فيهِ وَ مَا اخْتَلَفَ فيهِ إِلاَّ الَّذينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ ما جاءَتْهُمُ الْبَيِّناتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللّهُ الَّذينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَ اللّهُ يَهْدى مَنْ يَشاءُ إِلى صِراطٍ مُسْتَقيمٍ. (بقره: ۲۱۳)

مردم گروه واحد بودند و خدا انبیای بشارت دهنده و ترس دهنده را با دستور بر مبنای حق فرستاد تا آن کتاب، در اختلافات مردم حَکَم باشد، ولی کسانی که کتاب بر آن ها آمده، پس از رسیدن شواهد آشکار عده ای در آن اختلافات کردند. انگیزه این اختلافات غیر از حسد و برتری خواهی بین خودشان نیست، ولی پروردگار کسانی را که ایمان آورده اند در مورد اختلاف، با مشیت خود به واقعیت رهبری می کند و خداست که هر که را اراده فرماید به راه مستقیم هدایت می کند.

براساس آیات قرآن کریم، مردم همه یک گروه بودند «کان الناس أمه واحده» گروهی واحد که در بدو تاریخ دارای یک مرام و در ارتباط باهم بودند و زندگانی واحدی داشتند و مقصود اساسی آن است که بشر تحت یک نظام هم بستگی باید زندگانی کند. خلقت اولیه انسان به گونه ای است که به دیگران نیاز دارد و نمی تواند خودمختار و مستقل از انسان های دیگر به حیات خود ادامه دهد؛ یعنی برای رفع احتیاجات هم باید از دیگران استمداد جوید و هم خودش به دیگران سود برساند. پس انسان ناچار است با دیگران همکاری کند و نیاز، او را به تشکیل جامعه و قوم واحد وادار می سازد، ولی با آن که لزوم همکاری را انسان های اولیه هم تشخیص می دادند از آن رو که غرایز در انسان ها شدت و ضعف دارد، همان حس همکاری که موجب وحدت می شود روی اختلاف غرائز موجب اختلاف می شود؛ زیرا بعضی دارای غریزه خودخواهی و ریاست طلبی هستند و

می خواهند دیگران را به نفع خود، بدون نفع بخشی استثمار کنند و همین، اختلاف ایجاد می کند. بهره برداری از اجتماع باید بر میزان انصاف و عدل و داد باشد و اگر نشد تضاد و نزاع روی می دهد.(۱)

در مجموع می توان گفت که سه چیز موجب اختلاف و نابرابری است:

۱. کیفیت و کمیت بهره برداری افراد یک جامعه از یکدیگر؛

۲. کیفیت مسیری که کاروان اجتماع باید به سوی مقصد بهزیستی بپیماید؛

۳. کیفیت و تفاوت ادراکات، چه در اساس زندگانی و چه در اعتقادات قلبی.(۲)

باید دانست که ریشه اختلافات و نابرابری های اجتماعی در سطحی به استعداد و لیاقت افراد مربوط می شود. همان گونه که شهید مطهری در تعریف عدالت عنوان می کند، زمینه بهره برداری باید برای همه به یک اندازه مهیا باشد، ولی مانند یک مسابقه، افراد برابر لیاقت ها و استعدادهایشان عقب می مانند و یا جلو می روند.

علت دیگر، می تواند کار و تلاش و کوشش افراد باشد؛ به گونه ای که در جامعه اسلامی باید زمینه شکوفایی برای همه، چه فقیر و چه غنی مهیا باشد، ولی بعضی ها به علت کم کاری خود و تلاش نکردن، از دیگران عقب می مانند و به همان اندازه از مواهب اجتماعی بهره مند نمی شوند. در واقع،

۱- ۱. اسلام و مبارزه با تبعیضات، صص ۱۸۱ _ ۱۸۲.
۲- ۲. همان، ص ۱۸۷.

چون در جامعه همه گونه انسان وجود دارد (از نظر تلاش و طبع) پس وجود اختلافات در جامعه تا اندازه ای به این عوامل بستگی دارد و ریشه آن ها در دست خود افراد است.

به تعبیر دیگر برخی تفاوت ها ریشه اختیاری دارند که بیش تر در اثر طرز تفکر و گرایش به مکتب و آداب و رسوم مختلف پدید می آیند. ازاین رو، مکتب اقتصادی اسلام برای جهت دهی به تفاوت ها و بهره برداری مناسب از آن ها نخست واقعیت های هستی را به طور دقیق بررسی و رابطه انسان ها با مواهب طبیعی را به گونه ای ترسیم کرده است که خود را امانت دار آن ها بدانند و در حفظ امانت ها، در حد کمال بکوشند و منصف باشند.(۱)

هم چنین چون برداشت و فهم افراد یکسان نیست و نیز همه افراد خود را به رعایت قوانین و ضوابط اجتماعی ملزم نمی دانند و در هر صورت امکان تخلّف از ضوابط و چارچوب ها وجود دارد، ازاین رو، مکتب اسلام سیاست ها و ابزارهایی حقوقی برای برقراری عدالت اقتصادی و رفع تبعیض های و نابرابری های ناروا و تعیین ضوابط مشخص در امر تولید، توزیع و مصرف در نظر گرفته است.(۲)

سرانجام باید گفت که ریشه نابرابری های اقتصادی در سه عامل زیر است:

۱- ۱. محمدمهدی پورمندکرمی، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، تهران، نشر صحت، ۱۳۸۰، چاپ اول، ص ۱۷۵.

۲- ۲. همان.

۱. تفاوت شخصیت افراد؛

۲. شرایط اجتماعی که در آن زندگی می کنند؛

۳. ظلم و استثمار.(۱)

عوامل قشربندی و چند قطبی شدن جامعه

اسلام قشربندی شدن جامعه را ناشی از عوامل مختلف می داند. برخی از این عوامل مربوط به بعد جسمانی و مادی وجود انسان و برخی مربوط به بعد معنوی و روحانی وجود او هستند. نه می توان عوامل عقیدتی و فکری و فرهنگی را فاقد اصالت دانست و نه می توان شرایط اقتصادی و سیاسی چون قدرت را به طور کامل بی تأثیر دانست، البته این عوامل هر چند مستقل از یکدیگرند، در ارتباط با هم عمل می کنند.

قرآن از یک سو، تقسیم بندی های شرک _ ایمان، فسق _ تقوا و کفر _ ایمان را مطرح می کند و معتقد است این عوامل عقیدتی و ارزرشی تأثیر و پی آمدهای اجتماعی مهمی در جامعه دارند. بر این اساس، در طول تاریخ همواره دو اردوگاه توحید و شرک، خداپرستی و هواپرستی و قطب های قابیل و هابیل، ابراهیم و نمرود و... در مقابل هم قرار داشته اند و درگیر بوده اند، ولی از سوی دیگر، قرآن مفاهیم فقر، غنا، استکبار، استضعاف، ملأ، مترف، مُسرف، رهبان و احبار را مطرح می کند که ناظر بر وضع اجتماعی و

۱- ۱. نک: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۷، چاپ اول، ص ۷۴.

اقتصـادی است. از طرفی، برخورداری هـای متفاوت و متمایز اجتماعی و وجود طبقات ممتاز در کنار طبقات عموم مردم، سـتم بزرگ تاریخ بشری به شمار می آید.(۱)

طبقات اجتماعی در اسلام

طبقات اجتماعی از بعد مادی

الف) ثروتمندان (مترفین):

از دیدگاه قرآن، ثروتمندان و قدرتمندان اقتصادی عبارتند از: اشراف و ثروت اندوزان که نماد مترفین هستند.

این دسـته را قرآن کریم به شـکل طبقه ای متشکل و توانا مطرح می کند. ملاک طبقه ای آنان مال (ثروت) و اولاد و فرزندان، یعنی ابزار به دست آوردن ثروت و عوامل ایجاد و حفاظت از ثروت و وسیله تفاخر است.

ب) گروه های درون حاکمیت سیاسی (ملأ):

اشاره

«ملأ در واقع همان اشراف هستند که وضع ظاهریشان نظر افراد محروم را به خود جلب می کند. به طور کلی، گروه ملأ افرادی هستند که در رأس قدرت قرار دارند و پیوسته هم رأی و پشتیبان یکدیگرند.»(۲)

ویژگی های ملأ

۱. قرآن کریم این طبقه را افرادی سرمایه دار و اسیر زینت های دنیا معرفی می کند.

۱- ۱. نک: گونه شناسی طبقات اجتماعی در قرآن، صص ۲۲۶ _ ۲۲۸.

۲- ۲. همان، ۱۳۸۰، ص ۲۳۰.

پروردگارا، به فرعون و ملأ زینت و مال در زندگی دنیا دادی تا (به وسیله آن) مردم را از مسیر تو گمراه کنند. (یونس: ۸۸)

۲. افرادی خودخواه و برتری جو هستند که در به بند کشیدن توده های محروم نقش به سزایی دارند.

اشراف متکبر قوم او گفتند: ای شعیب سوگند یاد می کنیم که تو را (از شهر) بیرون خواهیم کرد. (اعراف: ۸۸)

۳. به هنگام تزلزل قدرت با هم بسیج می شوند.

فرعون به برگزیدگان سیاسی دور و برش گفت که این مرد (موسی) جادوگری بس داناست که می خواهد شما را از جامعه تان و سرزمینتان بیرون کند؛ چه فرمان می دهید. (شعراء: ۳۴)

۴. از کافران و مشرکانی بودند که همواره در برابر انبیا موضع گیری خصمانه داشتند.

اشرافِ کافرِ قومش گفتند ما تو را جز بشری مثل خودمان نمی بینیم. (هود: ۲۷)

۵. در پی کشتن انبیا برآمدند، چنان که قصد کشتن موسی را داشتند.

(آن مرد) گفت: ای موسی، اشراف برای کشتن تو به مشورت پرداخته اند. (قصص: ۲۰)

۶ . به انبیا بی اعتقاد بودند، حتی به روز بازپسین هم باور نداشتند.»

اشراف قومش کسانی بودند که کفر ورزیدند و روز بازپسین را تکذیب کردند و ما به آن ها در حیات دنیا ناز و نعمت دادیم. (مؤمنون: ۳۳)

ج) جباران و فرمانروایان طاغوت

واژه طاغوت، هشت بار در قرآن کریم آمده است و مراد از آن، خدایان دروغین و مردمان متجاوز و طاغی است. این ها افرادی هستند که در مقابل

ص:۹۲

دعوت انبیا مخالفت ورزیدند و از طرح و اجرای هیچ توطئه ای در برابر پیامبران فروگذار نکردند.(۱)

ویژگی های گروه فرمانروایان طاغوتی از این قرار است:

۱. این ها با پیامبران نزاع و جدال می کنند.(۲)

۲. دعوی ربوبیت می کنند؛ فرعون گفت: ای اشراف، من برای شما خدایی جز خود سراغ ندارم.(۳)

۳. از دیگر ویژگی های این گروه، برتری جویی، تفرقه جویی، به استضعاف کشاندن مردم، آدم کشی، استثمار زنان و فساد در زمین است.(۴)

د) گروه مستضعفان

از واژه هایی که در قرآن معمولاً همراه با ضد خود به چشم می خورد، کلمه «استضعاف» است. استضعاف از ماده «ضعف» و دارای معانی مختلفی است، از جمله:

۱. به ضعف کشانده شدن، محروم شدن یا مورد تحمیل محرومیت قرار گرفتن؛

۲. ضعیف پنداشته شدن و به حساب نیامدن؛

۳. ضعیف بودن «ضعف بدنی، مادی و... ؛

این کلمه با توجه به معنای اول و دوم، مفهوم مستضعف یا مستکبر را

۱- ۱. گونه شناسی طبقات اجتماعی در قرآن، صص ۲۲۸ _ ۲۳۲.

۲- ۲. نک: بقره: ۲۵۸.

۳- ۳. قصص: ۳۸.

۴- ۴. همان، ۴.

تداعی می کند؛ زیرا تا مستکبر نباشد، استضعاف صورت نمی پذیرد.(۱)

طبقات اجتماعی از دیدگاه قرآن بر مبنای بعد معنوی و ارزشی

الف) احبار و رهبانان:

این ها گروه هایی هستند که به نام هایی هم چون «عالمان فاسد» و «گروه فراریان از صحنه» خوانده شده اند.(۲) به گونه ای که بسیاری از احبار و رهبان از منزلت اجتماعی و معنوی خود سوءاستفاده کردند و ماهیت زر اندوزان و قدرتمندان فاسد شده را پیدا کرده اند.

از ویژگی های احبار و رهبان می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) مردم را به خلاف فرمان های الهی دعوت می کردند.(۳)

ب) برای حفظ مقام و موقعیت خود از دو شیوه استفاده می کردند: ۱. تحریف حقایق، ۲. کتمان حقایق.(۴)

ب) ربانیون و نذیران:

واژه «ربانیون» سه بار در قرآن آمده است (مائده: ۴۴ و ۶۳ و آل عمران: ۷۹) مفرد این واژه «ربانی» به معنای تربیت کننده است. علامه طباطبایی در المیزان معتقد است: «ربانیون» علمایی هستند که تربیت مردم را به دست

۱- ۱. گونه شناسی طبقات اجتماعی در قرآن، صص ۲۳۰ _ ۳۳۳.

۲- ۲. نک: مائده: ۶۳ و ۶۴ .

۳- ۳. نک: توبه: ۳۱.

۴- ۴. نک: بقره: ۷۹ و ۱۴۶.

دارند.»(۱)

نتیجه این که تـأثیر نـذیران و ربانیون در جامعه هنگامی معلوم و آشـکار می شود که ارزش ها و بینش های گروه ها و طبقات اجتمـاعی را بـا ارزش هـای نـذیران بسـنجیم و تـأثیر آن ها را در جامعه مشاهـده کنیم که تأثیر ربانیون و نـذیران، تأثیر مثبت و خوبی است.(۲)

دیدگاه اسلام در زمینه نابرابری نژادی

هواداران و مروّجان برتری نژادی، خواسـتار آنند که بهترین و نیرومندترین نژاد در جهان پیروز شود و نژادهای ضـعیف و پست به پیروی و اطاعت از آن ها گردن نهند.

گذشـته از این که چنین طرز تفکری بـا فلسـفه حیـات بشـری و اصول آزادی فردی و اجتمـاعی به کلی ناسازگـار است و خود موجب انحطاط و عدم رشد ملت های ضـعیف خواهد شد، اصولاً از نظر علمی و تاریخی، بسـیاری از محققان و فلاسفه معاصر برتری نژادی را امری موهوم و ساختگی و بی اساس می دانند.(۳)

پیش از ظهور اسـلام، نژادپرسـتی تمـامی جوامع را دربرگرفته بود. مملکت حجـاز بی آن که از قـانونی درست و اصـیل پیروی کند، وحشیانه می زیست و بیش از همه چیز در میان اعراب «مسئله نژاد» اهمیت به سزایی داشت.

۱- ۱. نک: گونه شناسی طبقات اجتماعی در قرآن، ص ۲۳۵.

۲- ۲. نک: همان، صص ۲۳۳ _ ۲۳۶.

۳- ۳. اسلام و مبارزه با تبعیضات، ص ۸۷ .

بزرگان و اشراف می کوشیدند تا شجره نامه ای برای خود بسازند تا به اسماعیل بن ابراهیم و یا یعذب بن قحطان منتهی شود.

آن ها گمان می کردند که این دو نفر نخستین فرمانروایان قوم و نژاد عرب بوده اند. به همین دلیل، اعراب به دو دسته عمده و کلی تقسیم شدند که عبارت بود از «بنی قحطان» و «بنی اسماعیل» و هر یک از این دو دسته بزرگ به عشایر و قبایل تقسیم شدند که بر اثر اختلافات بسیار جزیی و کوچک به جنگ و جدل و قتل و غارت یکدیگر می پرداختند.

در این هنگام، اسلام آمد تا وحدت بشری را در آغاز و انجام، زندگی و مرگ، در حقوق و وظایف در پیشگاه خدا و قانون و دنیا و آخرت اعلام کند و بفهماند که جز عمل شایسته چیز دیگری نتیجه ندارد و عزت و شخصیت از آن پرهیزکاران است.

در واقع، این نهضت، جنبشی برای انسانیت بود که تاریخ نظیر آن را ندید و اکنون هم در مرتبه و مقامی قرار دارد که دست قوانین بشری هرگز به آن جا نخواهد رسید؛ زیرا آن چه را بشر در انقلاب فرانسه و سپس به طور نظریه گفته، اسلام آن را به صورتی عمیق تر و برتر در متجاوز از چهارده قرن قبل عملی کرده است.(۱)

اسلام با ایجاد وحدت اسلامی میان تمام افراد و مسلمانان از سیاه و سفید، عقد اخوّت و برادری برقرار کرده است و در نماز و مناسک حج و دیگر عبادات فقیر را در کنار غنی و سفیدپوست را پهلوی سیاه پوست نشاند و دامنه اتحاد و برادری به کسانی که با اسلام و مسلمانان در حال مبارزه

۱- ۱. نک: اسلام و تبعیضات نژادی، صص ۲۰۶ _ ۲۰۷.

بوده و بعد پشیمان شده و توبه کردند و به احکام اسلام عمل نمودند، کشیده شد.(۱)

اسلام با اعلام این فرمایش که: «این است ملت و امت یگانه شما و منم پروردگارتان پس مرا بپرستید پرهیزکار باشید». (انبیاء: ۵۲ و ۹۶)، تمام بشر را ملت واحد معرفی کرد و همه انسان ها را از حیث قبیله و عشیره یکی دانست و «شعوب» را تنها وسیله تألیف قلوب و شناسایی قرار داد، نه اختلاف.

اگر فرزندان آدم به شعب و قبیله هایی تقسیم شده اند، چنان که در آیه ۵۲ سوره مؤمنون بیان شده است؛ برای آن است که روابط آشنایی میانشان محکم تر و شناسایی بشر بر رموز آفرینش تکمیل شود؛ زیرا تعدد دسته های انسانی، پدیدآورنده ملکات گوناگونی است که هر یک سبب نوعی از استخراج نهفته های زمین و بیرون کشیدن ابزار صنعت و برآوردن نیازمندی های زندگی می شود.(۲)

از آیات خداوند است این آفرینش آسمان ها و زمین و تفاوت زبان ها و رنگ هایتان؛ همانا در این امور نشانه هایی برای بینش جهانیان پدیدار است. (روم: ۲۲)

«دشواری مسئله نژادی در این است که انسان را با مسئولیتی مواجه می سازد که بدون حق انتخاب بر او تحمیل می شود. یعنی از خود می پرسد، چرا پوست من به این رنگ یا آن رنگ درآمده است؟

۱- ۱. اسلام و تبعیضات نژادی، ص ۶۷ .

۲- ۲. نک: اسلام و تبعیضات نژادی، صص ۲۰۸ و ۲۰۹.

اسلام مسئله برابری انسانی را از دیدگاه رنگ پوست، برداشت نمی کند، بلکه به عنوان یک دین، ناظر به خود آفرینش و ذات وجود است.»(۱)

در واقع آن چه اسلام بیان کرده و کاوش های علمی هم البته به همین نتیجه رسیده و «یونسکو» نیز اعلامیه خود را در مسئله تبعیض نژادی بر همین اصل نهاده است، و بر مبنای برابری میان نژادها اصولی را طراحی کرده است.

قرآن می فرماید:

ای مردم از نافرمانی خدا بیم کنید، کسی که شما را از یک جان آفرید و از او جفت او را بیافرید و از آن دو، مردان و زنان بسیاری را بپراکند. از «نافرمانی» خدایی که به نامش یکدیگر را بازخواست می کنید و (بترسید از نافرمانی خدا) در مورد خویشان به راستی خدا بر شما نگاهبان است. (نساء: ۱)

آفریننده یکی است، جان انسانی هم یکی است. از این نفس واحد خدا زوجش را آفرید و خانواده نخستین شکل گرفت.

«واژه «خویشاوند» در این جا به بستگی انسانی اشاره دارد. آن چنان بستگی که همه افراد بشر را به یکدیگر پیوند می دهد، گرچه در زمان یا مکان ازهم دور باشند. گرچه در رنگ و زبان همسان نباشند و گرچه در موقعیت اجتماعی و اقتصادی در وضع متفاوتی زیست کنند.»(۲)

قرآن، آیین افتخارات خانوادگی و نژادی را که مولود دوران جاهلیت بود

۱- ۱. نک: عبدالعزیز عبدالقادر کامل، اسلام و مسئله نژاد، ترجمه سیدخلیل خلیلیان، تهران، انتشارات حقوق بشر، صص ۲۳ و ۲۴.

۲- ۲. اسلام و مسئله نژاد، صص ۵۱ _ ۵۳.

برانداخت و نظام نیکوی مساوات و برابری را جای آن بنا گذاشت.

«در اسلام، طبقات ممتاز و مناسب موروثی وجود ندارد. و اصول نظامات سیاسی اسلام بسیار ساده است و تمام کسانی که زیر نظر آن نظامات اداره می شوند از وضیع و شریف، غنی و فقیر و سیاه و سفید مساوی هستند. یکی از آثار دین اسلام همین بود که رابطه برادری را میان مسلمانان که از قبایل و نژادهای مختلف بودند برقرار ساخت و وحدت دینی را به جای وحدت قومی جای گزین کرده و بدین وسیله مسلمانان، صرف نظر از امتیازات نژادی با یکدیگر برابر شدند و تفاوتی میان، وضیع و شریف نماند و همه مسلمانان مانند بنایی استوار محکم شدند که اجزای مختلف آن پشتیبان یکدیگر بود. چون تعالیم اسلام با روح مساوات توافق داشت، پیغمبر توانست به کمک آن اختلافات نژادی راکه روزگاری دراز، مایه ستیز و جدال اعراب بود، از میان بردارد.»(۱)

دکتر عبدالعزیز عبدالقادر کامل؛ استاد دانشکده ادبیات در دانشگاه قاهره می نویسد:

۱. اسلام هر فردی را مسئول کردار خویش می داند، ولی وی را در مورد چیزهایی که در اختیار خود او نیست، مانند رنگ مسئول نمی داند.

۲. اسلام رابطه بشر با محیط طبیعی اش را براساس مهر و بهره برداری شایسته، تلقی کرده است...

۳. بشر از نظر اسلام خانواده ای بزرگ است، تنها یک خانواده که آن را

۱- ۱. اسلام و تبعیضات نژادی، ص ۲۱۵. نک: تفسیرالمنار، ج ۱۱، ص ۲۵۸.

خدا از جان واحدی پدید آورده... و از دیدگاه اسلام برتری نژادی و امتیازخواهی منافی با فرمان خداست؛ زیرا او ما را به عشق و برادری همگانی فرا خوانده است.

۴. اسلام همه پیامبران را از هر ملت و رنگی که باشند، برادران هم خوانده و ما را دعوت می کند که این برادری را تصدیق کنیم...

۵. اسلام در برابر پندارهای مربوط به اصل و نسب سر فرود نمی آورد، بلکه اصول خود را به موقع به اجرا می گذارد. در مقام عبادت همه افراد در پیشگاه خدا یکسانند و عرب بر عجم، هیچ برتری ندارد و تنها ملاک برتری، پاکی و تقواست.

۶ . اسلام تنها به این قناعت نکرده است که این جلوه های برادری انسانی را بر زبان آورد یا علیه «تبعیضات نژادی» به هر شکلی که باشد، مبارزه کند، بلکه نمونه های بارزی در این زمینه ارایه داده که در تاریخ زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و پیروانش منعکس است.

۷. در بررسی آماری و تجربه و تحلیلی که درباره ذکر واژه «سیاهی و سفیدی» در قرآن به عمل آمده دیده شده که به رنگ خاصی هرگز امتیازی ابراز نشده و رنگ ها تنها جلوه هایی از قدرت خداوند که در یک سطح مشترک همگی این خصوصیت را دارا هستند.

۸ . آن چه قرآن درباره اختلاف موجود میان افراد گفته بر این اساس است که هر فردی را می باید نخست از فرصت عادلانه و به جایی بهره مند ساخت. از آن پس اگر اختلافی بین افراد دید بازگشت به اموری دارد نه آن که ناشی از محرومیت های ظالمانه اجتماع باشد.

۹. به هیـچ وجه اسـلام نمی پذیرد که موضوع اسـتعدادهای افراد یا موقعیت های اجتماعی شان تشـکیل دژی دهد که این افراد در آن براساس نژادگرایی یا هرگونه امتیاز دیگری برای خود گروه هایی تشکیل دهند.»(۱)

دیدگاه اسلام در زمینه نابرابری های اقتصادی

اشاره

عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلام عبارت است از رفاه عمومی و ایجاد تعادل و توازن ثروت و درآمدها.(۲)

به این معنـا که نظـام اقتصـادی اسـلام، تحقق عـدالت در عرصه اقتصـاد را از دو طریق دنبال می کنـد؛ از یک سو، به همه افراد جامعه حق می دهـد که از یک زندگی متعارف و آبرومندانه انسانی برخوردار باشـند و از سوی دیگر، با اتخاذ احکام و روش هایی، در پی متوازن کردن ثروت ها و درآمـدهاست و در نقطه مقابل، هر نوع فقر و بدبختی و پیدایش فاصـله طبقاتی را نتیجه عدم تحقق عدالت می داند.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

اِنَّ النّاسَ یَسْتَغنونَ اِذا عُدِلَ بَیْنَهُمْ.

اگر در میان مردمان به عدالت رفتار شود، همه بی نیاز می شوند.(۳)

۱- ۱. اسلام و تبعیضات نژادی، صص ۲۱۶ و ۲۱۷.

۲- ۲. عدالت اقتصادی در اسلام، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال اول، شماره ۴، ص ۳۶.

۳- ۳. محمدبن یعقوب کلینی، ص ۳۷. کافی، ج ۳، ص ۵۶۸، برگرفته از عدالت اقتصادی در اسلام،

عوامل فقر و تضادطبقاتی و نابرابری های اقتصادی از دیدگاه اسلام

اشاره

با توجه به قرآن و روایات درمی یابیم که عوامل متعددی در پیدایش و استمرار فقر و تضاد طبقاتی و نابرابری های اجتماعی و اقتصادی در جوامع انسانی نقش دارند. برخی از این عوامل اختیاری و بعضی دیگر غیراختیاری اند. هم چنین گروهی از این عوامل، فردی و گروهی دیگر اجتماعی هستند.

الف) بیکاری و تن پروری

هُوَ الَّذی جَعَلَ لَکُمُ اْلأَرْضَ ذَلُولاً فَامْشُوا فی مَناکِبِها وَ کُلُوا مِنْ رِزْقِهِ.(۱)

خداوند کسی است که زمین را برای شما رام کرد؛ پس در اطراف آن حرکت کنید و از روزی های خداوند بخورید.

امام علی علیه السلام می فرماید:

هرکس رنج کار کردن نخواهد، به رنج افلاس گرفتار می آید.(۲)

ب) مصرف گرایی

زمانی که روحیه مصرف گرایی در جامعه رواج یابد، یکی از جنبه های مهمی که به نابرابری می انجامد این است که افراد غنی اسراف کار خواهند شد و از فرایض مهم اسلامی مانند زکات و صدقه غافل خواهند شد و این مسئله سبب می شود که فقرا روز به روز فقیرتر شوند، چون از یک سو،

۱- ۱. ملک: ۱۵.

۲- ۲. محمدرضا حکیمی، الحیات، ترجمه احمد آرام، ج ۳، ص ۲۱، برگرفته از: عدالت اجتماعی در اسلام، ص ۴۱.

خودشان اسراف می کنند و از سوی دیگر اغنیا از آن ها حمایت نمی کنند و فاصله طبقاتی تشدید خواهد شد.

ای فرزندان آدم، هنگام رفتن به مسجد، خود را آراسته دارید و از نعمت های خدا بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد. (اعراف: ۳۱)

ج) سوء تدبیر

امام علی علیه السلام در این باره می فرماید:

نداشتن برنامه در زندگی سبب فقر می شود.(۱)

ساختار نامطلوب نظام اقتصادی

اشاره

مهم ترین عامل ایجاد فقر و تضاد طبقاتی و نابرابری های اقتصادی، ساختار ناسالم نظام اقتصادی حاکم بر جوامع و وجود روابط ظالمانه میان افراد است.

الف) مالکیت خصوصی نامحدود

یک _ نظام اجتماعی اسلام با عنایت به نابرابری های اجتماعی و اقتصادی و با توجه به آثار سوء تمرکز ثروت در دست سرمایه داران، ساختار ویژه ای در مسئله مالکیت تدبیر کرده و ضوابطی را برای آن قرار داده است که مهم ترین آن ها عبارتند از:

بخش زیادی از اموال و ثروت های طبیعی مانند جوی، دریاها، رودخانه ها، کوه ها، جنگل ها، دشت ها و... را از دایره مالکیت خصوصی

۱- ۱. نک: الحیات، ج ۴، ص ۴۴۰. برگرفته از: عدالت اقتصادی در اسلام، ص ۴۲.

خارج کرده و همه افراد را با رعایت مصالح اجتماعی که دولت اسلامی تشخیص می دهد، در استفاده و بهره برداری از آن ها یکسان دانسته است.

دو ـ اسلام تحقق مالکیت خصوصی را نه بر مبنای کشف و سلطه، بلکه براساس کار مفید و مشروع می داند؛ مثلاً اگر کسی قصد بهره برداری از معدنی دارد تنها به مقداری مالک می شود که با انجام کار مفید از معدن استخراج می کند.(۱)

سه ـ در بینش اسلامی، مالک حقیقیِ تمام اموال و دارایی ها و امکانات، خداست.

هر آن چه در آسمان ها و هر آن چه در زمین است، از آن خداست و همه کارها به سوی او باز می گردد (به فرمان اوست). (آل عمران: ۱۰۹)

ب) مقابله با آزادی نامحدود در زمینه فعالیت های اقتصادی

یک ـ مبارزه با گران فروشی:

امام علی علیه السلام می فرماید:

معاملات باید آسان، با ترازوهایی صحیح و با قیمت هایی که به هیچ یک از دو طرف ستم نرود صورت گیرد.(۲)

دو ـ جلوگیری از احتکار

سه ـ جلوگیری از انحصار:

امام علی علیه السلام در این باره به فرماندار خود می فرماید:

۱- ۱. همان، ص ۴۴. نک: حشر: ۷.

۲- ۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

در چیزهایی که مردم در آن ها برابرند، از ویژه سازی و انحصارطلبی پرهیز کن.(۱)

چهار ـ مبارزه با خیانت:

در قرآن آمده است: «وَیلٌ لِلْمُطَفِّفین؛ وای بر کم فروشان!» (مطففین: ۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

تاجران خائن بدترین مردمند.(۲)

پنج ـ جلوگیری از مشاغل فاسد و مخرّب:

برای نمونه، تولید کالاهایی مانند مشروبات الکلی، فیلم ها و مجلات مبتذل و... که تولید این گونه کالاها از دو جهت موجب فشار بر اقشار فقیر و پایین جامعه می شود.

از یک سو، مصرف این کالاها عوارض جسمی و روحی به جای می گذارد و هزینه های زندگی را افزایش می دهد. از سوی دیگر، با اختصاص بخشی از منابع تولید به تولید این گروه از کالاها، تولید کالاهای ضروری و مورد نیاز با مشکل مواجه شده و باعث افزایش قیمت آن ها می گردد.

در نظام اقتصاد اسلام با عنوان مکاسب محرمه (شغل های حرام) از اشتغال تولیدکنندگان این نوع کالاها ممانعت می شود.(۳)

ص:۱۰۵

۱- ۱. همان.

۲- ۲. عدالت اقتصادی در اسلام، ص ۴۹.

۳- ۳. عدالت اقتصادی در اسلام، ص ۵۰. نک: امام خمینی علیهم السلام، مکاسب محرمه، ج ۱ و ۲.

ج) توزیع ناعادلانه درآمد

نظام اقتصادی اسلام با اتخاذ تدابیری اقتصاد را به سمت عادلانه شدن توزیع درآمدها کشانده است که مهم ترین آن ها عبارتند از:

یک _ گسترش روابط حقوقی کار:

اسلام در کنار رابطه حقوقی اجاره و گرفتن دستمزد ثابت، برای نیروی کار روش های دیگری چون مشارکت، مضاربه، مزارعه، مساقات و... را مطرح کرد.

دو _ تأکید بر دستمزد عادلانه:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

خداوند هر گناهی را می آمرزد؛ مگر این که کسی دینی بسازد، یا مزد کارگری را عقب کند یا شخص آزادی را به بردگی فروشد.(۱)

د) بی اعتنایی به نیازمندان

در اقتصاد اسلامی، برای این که توانگران به نیازهای افراد فقیر و بی بضاعت توجه کنند و ملزم به انجام آن شوند، دو راه پیش بینی شده است:

یک _ مسئولیت امت:

افراد جامعه اسلامی نسبت به تأمین نیازهای حیاتی همدیگر مسئولیت متقابل دارند که در حدّ دیگر فرایض لازم الاجرا است.(۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

کسی که شب سیر بخوابد، در حالی که همسایه اش گرسنه باشد به من ایمان

۱- ۱. همان، ص ۵۲. نک: الحیات، ج ۴، ص ۴۵۶.

۲- ۲. نک: محمد: ۳۸.

نیاورده است.(۱)

دو ــ مسئولیت دولت

«دولت اسلامی وظیفه دارد با استفاده از منابعی که در اختیار دارد از طریق فراهم کردن زمینه های اشتغال مناسب یا کمک های بلاعوض معیشت شهروندان جامعه اسلامی را در سطح مناسب کرامت انسان تأمین نماید.»(۲)

واقعیت اجتماعی بیانگر این است که وجود اختلاف های گوناگون جسمی و ظرفیت های هوشی و ذهنی و توانایی های فردی، امری طبیعی است. این تفاوت ها در عرصه کار و تلاش اقتصادی به خوبی خود را نشان خواهند داد و پس از مدتی بر مبنای همین تفاوت ها عده ای برخوردار و عده ای دیگر محروم خواهند بود و جامعه به دو طبقه تقسیم می شود. در این رابطه اسلام با برابری درآمد و رفاه و برخورداری مساوی افراد و خانواده ها از امکانات مادی با استفاده از اعمال قدرت و به صورت تحمیلی مخالف است و آن را غیرعادلانه می شمارد؛ زیرا استحقاق افراد براساس توان بدنی و فکری و کارآیی آنان متفاوت است و عدالت اقتضا می کند این تفاوت، در برخورداری های مادی نیز رعایت شود.

از سوی دیگر، اسلام با وجود شکاف طبقاتی در جامعه و پیدایش یک طبقه بسیار مرفّه و برخوردار و ثروتمند در برابر طبقه ای فقیر، محروم و

۱- ۱. نک: عدالت اقتصادی در اسلام، ص ۵۶.

۲- ۲. نک: نهج البلاغه، نامه ۶۶ . نک: الحیات، ج ۴، ص ۴۲۲. نک: اقتصاد صدر اسلام، سیدکاظم صدر، ص ۷۲.

مستضعف هم مخالف است و آن را نیز ناعادلانه می داند و معتقد است اگر عدالت حاکم شود، فقیر و نیازمندی باقی نمی ماند و هر فرد و خانواده ای دست کم استحقاق برخورداری از یک زندگی آبرومند، با رفع همه نیازهای حیاتی و ضروری و حتی مقداری نیازهای رفاهی مطابق با شرایط زمان و مکان دارد و اگر چنین زندگی ای برای همه نیازمندان تأمین شود، ثروتمندان حق دارند در درجات متفاوت برخورداری از زندگی قرار گیرند. بنابراین، تعدیل ثروت به معنای رفع فقر به طور کامل و جلوگیری از انحصار و تمرکز ثروت در دست اغنیاست. اسلام می کوشد در کنار حفظ آزادی اقتصادی و مالکیت خصوصی، با قرار دادن آن در چارچوبی از ارزش ها و مقررات و با استفاده از ابزارهای معین جلوی شکاف طبقاتی را بگیرد و سطح زندگی فقرا را بالا ببرد تا میان آنان و ثروتمندان فاصله عمیق و فاحش وجود نداشته باشد.(۱)

دلایل تعدیل ثروت

«الف) دلیل قرآنی: بنابر مفاد برخی از آیات قرآن، نعمت های الهی در اصل، برای همه انسان ها آفریده شده:

آن چه خداوند از [دارایی] اهل قریه ها به پیامبرش بازگرداند، برای خدا، رسول، خویشاوندان نزدیک، یتیمان، مسکینان و در راه ماندگان است، تا آن که میان

ص:۱۰۸

۱- ۱. مبانی اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، صص ۷۷ و ۷۸.

ثروتمندانتان دست به دست نگردد. (حشر: ۷)

ب) دلیل اقتصادی و اجتماعی: تمرکز ثروت در دست عده ای اندک، همراه با محرومیت اکثریت مردم، موجب پیدایش تضاد و کینه و دشمنی میان دو طبقه است...

ج) دلیل اخلاقی: فاصله ثروت میان غنی و فقیر از سویی موجب فساد ثروتمندان و از سوی دیگر، مایه فساد نیازمندان است. ثروتمندان به روحیه استکباری، خودبزرگ بینی، دور شدن از خدا و خلقِ محروم، خوشگذرانی نامشروع، اسراف و تبذیر و ستم به دیگران روی می آورند و نیازمندان ممکن است برای سدجوع خود به فرومایگی و ذلت تن داده و نزد هر کسی سر فرود آورند.»(۱)

قشربندی اجتماعی از دیدگاه اندیشمندان مسلمان

دیدگاه استاد مرتضی مطهری

اشاره

از دیدگاه استاد مطهری، همه مردم از هر نظر در یک حدّ و یک مرتبه و یک درجه نمی توانند باشند و جامعه خودبه خود مقامات و درجات دارد. از این نظر، مانند یک پیکر است. وقتی که مقامات و درجات دارد، باید تقسیم بندی و درجه بندی شود. راه منحصر، آزاد گذاشتن افراد و فراهم کردن زمینه مسابقه است. همین که پای مسابقه به میان آمد، خودبه خود به دلیل این که استعدادها در همه و فعالیت ها و کوشش ها یکسان نیست، اختلاف و تفاوت به وجود می آید. مقتضای عدالت این است که تفاوت هایی که خواه ناخواه در جامعه وجود دارد تابع استعدادها و لیاقت ها

۱- ۱. مبانی اقتصاد اسلامی، صص ۸۱ _ ۸۲.

باشـد. مقتضـای عـدالت مسـاوات و برابری در شـرایط حقوقی مسـاوی است، نه در شـرایط نامعلومی؛ یعنی نبایـد میان شـرکت کنندگان در یک مسابقه علمی در غیر آن چه مربوط به اسـتعداد و هنر و لیاقت است فرق گذاشـته شود، مثلاً یکی سفید است و یکی سـیاه، یکی اشـراف زاده است و یکی فرزند یک فقیر، یکی توصـیه و پارتی دارد و یکی ندارد و... آن چه نباید ملاک قرار گیرد این امور است. اگر اسـتعدادها و لیاقتی را نادیده بگیریم و به همه نمره و امتیاز مساوی بدهیم ظلم کرده ایم. در واقع این است معنای آن جمله که در تعریف عدالت گفته اند:

«اَلْعدالهُ اِعطاءُ کلِ ذی حَقٍّ حَقَّه؛ عدالت این است که هر ذی حقی به حق خود برسد.»

در واقع، این معنای کلام امام علی علیه السلام است. که فرمود: «العدلُ تَضعُ الْامورَ مواضعها؛ عدل هر چیزی را در جای خود و محل خود قرار می دهد».

برابری این است که برای همه افراد امکانـات برابر فراهم شود؛ زمینه فعالیت برای همه به طور مساوی فراهم باشـد تا اگر کسـی همت داشته باشـد در هر مکان و در هر طبقه ای که هست، بتواند در پرتو لیاقت و اسـتعداد و بروز فعالیت، به کمال لایق خود برسـد. حالا ـ هرکس کوتاهی کرده خودش کرده، هرکس کوتاهی نکرد، نتیجه اش را می برد. برای نمونه، امکان تحصـیل در درجـات متفـاوت آن بایـد برای همه فراهم باشـد. تبعیض و تفـاوت نـاروا این است که امکانات و شـرایط عمل برای همه افراد مساوی نباشد.

حقیقت این است که جـامعه عـادل، جـامعه ای که قـانون مسـاوات و برابری بر آن حکم فرمـاست، جامعه ای است که نخست، امکانات مساوی برای همه

افراد فراهم می کند، و دوم این که با عدالت رفتار می کند، یعنی در عمل، با افراد به گونه ای رفتار می کند که به طور معمول در یک مسابقه علمی و قهرمانی صحیح رفتار می شود.(۱)

استاد مطهری دلایلی برای پاسخ به این پرسش که آیا درست است همه مردم از سطح زندگی مشابه و مطلوبی برخوردار باشند، می افزاید:

«اولاً این گونه عدالت امکان پذیر نیست. از این نظر که بعضی ازموجبات سعادت چیزهایی است که در اختیار ماست و بعضی دیگر در اختیار ما نیست و نمی توانیم برابر بکنیم... ثانیا ظلم و تجاوز است و عدالت نیست، ثالثا اجتماع خراب کن است ؛ زیرا در طبیعت میان افراد تفاوت است.»(۲)

شهید مطهری، عدالت با تعریف صحیح را این می داند که مساوات و برابری در برابر قانون صورت می گیرد؛ یعنی افراد بشر را به یک چشم نگاه کند. قانون نباید میان افراد تبعیض بگذارد، بلکه باید رعایت استحقاق ها را بنماید. به عبارت دیگر، افرادی که از لحاظ خلقت در شرایط مساوی هستند، قانون باید با آن ها به مساوات رفتار بکند، ولی افرادی که خودشان در شرایط مساوی نیستند، قانون هم نباید با آن ها مساوی رفتار بکند، بلکه باید مطابق شرایط خودشان با آن ها رفتار بنماید.(۳)

استاد مطهری بر این باور است که اگر حقوق مردم محفوظ و جامعه

۱- ۱. بیست گفتار، صص ۱۰۸ _ ۱۱۴.
۲- ۲. عدالت اجتماعی از دیدگاه شهید مطهری، اندیشه صادق، شماره ۶ و ۷، بهار و تابستان ۱۳۸۱، ص ۲۴.
۳- ۳. مرتضی مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، ج اول، ص ۳۱۳.

عـادل و متعـادل باشـد و تبعیض، محرومیت و احساس غبن در مردم نباشـد، عقایـد و اخلاق پاک، صـفای قلب و اعمال خوب بیش تر می شود.(۱)

تأثیرات نابرابری به صورت ناعادلانه از دیدگاه شهید مطهری

الف) تأثیر در افکار و عقاید

استاد مطهری یکی از تأثیرات بی عدالتی اجتماعی در افکار را بدبینی نسـبت به روزگار به عنوان شـکایت از روزگار و دشنام ها و فحش هایی که در آثار ادبی نسبت به آن داده شده می داند.(۲)

ب) تأثیر در اخلاق فردی

در مرحله دوم، شـهید مطهری، نابرابری اجتماعی را تأثیرگذار در اخلاق فردی مردم، البته به جز افراد استثنایی (پیامبران و ائمه) می داند. در مورد این تأثیر می فرماید:

«... اما دیگر افراد مردم... تبعیض ها، تفاوت گذاشـتن ها، روح یک عـده را که محروم شـده انـد فشـرده و آزرده و کینه جو و انتقام کش می کند و روح یک عده دیگر که به صورت عزیز بلاجهت درآمده اند، لوس و کم حوصـله و زودرنج و بیکاره و اسراف کن می کند.»

شهید مطهری معتقد است که اخلاق عادل و متعادل تنها در پرتو

۱- ۱. بیست گفتار، ص ۷۸.

۲- ۲. نک: بیست گفتار، ص ۸۳ . نک: اندیشه صادق، عدالت از دیدگاه شهید مطهری، ص ۲۷.

جامعه ای متعادل و موزون شکل می گیرد. ایشان نتیجه بی عدالتی و تبعیض را نه تنها در طبقه عوام که محروم بوده اند، بلکه در طبقه خواص که از مواهب آن برخوردار بوده اند نیز ذکر می کند:

«اثر عدم تعادل اجتماعی تنها در رابطه عامه مردم نیست که محرومند، طبقه خاصه یعنی طبقه ممتاز که مواهب را بیش تر به خود اختصاص داده اند هم زیان می برند. طبقه عامه فشرده و عصبی می شوند و این طبقه بیکاره و بی هنر و کم استقامت و ناشکر و کم حوصله و پرخرج [است].(۱)

ج) تأثیر در رفتار عمومی

استاد مطهری، یکی از علل به وجود آورنده فقر را در جامعه بی عدالتی می داند و این مورد را نیز یکی از پی آمدهای نبود عدالت اجتماعی در رفتار عمومی برمی شمارد که آثار بسیار سویی در جامعه دارد.

از سوی دیگر، شهید مطهری برقراری عدالت اجتماعی را ایجاد وحدت در میان مردم عنوان می کند. وی با حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که می گوید «معتدل و هم سطح باشید و در میان شما ناهمواری ها و تبعیض ها وجود نداشته باشد تا دل های شما به هم نزدیک شود و در یک سطح قرار بگیرد»، می افزاید: «اگر در کارها و موهبت ها و نعمت های خدا بین شما شکاف و فاصله افتاد، بین دل های شما قهرا فاصله می افتد، آن وقت دیگر نمی توانید همدل و همفکر باشید و در یک صف قرار بگیرید. قهرا در دو صف قرار خواهید گرفت.»(۲)

شهید مطهری یکی از راه های تحقق عدالت در جامعه را توجه به

۱- ۱. نک: بیست گفتار، ص ۸۹.

۲- ۲. اندیشه صادق، عدالت اجتماعی از دیدگاه شهید مطهری، ص ۲۸. نک: بیست گفتار.

قابلیت ها و دوری از تبعیض و ظلم در صورت وجود قابلیت های مشابه و برابر می دانـد. ایشان در این باره به مفهوم مسابقه بقا در مقابل تنازع بقا در شرایط مساوی برای همگان اشاره می کند.(۱)

«اسـتاد مطهری ایمان و معنویت اسلامی را به عنوان پشتوانه اجرای عدالت اجتماعی مطرح می کند. ایشان توضیح می دهد که اسـلام می خواهـد اشتراک در روح هـا به وجود آورد؛ یعنی روح هـا بـا هم یکی شونـد. مردم به حکم بلوغ روحی و به حکم عاطفه انسانی و به حکم اخوت اسلامی با میل و رضا و برادری تبعیض ها و پرکردن شکاف ها پیش قدم شوند.»(۲)

در مورد عدالت اجتماعی، استاد مطهری می گوید:

«اگر پـذیرفته باشـیم که انقلاب ما انقلابی ماهیتا اسـلامی است؛ یعنی جامع تمام مفاهیم و ارزش ها و اهداف در قالب و شـکل اسـلامی [است]، در این صورت این انقلاب به شـرطی در آینـده محفوظ خواهـد مانـد و به شـرطی تداوم پیدا خواهد کرد که قطعا و حتما مسـیر عدالت خواهی را برای همیشه ادامه بدهد؛ یعنی دولت های آینده واقعا و عملاً در مسیر عدالت اسلامی گام بردارند، برای پرکردن شـکاف های طبقاتی اقدام کنند، تبعیض ها را واقعا از میان بردارند و برای برقراری یک جامعه توحیدی به مفهوم اسلامی آن تلاش کنند... من تأکید می کنم اگر انقلاب ما در مسیر برقراری عدالت اجتماعی به پیش نرود، مطمئنا به نتیجه نخواهد رسید و این خطر هست که انقلاب دیگری با ماهیت دیگری جای آن را بگیرد.»(۳)

۱- ۱. همان، ص ۲۸.
۲- ۲. نک: همان، صص ۲۸ ـ ۳۰. مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، قم، صدرا، چاپ ۱۶، ص ۱۵۹.
۳- ۳. پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۱۵۶ .

دیدگاه امام خمینی رحمه الله در زمینه قشربندی اجتماعی

بررسی جامع دیدگاه ها و فرمایش های حضرت امام رحمه الله در زمینه اقتصادی، اجتماعی و... تحقق عدالت اجتماعی را تأیید می کند. و در عین حال، بر اصولی که به عدالت اجتماعی تأکید دارند، پافشاری می کند. برای نمونه، می توان بخش های زیر را از فرمایش های ایشان، در این موارد در نظر گرفت.

«ارایه طرح ها و اصولاً تبیین جهت گیری اقتصادی اسلام در راستای حفظ منافع محرومین، گسترش مشارکت عمومی آنان و مبارزه اسلام با زراندوزان، بزرگ ترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی به شمار می رود.»(۱)

«مطمئن باشید، آن چه صلاح جامعه است در بسط عدالت و رفع ایادی ظلم و تأمین استقلال و آزادی و جریانات اقتصادی، تعدیل ثروت به طور عاقلانه و قابل عمل و عینیت در اسلام، به طور کامل می باشد و محتاج به تاویلات خارج از منطق نیست.»(۲)

«حضرت امام رحمه الله اعتقاد دارند، اگر امت اسلامی سازماندهی اصولی و دقیق کند و اقتصاد برنامه ای را در سایه اسلام و احکام اسلامی پیدا نماید و جهت گیری های کلی و اساسی را به نفع پابرهنگان تاریخ و فقر و

۱- ۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۲۸.

۲- ۲. همان، ج ۲، ص ۱۸.

محرومیت زدایی انجام دهد و در جاهای کلیدی، افرادی صالح و کاردان و مورد اعتماد قرار گیرند، مسلمین با اعتماد نفس و اتکال به خدای عالم روی پای خودشان بایستند و از ذخایر و منافع غنی انسانی و غیرانسانی بهره برداری نمایند، در پرورش استعدادها و رشد ثروت ملی و افزایش درآمدها و توان کافی و قوه اقتصادی، موفقیت های چشم گیری را به دست خواهند آورد و از شرارت ها و سلطه طلبی های دنیای استکبار و سرمایه داران داخلی و خارجی رهایی خواهند یافت، از قطب بندی های خطرناک موجود دور خواهند بود و تبعیض ها و نابرابری های خانمان سوز را از بین خواهند برد.»(۱)

امام خمینی رحمه الله با صراحت می فرماید: «جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست. جنگ ما جنگ فقر و غنا بود، جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد.»(۲) و رسیدن به عدالت اجتماعی و از میان بردن قشربندی به سادگی امکان پذیر نیست؛ مگر این که:

الف) «ثروتمندان، هرگز به خاطر تمکن مالی خود نباید در حکومت و حکمرانان و اداره کنندگان کشور اسلامی نفوذ کنند و مال و ثروت خود را بهانه فخرفروشی و مباهات قرار بدهند و به فقرا و مستمندان و زحمتکشان افکار و خواسته های خودشان را تحمیل کنند و در نتیجه به طور همیشه

---

۱ – ۱. منتخبی از مقالات اولین کنگره بررسی اندیشه های اقتصادی امام خمینی علیهم السلام، ناشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیهم السلام، ۱۳۷۴، ص ۶۴ .

۲– ۲. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۴.

عده ای در فقر و تنگدستی و گرسنگی و در انتظار مرگ بنشینند و گروهی اندک زالوصفت با تسلط و به جیب زدن درآمدها و دسترنج پابرهنگان عالم در عیش غوطه ور گردند...»(۱)

ب) «مدیران و کارگزاران و رهبران و روحانیون نظام و حکومت عدل موظفند که با فقرا و مستمندان و پابرهنه ها بیش تر حشر و نشر و جلسه و مراوده و معارفه و رفاقت داشته باشند تا متمکنین و مرفهین.»(۲)

ج) «سیاست گذاری و تنظیم برنامه های تولید و توزیع و افزایش درآمدها و قرار دادن امکانات باید به نفع عامه مردم برای دفاع از محرومین و جبران کمبودها و سرمایه گذاری برای محرومیت زدایی انجام شود.»(۳)

دیدگاه امام خمینی رحمه الله درباره قشربندی و نابرابری بین انسان ها این نتیجه را می گیریم که تأکید حضرت امام رحمه الله بر جنگ فقر و غنا با استناد به آیات قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلاماست که ایشان اصل جنگ میان فقر و غنا را مقدمه انسان سازی می داند و اظهار می نماید که این موضوع از بسیاری از مفاسد اجتماعی جلوگیری می کند. جنگ فقر و غنا، همان جنگ حق و باطل است.

«جنگ فقر و غنا قدردانی از مستضعفین است که در طول تاریخ در کنار

ص:۱۱۷

۱- ۱. همان، صص ۱۲۸ _ ۱۲۹.

۲- ۲. همان، ص ۱۲۹.

۳- ۳. منتخبی از مقالات اولین کنگره بررسی اندیشه های اقتصادی امام خمینی علیهم السلام، صص ۶۵ _ ۶۶.

انبیا و اولیا جنگیده اند، انقلاب اسلامی را به پیروزی رسانده اند.»(۱)

دیدگاه دکتر علی شریعتی در زمینه نابرابری ها و قشربندی اجتماعی

عدالت در دیدگاه شریعتی

اهمیت و اصالت عدالت در اندیشه دکتر شریعتی به اندازه ای است که او عدالت را از ویژگی های بنیادین اسلام و تشیع می دانست و تأکید می کرد که اقبال عمومی مردم ایران به اسلام به خاطر پیام عدالت و ظلم ستیزی نهفته در آن بود. او هویت و شخصیت تشیع را با عدالت و امامت؛ یعنی برابری و حکومت بر حق، یکی می دانست.(۲)

دکتر شریعتی با توجه به روش تحلیل خاص جامعه شناسی اش، در تعریف مفهوم عدالت بر مفهوم طبقه تأکیدی خاص دارد: «عدالت به معنای برابری طبقاتی، نفی استثمار فرد از فرد و طبقه از طبقه، نفی تضاد و تبعیض اقتصادی، حقوقی و اجتماعی... نیاز بزرگ کشورهای اسلامی در دنیا و جهان سوم است.»(۳)

۱- ۱. جنگ فقر و غنا، جنگی مشروع، مقدس و دائمی، مصطفی، کواکبیان، (منتخبی از مقالات اولین کنگره بررسی اندیشه های اقتصادی امام خمینی علیهم السلام، ص ۳۴۲.

۲- ۲. علی شریعتی، مجموعه آثار، ج ۲۶، ص ۴۴۶.

۳- ۳. علی شریعتی، علی علیه السلام، مجموعه آثار، تهران، انتشارات نیلوفر، چاپ دوم، ۱۳۶۲، ص ۲۳۵. نک: بررسی مقایسه ای مفهوم عدالت از دیدگاه مطهری، شریعتی، سیدقطب، علیرضا، مرامی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۸، ص ۱۳۶.

او در جای دیگری با تصریح و تأکید بیش تری گفته است: «عدالت، عبارت است از تکیه بر اصل برابری طبقاتی و برابری حقوق انسانی براساس نظامی که زیربنایش توحید است و روبنایش عدل جهانی.»(۱)

دکتر علی شریعتی در کتاب امت و امامت در تعریف طبقه اجتماعی گفته است:

«افرادی از انسان که دارای زندگی یا شکل و کار و درآمدی همانند و مشابه اند، یک طبقه را تشکیل می دهند. افرادی که در یک طبقه قرار می گیرند، در شکل کار و زندگی و اندازه برخورداری از جامعه و درآمد با یکدیگر مشابه اند. این ها یک واحد و یک گروه مجتمع را درست می کنند؛ یک Class Sociale. پس، پیوند این ها در اشتراک کار و درآمد یا شکل زندگی و به ویژه وضع پایگاه اجتماعی است».(۲)

بنابراین، دکتر شریعتی عدالت را برابری طبقاتی می داند و نوعی رابطه زیربنا و روبنا بین توحید و عدل برقرار می کند.(۳)

یکی از جنبه های دیگر برابری از دیدگاه شریعتی، برابری در آزادی است. دکتر شریعتی که مدافع عدالت و برابری به مفهوم رادیکال آن بود، نابرابری را خطری برای آزادی به شمار می آورد و به همین دلیل و برای برخورداری مردم از آزادی، از برابری اقتصادی و مالکیت اجتماعی و از بین بردن مالکیت خصوصی و فردی دفاع می کرد. در اندیشه دکتر شریعتی، عدالت جایگاهی بس ممتاز دارد و در این میان برابری اقتصادی نیز جایگاهی برابر با عدالت دارد. از طرف دیگر، مخالفت دکتر شریعتی با

۱- ۱. مجموعه آثار ج ۲۶، صص ۲۳۴ _ ۲۳۵.

۲- ۲. علی شریعتی، امت و امامت، بی جا، بی تا، ص ۳۵.

۳- ۳. بررسی مقایسه ای مفهوم عدالت، ص ۱۱۴.

سرمایه داری را نیز می توان در راستای عدالت خواهی و به ویژه در ابعاد اقتصادی آن بررسی کرد. او در کار تصفیه و استخراج فرهنگی نیز، بر اهمیت مقوله هایی مانند زکات، نفقه، انفاق و... تأکید می کند.(۱)

یکی دیگر از مصداق ها و شاخص های عدالت در اندیشه دکتر شریعتی، برابری نژادی است. مسئله تبعیض نژادی و برتری برخی از نژادها بر برخی دیگر، مسئله ای است که از دیرباز در تاریخ بشر مطرح بوده است. گذشته از تأکید بر برابری نژادی که در تعریف عدالت از نظر دکتر شریعتی آمده، بخش هایی از نوشته های او می توانند گواه بر دیدگاه او در زمینه های برابری های نژادی باشند:

«... در افریقا بزرگ ترین عاملی که اسلام را در میان سیاه پوستان نفوذ می دهد، برابری نژادی اش است؛ یعنی نژاد سیاه که از تبعیض نژادی رنج می برد و شکنجه می بیند می بیند که در اسلام برابری نژادی مطرح است. بنابراین، به اسلام گرایش پیدا می کند. شعار برابری نژادی اسلام، اولین شعاری است که سیاه پوست را به [سوی]خود می کشاند.»(۲)

به هر حال، از نظر دکتر شریعتی، عامل جذب کننده سیاه پوستان به اسلام، صرف نظر از دو گونه تلقی خاص برابری نژادی، احترامی است که اسلام برای همه انسان ها، فارغ از رنگ و نژاد و... قایل است.»(۳)

۱- ۱. نک: همان، صص ۱۴۴ _ ۱۴۶.

۲- ۲. مجموعه آثار ۲۶، صص ۴۲۹ _ ۴۳۰.

۳- ۳. بررسی مقایسه ای مفهوم عدالت، صص ۱۵۲ _ ۱۵۳.

مقایسه دیدگاه اسلامی و غربی در مورد نابرابری های اجتماعی

الف) مقایسه دیدگاه اسلام و سرمایه داری در مسئله مالکیت:

باید توجه کرد که راه های تملک و مالکیت در اسلام دو چیز است: یکی کار و دیگری نیاز. انسان در پرتو کار و تلاش می تواند مالک محصول خود شود و از آن طریق خود را به سطح مطلوب زندگی اجتماعی برساند. یکی دیگر از راه های مشروع تملک، نیاز است؛ به این معنا که افراد نیازمند و ناتوان از کار حق دارند که از محصولات مختلف (طبیعی و غیرطبیعی) بهره ببرند و جامعه موظف است که به اقتضای عدالت در کلیت خود ادای تکلیف و او را تأمین کند تا فاصله طبقاتی در جامعه از میان برود یا دست کم کاهش یابد.

«این نظر ارزشمند اسلامی، درست در مقابل نظام سرمایه داری قرار دارد که تنها وسیله مالکیت را «کار» می داند. به طوری که در نظام سرمایه داری، افراد نیازمند، چنین حقی را ندارند.»(۱)

برداشت های مختلفی از عدالت اجتماعی در مکاتب مختلف وجود دارد. استاد مطهری که وظیفه خود را دفاع از اسلام و عرصه های مختلف می دانست، آن دیدگاه ها را با دیدگاه اسلام مقایسه و تفاوت ها را اعلام کرده است. استاد برداشت سوسیالیسم از عدالت اجتماعی را این گونه بیان می کند:

۱- ۱. حسین حاجی حسینی، عدالت اجتماعی در دیدگاه امام علی علیه السلام، ص ۲۱۱.

«یک عده تصورشان از عدالت اجتماعی این است که همه مردم درهر وضع و شرایطی هستند و هر جور در جامعه عمل می کند و هر استعدادی دارند، این ها باید عینا مثل یکدیگر زندگی کنند. از دید این دسته همه افراد در واقع نوعی جیره بندی می شوند. همه باید به اندازه استعدادشان کار کنند، ولی هرکس به اندازه احتیاجش باید درآمد داشته باشد.»(۱)

«شهید مطهری این برداشت از عدالت اجتماعی را اجتماعی محض می داند که فقط روی جامعه فکر می کند. فرد در این بینش اصالتی ندارد. استاد عیب این دیدگاه را این می داند که نوعی استثمار است؛ آن هم استثمار و پایمال کردن حقوق فرد برای جامعه.

استاد برداشت سرمایه داری از عدالت را نیز این گونه بیان می کند: نوع دیگر برداشت از عدالت اجتماعی برداشتی است که روی فرد و اصالت و استقلال او فکر می کند. این نظر می گوید، باید میدان را برای افراد بازگذارد و جلوی آزادی اقتصادی و سیاسی آن ها را نباید گرفت. هرکس باید کوشش کند [و] ببیند چقدر درآمد می تواند داشته باشد و آن درآمد را به خود اختصاص می دهد. دیگر به فرد مربوط نیست که سهم دیگری کم تر است یا بیش تر.»(۲)

نقد این دیدگاه:

«سرمایه داری از آن جهت محکوم است که در بطن خود استثمار را پرورش می دهد. سرمایه داری تمام بهره را به سرمایه اختصاص می دهد و این امر ایجاد

۱- ۱. نک: پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۱۵۰.

۲- ۲. نک: پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۱۵۰.

نابرابری می کند.»(۱)

استاد مطهری به درستی به این نتیجه رسیده بود که اشتباه هر گروه در منشأ برداشت آن ها از عدالت اجتماعی است. استاد براین باور است که از نظر اسلام هم فرد اصالت دارد و هم جامعه. اسلام در مورد کار افراد، مالکیت فرد را معتبر می شمارد و در آن جا که پای کار افراد و اشخاص در میان نیست، مالکیت را جمعی می داند.(۲)

باید دانست که یکی از تفاوت های نگاه اسلامی با دیدگاه لیبرالیستی در مورد عدالت اقتصادی آن است که در نگاه اسلامی، نیاز به وحی از ارکان زندگی اجتماعی (و فردی) است. در دیدگاه اسلامی، قابل فرض نیست که جامعه ای بتواند بدون تعالیم وحی لحظه ای در مسیر صحیح قدم بگذارد. اصلاً ساختار زندگی اجتماعی به گونه ای است که از همان آغاز با وجود یک انسان در کره زمین حتما تعالیم الهی در کنارش باشد. چون زندگی تحت رهبری انبیا علیهم السلام انسان را با پیچ و خم های زندگی اجتماعی (و فردی) آشنا می کند.(۳)

«به طور فشرده دیدگاه اسلام از دو جهت در زمینه عدالت طلبی با مکاتب غربی اختلاف نظر دارد: یکی از لحاظ مخالفتی است که با

۱- ۱. همان، ص ۱۵۱. نک: اندیشه صادق، شماره ۶ و ۷، ص ۲۵.

۲- ۲. نک: مرتضی مطهری، نظری به نظام اقتصاد اسلامی، تهران، انتشارات صدرا، چاپ ۸، سال ۱۳۷۸، صص ۵۵ _ ۵۹.

۳- ۳. نک: عدالت اقتصادی از دیدگاه علی علیه السلام، فصلنامه حوزه و دانشگاه، سال هفتم، ص ۱۵۱؛ نک: مجموعه آثار، مرتضی مطهری، قم، صدرا، ج ۷، صص ۱۱۸ _ ۱۲۲ و پی نوشت صص ۱۱۹ _ ۱۲۰.

نظریه هـای افراطی لیـبرالیسم در زمینه آزادی هـای فردی از یـک سو و سوسـیالیسم در افراط نسـبت به جمع گرایی و تحقیر و اختنـاق و تضـعیف نیروهـا و ابتکـارات فردی از سوی دیگر داریم. مـا این دو راه را پرتگـاه انسانیت به حساب می آوریم و در محاسبات سیاسی هر دو مکتب را عملاً محکوم و مردود می دانیم...

دوم از این نظر که همه مکـاتب در عمل دیـدگاه پراگماتیسم دارنـد و عمل گرایی را با منفعت طلبی اومانیسم توأم کرده انـد. آن هـا عـدالت را صـرفا از روزنه منـافع و برداشت های خود ـ اعم از شخصـی یا جمعی ـ می نگرنـد و واقعیتی برای عـدالت اجتمـاعی نمی اندیشـند و به جـای این که عـدالت را هـدف قرار دهنـد، تمایلاـت شخصـی و هوس های نفسانی خود را با فرم اومانیستی مقصد اصلی قرار می دهند؛ یعنی از طرح عدالت اجتماعی، تنها قصد منفعت طلبی دارند.»(۱)

در اسـلام مؤلفه ها و اصول زنـدگی و تـداوم انسان ها چنان زیبا طراحی شـده است که اگر به آن ها جامه عمل پوشانده شود، معضل نابرابری ها و قشربندی.

ب) توزیع ناعادلانه ثروت:

اشاره

اجتماعی و اقتصادی در جامعه رفع خواهد شد.

یکی از مسایلی که به افزایش نابرابری های اجتماعی و اقتصادی و ایجاد

ص:۱۲۴

۱- ۱. جمال الدین موسوی، عدالت اجتماعی در اسـلام، تهران، مؤسـسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۰، صص ۲۲۱ ـ ۲۲۲.

شکاف طبقاتی می انجامد ــ البته در سطحی ناعادلانه و دور از حق ــ مسئله توزیع نابرابر و ناعادلانه ثروت و قدرت است که در این زمینه دیدگاه اسلام را با دیدگاه های غربی مقایسه می کنیم:

مبانی نظری توزیع

۱. اقتصاد سرمایه داری

«این اقتصاد از اساس بر پایه مالکیت خصوصی استوار است؛ ازاین رو، توزیع نیز بر مبنای مالکیت قرار دارد؛ پس مالکیت خصوصی هم ابزار تولید و هم ابزار توزیع به شمار می رود. در چنین نظام اقتصادی به این دلیل تفاوت فاحش در مالکیت ابزار تولید مهم ترین پدیده اختلاف شدید درآمده است.»

«طبیعی است که در چنین نظام اقتصادی، اقلّیتی میلیاردر در رفاه و اشرافیّت زندگی کنند و در افزایش تورّم و گسترش تولید کالاهای لوکس بکوشند، در حالی که اکثریتی زحمت کش به سختی زندگی کنند و برخی از آنان زیر فشار محرومیت و فقر خفّت بار پایمال شوند.»

۲. اقتصاد سوسیالیستی

قوام این اقتصاد بر پایه مالکیت عمومی است، حال چه به صورت مالکیت دولتی، چنان که در روسیه و چه به صورت مالکیت جمعی یاگروهی، چنان که در یوگسلاوی (سابق) وجود داشت؛ یعنی مالکیت منابع و مزارع در انحصار کسانی باشد که در آن صنایع و مزارع کار می کنند. بنابراین، توزیع سوسیالیستی مبتنی بر کار است؛ یعنی کار، هم ابزار تولید و

هم ابزار توزیع است. در چنین اقتصادی نیز به سبب اختلاف استعدادهای فکری و جسمی اختلاف درآمد وجود دارد و ممکن است این اختلاف شدید باشد.

۳. اقتصاد کمونیستی

«کمونیسم، مرحله نهایی و بلوغ مکتب سوسیالیسم به شمار می آید. این اقتصاد، بر تولید انبوه مبتنی است؛ یعنی در این مرحله، تولیدات جامعه به حدّ وفور رسیده (مانند آب و هوا) به گونه ای که همه نیازهای انسان ها برآورده می شود. بنابراین، اساس توزیع در این نظام، نیاز انسان است پس به هر کس به اندازه نیازش داده می شود.»

۴. اقتصاد اسلامی

«این اقتصاد بر سه پایه استوار است: نخست «حدّ کفایت» نه «حدّ کفاف» برای همه افرادی که در جامعه اسلامی (با قطع نظر از جنسیت و دین آنان) زندگی می کنند. تضمین «حد کفایت» مانند حقّی الهی است که دولت وظیفه دارد آن را برای همه افراد تضمین کند. پایه دوم و سوم این اقتصاد کار و مالکیّت است. بنابراین، توزیع اسلامی نخست بر اساس تضمین «حد کفایت» سپس کسب درآمد از طریق کار و مالکیّت است. در چنین اقتصادی هیچ فردی به واسطه امری خارج از اراده خودش گرسنه و محروم نمی ماند، البته تفاوت در درآمدها به سبب تفاوت در استعدادها و توانایی های جسمی و روحی که نمود آن در کار ومالکیت است، وجود خواهد داشت. امّا این تفاوت و اختلاف به گونه ای قانونمند است که در توازن اقتصادی میان جامعه خللی پدید نمی آورد و اجازه نمی دهد جامعه،

طبقاتی شود یا افراد مورد ستم قرار گیرند.»(۱)

دیدگاه اسلام درباره علت و منشأ مشکلات اقتصادی که به نابرابری اقتصادی و اجتماعی می انجامد، با دیدگاه سرمایه داری و سوسیالیسم متفاوت است. در نتیجه، راه حل اسلام برای حلّ مشکل نیز متفاوت خواهد بود.

در اقتصاد سرمایه داری، فقیران منشأ خود مشکل اقتصادی به شمار می آیند که یا به دلیل تنبلی آنان یا به دلیل بهره برداری بد از طبیعت یا کمی منابع درآمد است؛ پس مسئله فقر از این دیدگاه از اساس به کمبود تولید مربوط می شود. در مقابل، نظام اقتصادی سوسیالیستی علت و منشأ مشکل اقتصادی را ثروتمندان می داند؛ به دلیل این که آنان اموال و امکانات جامعه را به خود اختصاص می دهند و خود را بر اکثریت و قشر زحمتکش جامعه مقدّم می دانند، در نتیجه سبب ایجاد تضاد میان نیروهای تولید و روابط توزیع می شوند. بنابراین، مسئله فقر و قشربندی و ایجاد طبقه های اجتماعی در این دیدگاه به دلیل بدی توزیع است.

ولی از دیدگاه اسلام، منشأ ایجاد قشربندی در جامعه و مشکلات اقتصادی نه در کمبود منابع و مالکیّت خصوصی، بلکه در عوامل زیر است:

۱. کوتاهی در بهره برداری از منابع طبیعت:

وَ إِن تَعُدُّوا نِعمَتَ اللّهِ لا تُحْصُوها اِنَّ الْاِنسانَ لَظَلُومٌ کَفّارُ. (یس: ۴۷)

و اگر بخواهید نعمت های الهی را محاسبه کنید، به این کار توانا نیستید، به درستی

۱- ۱. اقتصاد اسلامی، سال دوم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۸۱، صص ۱۴۰ _ ۱۳۷.

که انسان بسیار ستمگر و ناسپاس است.

۲. زیاده طلبی ثروتمندان و توزیع نادرست ثروت:

وَ إِذَا قیلَ لَهُم أنْفقُوا مِمَّا رَزَقَکُمُ اللّهُ قالَ الَّذینَ کَفرُوا لِلَّذِیَنِ آمَنُوا أَنُطْعِمُ مَنْ لَوْ یَشَاءُ اللّهُ أَطعَمَهُ إنْ أَنتُمْ إلاَّ فی ضَلالٍ مُبین. (ابراهیم: ۳۴)

و هنگامی که به آنان گفته می شود از آن چه خدا به شما روزی داده است، انفاق کنید، آنان که کافر شدند، به آنان که ایمان آوردند می گویند: آیا کسانی را اطعام کنیم که اگر خدا می خواست، آنان را روزی می داد. شما به طور قطع در گمراهی آشکار به سر می برید.

امام علی علیه السلام می فرماید:

فقیری گرسنه نماند، مگر به واسطه پرخوری توانگر.(۱)

«بنابراین، مشکل اصلی فقر و نابرابری های اقتصادی و بی عدالتی به خود انسان و نظام اقتصادی فاسد _ نظام تولیدی نامناسب یا نظام توزیعی نادرست _ که خودش پدید آورده برمی گردد.

بر این اساس، اسلام رشد تولید همراه با توزیع مناسب و عادلانه را ضروری دانسته است؛ زیرا این دو از یکدیگر بی نیاز نیستند.»(۲)

در پایان باید گفت:

دیگر مکتب های اقتصادی نیز هدف حقوقی جامعه را تأمین مصالح اجتماعی دانسته اند، با این تفاوت که مکتب اسلام افزون بر تکاپو و تلاش

۱- ۱. نک: نهج البلاغه، دارالمعرفه، بیروت، بی تا، ج ۳، ص ۱۰۱.
۲- ۲. نک: شوقی الفنجری، فصلنامه اقتصاد اسلامی، صص ۱۴۲ _ ۱۴۴.

برای تـأمین مصالـح اجتمـاعی هـدف نهـایی جامعه را تکامل معنوی انسان ها و تقرّب به درگاه الهی می دانـد؛ در صورتی که مکتب هـای غیرالهی به دلیـل اعتقـاد نداشـتن به جهان آخرت و اکتفا به برنامه ریزی برای زنـدگی کوتاه دنیوی، تأمین مصالح اجتماعی را هدف نهایی می دانند.

ازاین رو، می توان به رابطه تنگاتنگ حقوق و اخلاق در مکتب اسلام پی برد.(۱)

«زیرا نظام حقوقی اسلام زیر مجموعه نظام اخلاق است و رعایت کامل احکام و قواعد حقوقی در صورتی که با نیّت خالص و به قصـد نیـل به کمـال و سـعادت یعنی تقرّب به خـدا انجـام پـذیرد، نوعی اطـاعت از تکالیف اخلاقی محسوب می گردد. این رابطه، موجب معیار قرار گرفتن عدالت و جلوگیری از هرگونه ظلم و اجحاف در فقه اسلامی شده است و همه احکام و قواعد فقهی با توجّه به این اصل تنظیم گردیـده انـد، قواعـدی چون قاعده لاضـرر یا احکام مالکیت عوامل تولیدی، تولیدوتوزیع و... همه بر محور عدالت و رعایت استحقاق ها می باشد.»(۲)

پی آمدهای دیدگاه اسلام درباره قشربندی اجتماعی

اشاره

یکی از تفاوت های حقوق اساسـی انسان ها از دیـدگاه اسـلامی و غیراسـلامی، در خاسـتگاه این حقوق است. با غفلت از خدا هیچ حقی قابل

ص:۱۲۹

۱- ۱. مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، ص ۱۷۰. نک: اقتصادنا، ص ۳۵۷.

۲- ۲. مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، ص ۱۷۰.

دفاع عقلانی نیست. اگر ما همه چیز را از خدا بدانیم و خود را تسلیم اراده او قرار دهیم و حضرت حق برای مردم حقی در نظر بگیرد، مراعات حق او بر تملک عادلانه ما مقدم خواهد بود.

«حضـرت علی علیه السـلام در خطبه سوم نهج البلاغه در جمله «و لاشـغب مظلوم» اشاره می کند که اگر مظلومی گرسنه باشد، دانایان نباید آرام بگیرند. ترکیب گرسـنه بودن و مظلوم واقع شدن شاید دلالت می کند که شخص مظلوم ظلم را یاری کرده و با سکوت خود نیز آن را پذیرفته است و در عین حال که مظلوم است گرسنه نیز می باشد. از این جمله برمی آید که گرسنگان مظلوم حقی دارند که باید دولت اسـلامی آن را از ظالمان بازپس گیرد. هم چنین حضـرت علی علیه السلام در جای دیگر می فرماید:

و در مال خـدا که نزد تو فراهم شـده بنگر و آن رابه عیال منـدان و گرسـنگان که نزدیکت هسـتند بـده و آنان که مسـتمدند و سخت نیازمندند.(۱)

نکته قابل توجه در این سخنان این است که خاستگاه حقوقی و پشتوانه مراعات در برابر حقوق آن ها، تأمین مصالحی است که خداوند متعال به خاطر آن ها مراعات این حقوق را الزامی دانسته است.

اعتقاد به خداوند متعال و لزوم مراعات قوانین الهی، دولت و جامعه اسـلامی را ملزم به رعایت حقوق می کند. وقتی محرومان حق بهره مندی داشـته باشـند، مراعات حقوق آنان معیار عدالت خواهد بود. براساس احادیث و روایات و آموزه های اسـلامی، محرومان، مظلومان و ضعیفان در جامعه

۱- ۱. نهج البلاغه، نامه ۶۷ . نک: فصلنامه حوزه و دانشگاه، سال هفتم، ۱۳۸۰، صص ۱۴۹ _ ۱۵۰.

اسلامی حق دارند که به اندازه رفع نیازهای اساسی شان (غذا، پوشاک، سرپناه و دارو) مورد حمایت قرار بگیرند.(۱)

بر اساس دیدگاه اسلامی در مورد نابرابری های اجتماعی، عدالت اقتصادی و دقت در این امر آثاری را دربردارد که عبارتند از:

۱. از بین بردن فقر مطلق و ایجاد توازن و تعادل نسبی بین اقشار اجتماعی:

در جامعه ای که عدالت اقتصادی برقرار نباشد، رابطه محسوس میان تلاش افراد و میزان درآمد و رفاه وجود نخواهد داشت و گروهی به موقعیت های مناسب و بهره مندی از امتیازات انحصاری، بخش قابل توجهی از منابع را به خود اختصاص خواهند داد. بنابراین، فاصله بین قشر اجتماعی با شتاب روزافزونی بیش تر خواهد شد، اما وقتی عدالت اقتصادی بر طبق موازین اسلامی برقرار باشد، عامل عمده تعیین کننده درآمد و رفاه، تلاش صادقانه و مجدانه افراد خواهد بود و موقعیت ها و فرصت های یکسان، در اختیار همه قرار خواهد گرفت تا افراد براساس تلاش و پشتکار خود، درآمد و رفاه داشته باشند و تفاوت ناشی از این امر مسئله نامقبولی نخواهد بود.

۲. تزکیه باطنی افرادی که به دیگران کمک اقتصادی می کنند

و تقرب الهی و تکامل روحی آنان و تصفیه اموالشان.

مثلاً در پرداخت زکات و خمس که علاوه بر جنبه اقتصادی، بعد عبادی

۱- ۱. نک: عسگر دیرباز، فصلنامه حوزه دانشگاه، سال هفتم، تابستان ۱۳۸۰، صص ۱۵۲ _ ۱۵۳.

نیز دارند و مصارف آنان برای تأمین عدالت اقتصادی است، خالصانه بودن عمل شرط شده است.

۳. تقویت حسن برادری میان مردم

دین اسلام به لحاظ آن که دینی جامع و همه جانبه است، در احکام و تعالیم خود ایجاد وحدت در جامعه اسلامی، تقویت حس مسئولیت پذیری و برادری بین مردم را نیز مدّ نظر قرار داده است. اگر در جامعه ای، افراد بدون اقدام مناسب از کنار فقرا و محرومان عبور کنند، پس از مدتی نسبت به آنان بی تفاوت می شوند و محرومیت ایشان امری عادی جلوه می کند و نسبت به رفع محرومیت اقدام عاجل به عمل نمی آورند.»(۱)

در مورد نتایج و پی آمدهای دیدگاه اسلام درباره عدالت اقتصادی و توجه به مساوات و برابری، طبق الگوهای اسلامی سه نکته وجود دارد:

«الف) روابط اساسی میان مصرف، تولید و توزیع باید در چنان توازنی قرار گیرد که تمرکز قدرت اقتصادی در دست عده ای محدود میسر نگردد.

ب) نظام اسلامی، در هر برهه ای از زمان تأکید به حداکثر رساندن رفاه کل و نه صرفا رفاه نهایی دارد... چون انسان دارای یک فطرت الهی است و براساس آن چه تعادل اقتصا می کند، اهمیت اجتماعی نهایی افراد، در جامعه اسلامی با یکدیگر برابر می باشد، در نتیجه، از میان دو جامعه، آن که دارای توزیع درآمد یکسان است به دیگری که دارای توزیع درآمد نابرابر می باشد، ارجحیت دارد؛ حتی اگر درآمد متوسط در هر دو جامعه برابر باشد.

۱- ۱. همان.

ج) نتیجه مستقیم تأکید شدید در مورد برابری اقتصادی و سیاسی این می شود که در نظام اقتصاد اسلامی حق مالکیت خصوصی نامحدود و به هیچ وجه به رسمیت شناخته نمی شود. در یک اقتصاد متکامل اسلامی باید کلیه تأسیساتی که به نابرابری های ناخالص درآمد و ثروت دامن می زنند ولو به تدریج، برچیده شوند.»(۱)

دین مبین اسلام برای رفع مشکلات اقتصادی که به تشکیل قشر فقیر و غنی در جامعه می انجامد و جامعه را به حالتی دو قطبی تبدیل می کند و پیش گیری از پی آمدهای آن ها راه حل هایی مطرح می کند که نتایج مثبتی به جا می گذارد.

یکی از باورهای اسلامی این است که مال به خدا تعلّق دارد و انسان جانشین خدا در اموال است.

نتیجه

پس مالکیت فرد یا دولت، مالکیت مطلق نیست، بلکه اموال، در دست افراد امانت و مالکیت آنان، مالکیت مجازی و اعتباری به شمار می رود؛ زیرا مالک حقیقی همه اشیا، خداست و خداوند به زودی به حساب همه آنان که مالی را کسب کرده یا مالی در اختیار آنان بوده و در آن تصرّف کرده اند، رسیدگی خواهد کرد و در نتیجه لازمه این امر آن است که اموال نباید در اختیار سفیهان و تبذیرکنندگان قرار گیرد.

---

۱ - ۱. همان، ص ۱۵۹. نک: حیدر تقوی، جمع اخلاق و اقتصاد در اسلام، ترجمه حسن توانایان فرد، تهران، ۱۳۶۶، صص ۴۶ _ ۴۸.

لَتُسْأَ لُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعيم. (تكاثر: ۸)

به زودی در این روز (قیامت) درباره نعمت ها سؤال می شود.

نتیجه دیگری که این مسئله در پی خواهد داشت، آن است که دیگر جایز نیست نیازمندان و ناتوانان از این اموال محروم شوند.

وَ آتُوهُم مِنْ مالِ اللّهِ الَّذِی آتاکُمْ. (نور: ۳۳)

از اموالی که به خدا تعلّق دارد و خدا به شما داده است، به فقیران بدهید.

«هم چنین اثر بعدی این است که اموال نباید در میان شمار اندکی (توانگران) در گردش باشد.

کَیْ لا یَکوُنَ دُولَهً بَیْنَ الأَغْنِیاءِ مِنْکُم. (حشر: ۷)

تا این که اموال در میان توانگران شما دست به دست نگردد.

بالاتر از همه، اثر دیگر این است که وقتی دولت یا فرد نتواند از اموال، درست و بهینه برای مصلحت فرد یا جامعه بهره بردارد، مشروعیت مالکیّت چه خصوصی و چه عمومی از بین می رود.(۱)

ص:۱۳۴

۱- ۱. نک: محمد شوقی الفنجری، ترجمه: یوسف محمدی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال دوم، شماره ۷، پاییز ۱۳۸۱.

سخن پایانی

در پایان بایـد گفت که احکام و قوانین اسـلام در زمینه نابرابری ها و قشـربندی اجتماعی و اقتصادی هیچ گونه کاستی ندارد و اگر مدینه فاضـله ای که همه احکام اسلامی در آن اجرا شود، به وجود آید، این مطلب روشن خواهد شد. بنابراین، دلیل کم و کاستی ها و مشـکلات و نابسامانی های موجود را باید در علل و عوامل غیر از احکام اسلام جست و از ایراد گرفتن بی دلیل و بدون آگاهی به این احکام پرهیز کرد.

اهمیت موضوع نـابرابری و قشـربندی اجتماعی در جامعه شناسـی، به انـدازه ای است که از آغاز پیـدایش جامعه شناسـی، ذهن جامعه شـناسان بزرگ کلاسـیک ماننـد کارل مارکس، امیل دورکیم و ماکس وبر را به خود مشـغول کرده است. هم چنین در جامعه شناسی نوین، دیدگاه های اصلی مانند برخوردگرایی، کارکردباوری و ترکیب گرایی، این موضوع را همه جانبه بررسی کرده اند. از مجموع این نظریه ها به دست می آید که نابرابری اجتماعی بر پایه سه گونه کنترل است:

۱. نظارت بر منابع مادی و ابزارهای تولید که در واقع تفاوت های اقتصادی را به وجود می آورد؛

۲. کنترل منابع انسانی که در اصل، تفاوت های سیاسی را ایجاد می کند؛

۳. نظارت بر ایده ها و دانش که به وجود آورنده تفاوت های ایدئولوژیکی و علمی است.

اهمیت بحث های نابرابری و قشـربندی اجتماعی، بر هیچ اندیشمندی در هیچ نقطه جهان پوشیده نیست و نه تنها جامعه شناسان غربی علاقه شدیدی

ص:۱۳۵

به بیان آن داشته اند، بلکه متفکران مذهبی نیز در بحث های خود به واکاوی این موضوع پرداخته اند. آن چه از دیدگاه جامعه شناسی اسلامی برداشت می شود این است که در نظام های اجتماعی، تفاوت های طبیعی و اجتماعی وجود دارد؛ تفاوت های طبیعی اجتناب ناپذیرند، ولی تفاوت های اجتماعی، اگر سبب تبعیض و استثمار و بهره کشی گروهی از گروهی دیگر نشوند، مورد قبول هستند. در غیر این صورت، به گونه ای نابرابری می انجامد که نظام ظلم را به وجود می آورد. این نابرابری، سبب ایجاد طبقات برتر و فروتر می شود که از نظر اسلام، مردود است. بایدها و نبایدهای اسلامی، جامعه ای را پایه گذاری می کند که در آن تبعیض نیست و همه در برابر احکام خداوند یکسان و برابرند.

ص:۱۳۶

بخش چهارم: همراه با برنامه سازان

اشاره

ص:۱۳۷

مرتون و لازارسفلد، دو تن از پیشگامان پژوهش در وسایل ارتباط جمعی و آثار و کارکردهای آنان براین اعتقادند که وسایل ارتباط جمعی دارای نقش های زیر هستند:

۱. وظیفه اخلاقی (حمایت از هنجارهای اجتماعی)؛ ۲. امکان اعطای پایگاه اجتماعی (این وسایل با دادن معروفیت به اشخاص و گروه ها به آشکار کردن یا ارتقای پایگاه های آنان می پردازند)؛ ۳. برخی از وظایف نامطلوب (نظیر تخدیر اجتماع با ایجاد نوعی مشارکت خیالی در واقعیت و در عین حال با جانشینی بر عمل و فعالیت اجتماعی).(۱)

هم چنان که لازارسفلد و مرتون اشاره می کنند، رسانه های گروهی می توانند از طریق گزینش مسایل، اشخاص، سازمان ها یا جنبش های اجتماعی برای جلب توجه، موقع و مقام خود را به آن ها تفویض کنند. مخاطبان رسانه های گروهی، به ظاهر پیرو این باور دورانی هستند که اگر واقعا کسی شایان اهمیت باشد در کانون توجه رسانه های گروهی قرار می گیرد و اگر کسی در کانون توجه رسانه های گروهی باشد، بی گمان دارای اهمیتی است.

رسانه های گروهی، به ویژه صدا و سیما از طریق مشروع جلوه دادن

ص:۱۳۸

۱- ۱. ساروخانی، باقر، جامعه شناسی ارتباطات، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ نهم، سال ۱۳۷۹، صص ۸۳ و ۸۴ .

موقعیت و منزلت اشخاص و گروه ها بر اقتدار آنان تأکید می کنند و به آن ها وجهه و حیثیت می بخشند. شناسایی فرد از سوی رسانه های خبری، گواهی بر ورود او به صحنه و شاهدی بر این نکته است که وی به اندازه کافی اهمیت دارد که از میان توده های عظیم بی نام و نشان برگزیده شده، یا این که آرا و رفتار او به حدی مصمم و برجسته است که لاجرم باید توجه عموم را برانگیزد.(۱)

عدم تساوی منزلت ها، هنگامی از نظر اجتماعی عقلانی و مقبول است که دربردارنده وظیفه ای باشد و بی گمان این درست نیست که قشربندی جوامع در جهان امروزی دارای کارکردهای خاصی است؛ زیرا این جوامع نه کاملند و نه تغییرناپذیر. اگر بپذیریم فعالیت های نمایشی صدا و سیما کوتاه ترین مسیر ارتقا و پدید آمدن نابرابری های اجتماعی را تشکیل می دهد، در آن صورت این وسایل، تنظیم کننده اصلی نظامِ مبتنی بر رقابت هستند و یا خواهند بود.

ستاره های ورزشی، آواز، تئاتر، سینما و تلویزیون به سرعت ترقی می کنند، از اعتبار قابل ملاحظه ای برخوردار می شوند و این امر محتاج به آوردن مثال نیست. مشاغل دیگر هیچ گاه منزلتی قابل رقابت با این حرفه ها را ارایه نمی دهند.

اعتبار این حرفه ها بی همتاست. بدین ترتیب، یک بازیگر تلویزیون آن چنان وجهه ای در میان

---

۱ - ۱. ریدبلیک و ادوین هارولدس، طبقه بندی مفاهیم در ارتباطات، ترجمه: مسعود اوحدی، تهران، انتشارات سروش، سال ۱۳۷۸، ص ۱۰۶.

مردم به دست می آورد که قدرت های دیگر را به حسد وامی دارد.

«این ستاره ها در هرم قدرت جای نمی گیرند، جزو صاحبان قدرت به حساب نمی آیند، لیک باید پذیرفت که بزرگان موسیقی می توانند قضاوت های شخصی خود را در زمینه سیاست از طریق روزنامه ها، رادیو، تلویزیون و مجلات اظهار نمایند. بعضی از آن ها، چون از طریق تلویزیون موفق شدند، بر مشاغل عالی سیاسی راه می یابند. از جانب دیگر، مفسران سیاسی تلویزیون نیز می توانند هم چون ستاره ای به حساب آیند و قدرت واقعی را با ثروت و اعتبار به هم آمیزند و منجر به افزایش نابرابری های اجتماعی و اقتصادی جامعه شوند.

در نتیجه، بی شبهه مهم ترین نتیجه ارتقا از طریق وسایل ارتباط جمعی (صدا و سیما و...) و به صورتی ناگهانی، تحریف در نظام مبتنی بر رقابت است؛ یعنی تنها نظامی که قشربندی جامعه را بر اصول عقلانی متکی می سازد.»(۱)

«به بیان دیگر، زمانی که در عمل بهترین موفقیت ها یکباره و بدون مقدمه به دست می آید، دیگر انگیزه ای برای تلاش و کوشش افراد جامعه برای ارتقا اجتماعی و اقتصادی باقی نمی ماند.»(۲)

از بحران هایی که دانشمندان و محققان علوم سیاسی، بروز آن را در

۱- ۱. ژان، کازنو، جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، تهران، انتشارات اطلاعات، سال ۱۳۷۳، چاپ پنجم، صص ۳۸۰ _ ۳۸۵.

۲- ۲. همان، ۳۸۵.

کشورهایی که با بحران نابرابری های اجتماعی و بحران ملی مواجه هستند پیش بینی می کنند بحران توزیع اقتصادی است.

توزیع اقتصادی ناعادلانه بر پایه امتیازهای قومی، باعث بروز نابرابری های اجتماعی و بحران هویت ملی و رشد تعلق های قومی، قبیله ای در جامعه می شود که از امتیازهای اقتصادی درست محروم شده اند؛ یعنی بحران توزیع اقتصادی بحران نابرابری ها را در جامعه در پی می آورد.

گاهی ممکن است فقدان امنیت اقتصادی در پیرامون کشور، دولت را وادار به تمرکزگرایی اقتصادی کند که این امر نیز باعث پدید آمدن حالت گریز از مرکز در نقاط پیرامون کشور می شود و روابط اقتصادی دولت و اقوام را دچار مشکل می کند.

صدا و سیما نقش بسیار مؤثری در کاهش این معضل دارد.

«صدا و سیما باید در طی برنامه های ویژه اقتصادی خود، دلایل پاره ای از توزیع نامتساوی منابع اقتصادی توسط دولت را ــ که کاملاً در ارتباط با قابلیت های اقتصادی در بخش های سرمایه گذاری شده و نه به خاطر امتیازات قومی است ــ برای مردم کشور روشن سازد و با میزگردهای علمی، راه کارهای عملی دولت و ملت را نمایان سازد تا بتواند پاره ای از ابهام ها را که در این زمینه در اذهان اقوام مختلف جامعه وجود دارد و آن ها را به طور ذهنی نسبت به نظام بی تفاوت می سازد از میان بردارد تا زمینه

ص:۱۴۱

تحقق عدل و برابری در جامعه بنیان گذاری شود.»(۱)

نقش صدا و سیما و کاهش یا افزایش نابرابری های اجتماعی

«با ورود سیل آسای فیلم های خارجی که خوراک فرستنده های تلویزیونی را فراهم می سازند، رفته رفته عادات و آداب خاصی در کشور رواج می یابند که اکثرا با فرهنگ آن کشور بیگانه اند با امکانات اقتصادی ساکنان آن نیز تطابق ندارند و موجبات پیدایش نابرابری های اجتماعی و پیدایش دو قشر (فرنگی شده و به اصطلاح عقب افتاده) را در داخل مرزهای ملی فراهم می سازند و در مواردی چند همین برنامه ها، خود موجبات اعتیاد مردم کشور را به لباس، اغذیه و دیگر پدیده های رایج در کشورهای صنعتی فراهم می سازد که موجب چند بعدی شدن وابستگی و در نهایت انهدام منابع ملی است و استیلای فرهنگ خاصی از جهان صنعتی بین مردم عقب رانده شده جهان را سبب می شود. صدا و سیما باید با تیزبینی تمام مانع این گونه برنامه ها شود و برنامه های داخلی که با اصول اسلامی مانند عدالت، برادری و... سنخیت دارند باید جای گزین برنامه های خارجی با هدف خاص شود.»(۲)

پیشنهادهای کلی

ص:۱۴۲

۱- ۱. حکیم پور، محمد، نقش صدا و سیما در تحکیم وحدت ملی، قم، انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش های مطالعات و سنجش برنامه ای، سال ۱۳۸۰، صص ۴۶ و ۴۷.

۲- ۲. نک: جامعه شناسی ارتباطات، ص ۱۴۵.

صدا و سیما می تواند با کاربرد راه کارهای زیر به کاهش محرومیت ها یا تبعیض های اقتصادی جامعه یاری رساند:

۱. گسترش بحث هـای مربوط به کـارکرد نظام مالیاتی کشور برای توزیع بهتر ثروت میان گروه های نیازمنـد و کاهش فاصـله طبقاتی.

۲. بسـیج افکار عمومی برای مبارزه با فساد اداری و سوءاستفاده از مقام برای دراختیار گرفتن ثروت های عمومی جامعه و وارد کردن فشار به مردم.

۳. ساخت برنامه، برای شـفاف سازی منابع مالی احزاب، گروه ها و انجمن های سیاسـی و تلاش برای گسترش قانون مندی در زمینه دخل و خرج گروه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی.

۴. سـاخت برنـامه دربـاره ساختار ارتقای افراد به پست های اجرایی و سیاسـی در سـطح های گوناگون، به ویژه سـطح میانی و پایین مانند معاون وزیر، مدیر کل، مدیر شرکت های دولتی و وابسته به دولت و...

۵. سـاخت برنامه با هـدف الگوسازی از ائمه معصومین علیهم السـلام درباره گسترش فرهنگ درست هزینه کردن درآمـدهای عمومی و انتصاب مقام های دولتی؛ در این صورت افکار عمومی به این دو مقوله حساس می شود و می توانـد موارد ناصـحیح را مورد نقد و بررسی قرار دهد.(۱)

۶ . ساختن برنامه هایی برای تقویت حس انسان دوستی و ترویج روحیه قناعت و همیاری هموطنان نیازمند از طریق برنامه هایی به شکل گزارش،

۱- ۱. سـعید کریمی، اعتدال سیاسی مسئولیت رسانه در پیدایش و توسعه آن، قم، انتشارات مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۰، صص ۴۷ و ۴۸.

سریال و...

ارزیابی عملکرد صدا و سیما درباره قشربندی اجتماعی

پاره ای از منتقدان، تلویزیون را به اشاعه مکرر معیارهای جاری در زندگی اعضای خانواده هایی که ثروت بی پایان و شیوه زندگی بسیار باشکوه ومرفه دارند و در نتیجه تضعیف سازگاری و رضایت خانوادگی و ایجاد قشربندی در جامعه متهم کرده اند. گفته می شود که این تصاویر بذر حرص و آز و حسادت را در میان بینندگان آن برنامه ها می پراکنند. به ویژه بینندگانی که از طبقات فرودست اجتماعی هستند و آرزوی مجالی برای دست یابی به شیوه زندگی مشابه با آن ها را دارند.

با این حال، شواهد تحقیقاتی نشان داده است که ثروت، دست کم آن طور که در تلویزیون نمایش داده می شود، همواره شادی و سعادت نمی آورد. چون در بیش تر برنامه ها هرجا که ثروت می باشد، به همراه آن مشکلات ناشی از آن و پایان ناموفق ثروتمندان نمایانگر بوده است. و این می تواند جنبه مثبت برنامه های تلویزیون باشد.

نتایج تحقیقاتی که توماس و کالاهان (۱۹۸۲) در امریکا انجام دادند نشان داد که: پول به طور کاملاً آشکار سعادت و شادی نمی آورد، حال آن که فقر نسبی اغلب با میزان به نسبت زیادی سعادت و خرسندی توأم است. همه خانواده های طبقه کارگر نسبت به هم هم دردی زیادی نشان می دهند، حال آن که تنها یک پنجم خانواده های طبقه بالا این چنین بوده اند و خانواده های طبقه متوسط تقریبا در میان این دو قرار گرفتند. هم چنین اعضای یاری دهنده خانواده در مجموعه هایی که با خانواده های فقیر تعلق داشتند، در مقایسه با

ص:۱۴۴

افراد خانواده های ثروتمند بسیار بیش تر بود.(۱)

این مسئله از آن نظر مثبت است که می تواند مانع ثروتمند شدن افراد جامعه از طریق نامشروع که خود یکی از عوامل نابرابری های اجتماعی است، شود.

ولی اگر عکس این مسئله پیش آید و تلویزیون افرادی را که از راه نامشروع ثروتمند می شوند _ و اصول اسلامی مانند زکات و... را رعایت نمی کنند _ سعادتمند نشان دهد، جنبه منفی خواهد داشت. پس، در تلویزیون برنامه هایی باید مطرح شود تا جنبه های همدلی و فقیرنوازی در بین ثروتمندان رواج یابد که البته برنامه هایی که با فقیران و بی خانمان ها گزارش تهیه می کنند، هم چنین برنامه هایی مانند طرح اکرام و طرح های آزادسازی زندانی ها با کمک مردم، جنبه مثبت صدا و سیما در کاهش قشربندی و نابرابری های اجتماعی است.

ص:۱۴۵

۱- ۱. تأثیر تلویزیون بر زندگی خانوادگی، ترجمه مسعود علیا، قم، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶، صص ۱ _ ۳.

پیشنهادها

۱. دولت اسلامی باید به موازین اسلامی خود عمل کند تا افرادی که نمی توانند کار کنند، فقیر نشوند تا تبعیضات ایجاد نشود.

۲. دولت اسلامی باید با ترویج فرهنگ انسان دوستی از طریق رسانه در قالب های زکات، صدقه، خمس و... روحیه از خودگذشتگی را در بین مردم ایجاد کند تا بین مردم فاصله طبقاتی ایجاد نشود.

۳. تهیه فیلم های سینمایی، مجموعه های داستانی و فیلم های مستند از حضور فقرا در جامعه و بررسی وضعیت زندگی آن ها.

۴. مقایسه وضعیت زندگی فقرا در ایران پیش و پس از انقلاب اسلامی.

۵. برپایی میزگردهای کارشناسی با حضور دانشمندان مسلمان برای تبیین و پاسخ گویی در مورد وضعیت قشربندی و نابرابری های اجتماعی.

۶ . طرح مباحث جامعه شناسی و ارزش برابری بین انسان ها از طریق رسانه همه گیر تلویزیون.

۷. چون در دیدگاه اسلام باید زمینه برای همه افراد یکسان فراهم باشد تا تمامی افراد جامعه فرصت شکوفایی و استفاده از امکانات را داشته باشند، لازم است تا دولت اسلامی با طراحی قوانین اسلامی چنین زمینه ای را برای همه چه فقیر و چه غنی مهیا کند.

۸ . ساختن فیلم هایی در خانه هایی که مجلل نیستند و نشان دادن افراد پولدار، ولی بدبخت و با مشکلات زیاد در تلویزیون.

۹. گزارش از فقیران و روی صحنه آوردن آن ها در تلویزیون و بیان مشکلات مردم و بیدار کردن وجدان اخلاقی ثروتمندان برای کمک به

ص:۱۴۶

محروممان.

۱۰. اجرای دقیق و کامل قوانین اسلامی که سبب از میان بردن تبعیض می شوند. مانند (مبارزه با ربا، رشوه، احتکار و...)

۱۱. فعال کردن نهادهایی مانند کمیته امداد امام خمینی و طرح هایی مانند طرح اکرام و...

پرسش های مصاحبه ای

۱. به نظر شما وضعیت نابرابری های اجتماعی در کشور ما چگونه است؟

۲. دلایل مهم پدیدآمدن نابرابری های اجتماعی چیست؟

۳. آیا افراد خودشان در به وجود آمدن نابرابری ها دخیل هستند؟

۴. به نظر شما فاصله طبقاتی (بین فقیر و غنی) در جامعه ما چگونه است؟

۵. نقش دولت در کاهش نابرابری های اجتماعی چیست؟

۶ . به نظر شما، ریشه اختلاف ها میان افراد جامعه چیست؟

۷. به نظر شما، چه مناطقی از کشور ایران، جزو مناطق محروم و عقب افتاده هستند. آیا تاکنون به آن مناطق سفر کرده اید؟

۸ . چرا اسلام برای کمک به نیازمندان، سفارش می کند که نخست به اقوام نیازمند سپس به همسایگان و پس از آن به دیگر نیازمندان کمک کنید؟ تأثیر روانی و عاطفی این کار را بیان کنید؟

۹. آیا در مورد دیدگاه اسلام در مورد نابرابری های اجتماعی و اقتصادی

اطلاعاتی دارید؟

۱۰. آیا در محیط اطراف خود، شاهد تبعیض و بی عدالتی بوده اید؟

۱۱. به نظر شما چرا در آموزه های دینی و هم چنین قانون اساسی جمهوری اسلامی به مسئله عدالت و رفع تبعیض به طور گسترده ای توجه و تأکید شده است؟

۱۲. تأثیر زکات و خمس که از فروع دین اسلام هستند تا چه اندازه در تعدیل ثروت و رفع نابرابری ها نقش دارند؟

۱۳. به نظر شما آیا دستگاه قضایی کشور امروزه در دفاع از مظلومین و کسانی که حقوق شان پایمال شده خوب عمل می کند؟

۱۴. به نظر شما در یک جامعه اسلامی، مثل ایران، معضل نابرابری و قشربندی اجتماعی وجود دارد؟

۱۵. به نظر شما آیا وجود نابرابری در جامعه می تواند مثبت باشد؟

۱۶. به نظر شما چرا بعضی ها فقیر و بعضی دیگر ثروتمند می شوند؟

۱۷. به نظر شما ملاک های اسلامی بودن یک جامعه چه چیزهایی است؟

۱۸. آیا تلاش و کوشش فرد می تواند عامل نابرابری در جامعه شود یا مسایل دیگر مجالی به تلاش نمی دهند؟

۱۹. عدالت را تعریف کنید و عواملی که مانع از تحقق آن در جامعه می شوند را ذکر کنید؟

۲۰. آیا نابرابری اقتصادی و اجتماعی در جامعه می تواند سبب پدید آمدن معضلات اجتماعی دیگر شود؟ آن ها را توضیح دهید.

۲۱. به نظر شما صدا و سیما چه نقشی در کاهش یا رفع نابرابری های

اجتماعی و قشربندی دارد؟

پرسش های کارشناسی

۱. قشربندی اجتماعی چیست؟

۲. عوامل تشدید قشربندی اجتماعی چیست؟

۳. دیدگاه جامعه شناسان مکتب کارکردگرایی در زمینه قشربندی اجتماعی چیست؟

۴. دیدگاه جامعه شناسان مکتب تضاد در زمینه قشربندی اجتماعی چیست؟

۵. آیا وجود قشربندی اجتماعی در جامعه فوایدی دارد؟

۶ . نابرابری های اجتماعی تا چه حدی از نظر اسلام قابل قبولند؟

۷. عدل از دیدگاه اسلام چیست؟

۸ . قشربندی اجتماعی از دیدگاه اسلام چیست؟

۹. علل و عوامل پیدایش قشربندی اجتماعی در جامعه از نظر اسلام چیست؟

۱۰. چه عواملی در کاهش نابرابری های اجتماعی مؤثرند؟

۱۱. چه عواملی سبب می شود که در جامعه اسلامی معضل قشربندی اجتماعی آن هم به شکل شدید وجود داشته باشد؟

۱۲. پی آمدهای قشربندی اجتماعی در جامعه چیست؟

۱۳. ابعاد نابرابری های اجتماعی در جامعه چه چیزهایی هستند؟

۱۴. ویژگی های اقتصاد اسلامی چیست؟

ص:۱۴۹

۱۵. تاریخچه قشربندی اجتماعی را ذکر کنید.

۱۶. آیا وجود قشربندی اجتماعی دلیلی برای اسلامی نبودن جوامع است؟

۱۷. فقر چیست و علت پدیدار شدن آن چیست؟

۱۸. آیا صدا و سیما در مورد کاهش یا افزایش نابرابری های اجتماعی در جامعه نقش دارد؟

۱۹. عملکرد صدا و سیما در مقام یک رسانه در جامعه ایران به چه صورت بوده است؟

۲۰. وضعیت قشربندی اجتماعی در جامعه ایران چگونه است؟

۲۱. چه الگویی برای رفع قشربندی اجتماعی در جامعه باید برنامه ریزی شود؟

۲۲. برخی از مصداق های روشن تبعیض و بی عدالتی در کشور را نام ببرید؟

۲۳. ملاک های نابرابری های اجتماعی در منظر اسلام چیست؟

۲۴. چه گروه هایی از مردم، هم اکنون جزو فقیران و گروه های کم درآمد به شمار می آیند؟

۲۵. استکبار جهانی و نظام سرمایه داری تا چه اندازه در تحمیل تبعیضات اجتماعی به کشورهای جهان سوم نقش دارند؟

۲۶. علل و ریشه های فرهنگی قشربندی اجتماعی کدامند؟

۲۷. ریشه اختلافات از کجاست؟

۲۸. آیا تک تک شهروندان نیز در مقابله با قشربندی اجتماعی و اقتصادی در جامعه مسئولیتی برعهده دارند؟

ص: ۱۵۰

۲۹. آیا در شرایط کنونی، فعالیت هایی برای رفع یا کاهش نابرابری های اجتماعی در کشور صورت می گیرد؟

۳۰. تفاوت دیدگاه اسلامی و غیراسلامی درباره قشربندی اجتماعی چیست؟

۳۱. مهم ترین عامل نابرابری ها در کشور ایران چیست؟

ص:۱۵۱

معرفی کتاب هایی درباره موضوع

۱. ابوذر غفاری، عبدالحمید جوره الصحار (نویسنده مصری)، ترجمه: دکتر علی شریعتی.

۲. اسلام و مقتضیات زمان، مرتضی مطهری، جلد اول.

۳. امت و امامت، دکتر علی شریعتی.

۴. الحیاه، محمدرضا حکیمی، ترجمه: احمد آرام، جلد سوم.

۵. مکاسب محرمه، امام خمینی علیهم السلام، جلد دوم.

۶ . اقتصادنا، محمدباقر صدر.

۷. اقتصاد صدر اسلام، سیدکاظم صدر.

۸ . نظری به نظام اقتصاد اسلام، مرتضی مطهری.

۹. جمع اخلاق و اقتصاد در اسلام، حیدر نقوی، ترجمه: حسن توانایان فرد.

۱۰. عدالت اقتصادی در اسلام، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال اول، شماره ۴.

۱۱. آناتومی جامعه، فرامرز رفیع پور.

۱۲. مبانی جامعه شناسی ۱۳۷۴، منصور وثوقی و علی نیک خلق.

۱۳. اصلاحات (مبارزه با فقر، فساد و تبعیض)، اسماعیل پرور.

۱۴. جامعه شناسی، آنتونی گیدنز، ترجمه: منوچهر صبوری، نشر نی، تهران، ۱۳۷۸.

۱۵. الگویی در تعیین پایگاه اجتماعی، اقتصادی افراد و سنجش تحرک اجتماعی، شهلا کاظمی پور، ۱۳۷۸.

۱۶. مطالعه تطبیقی فقر از دیدگاه جامعه شناسی و اسلام، پایان نامه، محمدعلی غلامی، ۱۳۷۶.

۱۷. جامعه شناسی نابرابری های اجتماعی، محمد خدابنده.

ص:۱۵۳

کتاب نامه

الف) کتاب ها:

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون.

۲. ادواردز، ج، گرب، نابرابری های اجتماعی، ترجمه: محمد سیاه پوش واحمدرضا غروی زاده، تهران، نشر معاصر، ۱۳۷۳.

۳. ادیبی، حسین، جامعه شناسی طبقات اجتماعی، تهران، انتشارات علوم اجتماعی، ۱۳۵۴.

۴. الموسوی الخمینی علیهم السلام، روح الله، صحیفه نور، ج ۲۱ و... .

۵. بهی، محمد، اسلام و سیمای طبقاتی اروپا، مترجم: محمود خضری،تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۵۳.

۶. تامین، ملوین، جامعه شناسی قشربندی و نابرابری اجتماعی، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، تهران، انتشارات توتیا، ۱۳۷۳.

۷. تأثیر تلویزیون بر زندگی خانوادگی، ترجمه: مسعود علیا، قم، انتشارات صدا و سیما، ۱۳۷۶.

۸. تهرانی، سعید، تجدید حیات معنوی جامعه، تهران، نشر فجر، ۱۳۸۱.

۹. حائری شیرازی، محی الدین، مقدمه ای بر علوم انسانی اسلامی،شیراز، انتشارات نوید، ۱۳۶۳.

۱۰. حاجی حسینی، حسین، عدالت اجتماعی از دیدگاه امام علی علیه السلام،پایان نامه، ۱۳۸۱.

۱۱. حجتی کرمانی، علی، اسلام و تبعیضات نژادی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۱.

۱۲. حکیم پور، محمد، نقش صدا و سیما در تحکیم وحدت ملی، قم،انتشارات صدا و سیما، مرکز مطالعات و پژوهش های و سنجش برنامه ای، ۱۳۸۰.

۱۳. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۱۴. رفیع پور، فرامرز، آناتومی جامعه، تهران، نشر دانشگاه، ۱۳۸۰.

۱۵. رید، بلیک و ادوین هارولد سن، طبقه بندی مفاهیم در ارتباطات،ترجمه: مسعود اوحدی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۸.

۱۶. ژان، کازنو، جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه: باقرساروخانی و منوچهر محسنی، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ پنجم، ۱۳۷۳.

۱۷. شریعتی، علی، علی علیه السلام، مجموعه آثار ۲۶، تهران، انتشارات نیلوفر، چاپ دوم، ۱۳۶۲.

۱۸. شریفی اشکوری، محمد، اسلام و مبارزه با تبعیضات نژادی، قم،انتشارات لسان الصدق، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۱۹. صفا، داود، بررسی وضعیت قشربندی اجتماعی و رابطه آن با میزان دین داری و نوع قرائت دینی در شهر قم، کرمان، انتشارات دانشگاه شهید باهنر، ۱۳۸۲.

۲۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیرالمیزان، تهران، نشر بیتا، ج چهارم.

۲۱. عبدالقادرکامل، عبدالعزیز، اسلام و مسئله نژاد، ترجمه: سیدخلیل خلیلیان، تهران، انتشارات حقوق بشر، ۱۹۷۱م.

۲۲. غلامی، مهدی، مطالعه تطبیقی فقر از دیدگاه جامعه شناسی و اسلام، کرمان، انتشارات دانشگاه شهید باهنر، ۱۳۷۶.

۲۳. کرمی، محمدمهدی، پورمند و محمد، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی،تهران، نشر سمت، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۲۴. کریمی، سعید، اعتدال سیاسی (مسئولیت رسانه در پیدایش و توسعه آن)، قم، انتشارات مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۰.

۲۵. کوئن، بروس، درآمدی بر جامعه شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران،نشر توتیا، ۱۳۷۸.

۲۶. لهسائی زاده، عبدالعلی، نابرابری و قشربندی اجتماعی، شیراز،انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۷۷.

۲۷. لیپست، مارتین و همکاران، جامعه شناسی قشرها و نابرابری های اجتماعی، مشهد، انتشارات نیکا، ۱۳۸۱.

۲۸. مرامی، علیرضا، بررسی مقایسه ای مفهوم عدالت، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی،

.۱۳۷۸

۲۹. مساواتی آذر، مجید، مبانی جامعه شناسی، تبریز، انتشارات احرار، ۱۳۷۳.

۳۰. مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، قم، نشرتبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.

۳۱. مطهری، مرتضی، بیست گفتار، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۵۸.

۳۲. ________________________، پیرامون انقلاب اسلامی، قم، انتشارات صدرا، چاپ شانزدهم.

۳۳. ________________________، جامعه و تاریخ، مجموعه آثار، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۶.

۳۴. موسوی، جمال الدین، عدالت اجتماعی در اسلام، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۰.

۳۵. نوری، حسین، اقتصاد اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳.

۳۶. وبر، ماکس، مفاهیم اساسی جامعه شناسی، ترجمه: صدراتی، تهران،نشر مرکز، ۱۳۷۴.

ب) نشریات:

۱. اقتصاد اسلامی، سال دوم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۸۱ و سال اول، شماره چهارم.

۲. اندیشه حوزه، سال هفتم، شماره سوم و چهارم، ۱۳۸۰.

۳. اندیشه صادق، شماره ۶ و ۷ بهار و تابستان ۱۳۸۱.

۴. حوزه و دانشگاه، سال هفتم، ۱۳۸۰.

۵. راهبرد، فصلنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، سال دوم، شماره ۲، زمستان۱۳۸۲.

۶. علوم سیاسی، سال پنجم، شماره نوزدهم، پاییز ۱۳۸۱ و سال چهارم، شماره ۱۵،۱۳۸۰.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹